

گفت و گو با عبدالرحمان عمادی، نویسنده و ایران پژوه

گمشده های فرهنگ ایران در دریای مردم



علمی و فرهنگی می دهد، کوشیدم یافته های خود از مردم را بدون تغییر در مایه و شکل بهتری نشان بدهم. شما هر نامی روی این کار می خواهید بگذارید. اگر هدف فرهنگ اصیل مردم باشد، از هزار راه هم بروی، هر نامی داشته باشد، مایه ور خواهد شد و بار و بر خواهد داد.

مانند یک باستان شناس که دل خاک را می کاود، از گنجینه مردم عادی و زنده، به قدر فهم خودم، بهره برداری و خبرنگاری کرده ام و با آموزش های فرهنگی شهری از ادبیات فارسی و زبان های ایرانی و به ویژه دیلمی و گیلی و طبری آنها را در قالبی، مرتب ساخته ام. مانند یک آهنگساز که تم و ملودی خود را از مردم می گیرد و آن را گسترش

کتابخانه

شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۸۸
۲۱ صفر ۱۴۳۱ قمریه ۲۰۱۰
شماره ۲۱۹، پیاپی ۸۷۰
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir

۶



شعر
صدای بلند
انقلاب
۲۳



سه دهه ادبیات
کودک و نوجوان با
محمد کاظم مزینانی
۱۷



مروری بر
آمدن و رفتن سالینجر
۹۱ سال نبرد
۱۰

با حضور رییس جمهور و وزیر ارشاد صورت می گیرد

معرفی برگزیدگان بیست و هفتمین جایزه کتاب سال

اوجی در این باره توضیح داد: «کتاب سال در نحوه داوری یک تفاوت اساسی با جشنواره های دیگر دارد و آن این است که در جشنواره های دیگر، آثار به صورت مقایسه ای داوری می شوند، یعنی هر اثری را به نسبت آثار دیگر می سنجند که در این جشنواره ها همواره برنده ای هم وجود دارد، اما در کتاب سال، اثری می تواند به عنوان اثر برگزیده شناخته شود که در هر یک از سه مرحله داوری امتیاز لازم را احراز کند. به این ترتیب، ممکن است در برخی رشته ها هیچ اثر برگزیده ای وجود نداشته باشد و وجود چنین امری در سنجش و انتخاب آثار در جایزه ای مثل جایزه کتاب سال که مهم ترین و بزرگ ترین جشنواره سراسری کتاب در کشور است امری طبیعی است. معاون فرهنگی مدیرعامل موسسه خانه کتاب در ادامه درباره نحوه جمع آوری آثار برای ارزیابی و شرکت در این جشنواره اظهار داشت: طبق آیین نامه ما در ابتدای سال فراخوان هایی را در رسانه ها منتشر و از نویسندگان درخواست می کنیم آثارشان را تا پایان تابستان برای ما ارسال کنند، پس از دریافت آثار توسط دبیرخانه، از ابتدای پاییز کار داوری آغاز می شود. در ضمن از آنجا که تعدادی از آثار از طریق نویسندگان به دست ما نمی رسد خودمان با استفاده از مهم ترین سایت های خبری کتاب که در اختیار داریم آن کتاب ها را تهیه می کنیم و به داوری می گذاریم. همچنین از آنجا که خود داوران هم در جریان کتاب های روز هستند تعدادی از آثار نیز توسط آنها معرفی و توسط دبیرخانه تهیه و وارد چرخه داوری می شود.

ادامه در صفحه ۲

آیین پایانی بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال داخلی و هفدهمین دوره کتاب سال جهانی جمهوری اسلامی ایران، دوشنبه ۱۹ بهمن با حضور دکتر محمود احمدی نژاد، رییس جمهوری اسلامی ایران، سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامعلی حداد عادل، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسوولان فرهنگی و علاقه مندان حوزه کتاب در تالار وحدت تهران برگزار می شود. علی اوجی، دبیر بیست و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در گفت و گو با «کتاب هفته» با اعلام این خبر، آثار برگزیده این دوره از جایزه کتاب سال داخلی را ۳۰ عنوان و آثار شایسته تقدیر را ۳۵ عنوان اعلام کرد. به گفته اوجی امسال بیش از ۱۸ هزار عنوان کتاب در همه شاخه های علوم انسانی، علوم کاربردی و علوم محض در ۶۸ گروه مورد بررسی و ارزیابی داوران قرار گرفته است. دبیر بیست و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران با اشاره به این که از ۲۰ هزار عنوان کتاب چاپ اول - غیر درسی و غیر کمک درسی - که در یک سال گذشته منتشر شده اند، ۱۹ هزار عنوان در این دوره مورد ارزیابی قرار گرفته اند یادآور شد: آثار ارزیابی شده در این دوره از جایزه کتاب سال از نظر کمی در مقایسه با سال های قبل رشد چشمگیری داشته اند، اما تعداد آثار راه یافته به مرحله نهایی تفاوت فاحشی با دوره های قبل ندارد که دلیل آن نیز ثابت بودن ملاک های داوری برای انتخاب آثار است.

سرآغاز

سهام من، سهم ما

سر می زنم به کتابخانه خاطرات
کودکی ام، از تولد اولم تا میلاد دوباره ام
در بهمن ۱۳۵۷.
همه، «فقس» است و «عتاب». امروز
اما، همه خاطراتم، پر شده از «فقس» و
«کتاب».
روزگارم و روزگارمان، خط به خط و
صفحه به صفحه، و امدار قلم و صاحب
قلمانی است که برایم و برایمان نوشتند.
سهم کمی نبود این بذل آگاهی، این پیشکش
نور و این هدیه استقلال و سربلندی و
آزادی. من و تو نیز خواندیم و نوشتیم.
می خواستیم و می خواهیم، همه
فقس های دنیا را فقسه و همه عتاب ها را،
کتاب کنیم. سهم کمی نیست این مهندسی
دوباره اندیشه ها و باورها.
اما، بدهی ما نیز به انقلاب اسلامی، به
این زودی ها صاف نخواهد شد. امروز،
در سی و یکمین سالگرد تولدمان، چقدر
از سهم و بدهی من و تو - ما - به انقلاب
باقی مانده؟ آنقدر که باید، «از» انقلاب،
«برای» انقلاب و با «انقلاب» خواننده و
نوشته ایم؟

- ۲
• وزیر ارشاد:
افزایش نشر کتاب
از برکات
انقلاب است
- ساخت و ساز
در مصلاهی تهران
مانعی برای
نمایشگاه نیست
- ۳
• دن کاملیو
بر سر دوراهی
به ایران رسید
- جایگاه
اقتباسی ها
در اسکار ۲۰۱۰

رسم کتابخوانی را بین مردم باب کنیم؛ کاری که شنیدم اروپایی ها در خانه انجام می دهند. وقت خواب، مادر برای بچه اش کتاب می خواند. ما این رسم را اصلاً نداریم. البته در قدیم در بعضی از خانواده ها بود. ما در منزل پدری مان دیده بودیم که کسی می نشست و برای دیگری کتاب می خواند. سال ها چنین کاری می شد؛ هم برای کوچک ها، هم برای بزرگ ها؛ اما این کار اکنون بین مردم رایج نیست.

بیان مقام معظم رهبری در دیدار دست اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۷۶/۸/۱۹

دایرةالمعارف آرای قرآنی امام (ره) در راه انتشار

موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره) کتاب «شناخت قرآن» را که دایرةالمعارفی مشتمل بر مجموعه آراء، اندیشه ها و رفتار علمی امام خمینی (ره) در ارتباط با قرآن کریم است، در دست انتشار دارد.

کتاب «شناخت قرآن» نخستین جلد از مجموعه «امام خمینی (ره)، انقلاب و روش» است که در قالب یک مجموعه دوازده جلدی منتشر خواهد شد و در واقع دایرةالمعارفی از اندیشه ها و نظریات حضرت امام خمینی (ره) در ارتباط با قرآن کریم به شمار می آید.

این کتاب به قلم نویسنده ای غیر ایرانی با نام جواد علی کسار نوشته شده است که با ترجمه حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی سلطانی و در قطع وزیری از سوی موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) در دست انتشار است.

قیام عاشورا

از نگاه مقام معظم رهبری

کتاب «حسین (ع) چه می خواست بگوید؟» مجموعه فرمایشات مقام معظم رهبری، از سوی موسسه علمی، فرهنگی بصیرت، گردآوری، تنظیم و به چاپ رسید. این اثر، بخشی از اندیشه های مقام معظم رهبری درباره ماهیت قیام امام حسین (ع) و عبرت هایی است که می توان از این حادثه گرفت.

این اثر در چهار گفتار سامان یافته است: تحلیلی نو از ماهیت و هدف قیام حسینی، آن گاه که حسین بن علی به مسلخ می روند! (عبرت های عاشورا (۱))، وقتی معیارها از دست رفت! (عبرت های عاشورا (۲))، تکرار عاشورا؛ پیش چشم انقلاب (عبرت های عاشورا (۳)).

کتاب «حسین (ع) چه می خواست بگوید؟» در ۱۰۷ صفحه و از سوی موسسه علمی، فرهنگی بصیرت منتشر شده است.

وزیر ارشاد در افتتاحیه نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان:

افزایش نشر کتاب از برکات انقلاب است

کتاب ها از جمله موضوعاتی اند که در بحث عرضه کتاب در سطح جهان مطرح اند.

وزیر ارشاد همچنین به موضوع معیشت نویسندگان اشاره کرد و افزود: «مسائل اقتصادی اهالی قلم باید مورد توجه تمام نهادهای ذریع قرار گیرند؛ چراکه تامین نبودن این قشر عملاً آنها را از تولید مطلوب بازمی دارد.»

وی افزود: «وظیفه همه ماست که محیطی آرام و بدون دغدغه برای هنرمندان و اهالی قلم ایجاد کنیم تا آنها با ذوق فعالیت کنند.»

در این آیین، محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر ارشاد، نادر قدیانی، رئیس انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان، سید صادق رضایی، مدیرعامل جدید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، وزیر را همراهی می کردند.

دومین نمایشگاه تخصصی کتاب کودک و نوجوان از ۱۳ تا ۲۰ بهمن در مرکز آفرینش های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپاست و علاقه مندان از ساعت ۹ تا ۱۹ می توانند کتاب های این نمایشگاه را با ۳۰ درصد تخفیف خریداری کنند.



حسینی با اشاره به این که برپایی چنین نمایشگاه هایی باری از دوش نمایشگاه کتاب تهران برمی دارد گفت: «این سومین نمایشگاه تخصصی در سال جاری است که می توان از آن به عنوان حرکتی ارزشمند و مناسب در حوزه کتاب کودک و نوجوان یاد کرد.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تقدیر از اختصاص بخشی از نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان به کتاب های ایرانی که به زبان های دیگر ترجمه شده اند افزود: «در دنیای امروز برای این که فرهنگ ایران را به جهانیان ارائه بدهیم، چاره ای جز راهیابی به بازارهای جهانی نداریم؛ محتوا و شکل ظاهری

انقلاب اسلامی ایران بر پایه فکر و اندیشه شکل گرفته است گفت: «در سال ۱۳۵۷ در بهترین شرایط رژیم گذشته، تنها هزار عنوان کتاب در کشور منتشر شد؛ در حالی که در ۱۰ ماهه نخست امسال تعداد کتاب های منتشر شده از مرز ۴۵ هزار عنوان گذشته و تا پایان سال از مرز ۵۵ هزار عنوان هم خواهد گذشت.»

وی تصریح کرد: «افزایش نشر کتاب یکی از اهداف و آثار انقلاب است که امیدوارم قدردان آن بوده و همگان در انجام وظایف خود برای ادامه این راه کوشا باشیم.»

خداحافظی ذکایی با دفتر امور چاپ

جلال ذکایی، مدیرکل دفتر امور چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استعفا کرد. ذکایی در گفت و گو با «اینا» مشغله شخصی را دلیل اصلی این استعفا اعلام کرده است. ریاست اداره های حمایت و نظارت صنعت چاپ و اداره صادرات و واردات کتاب، همچنین سرپرستی دفتر چاپ، بخشی از کارنامه فعالیت های وی به شمار می آیند.

وی هفتم مهرماه سال ۱۳۸۴ دفتر امور چاپ را از سید امیر کریمانی، تحویل گرفته بود. برگزاری کارگاه ها و نشست های تخصصی با دست اندرکاران حوزه چاپ، پیگیری برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزشی و پیگیری برنامه های ساخت و ساز شهرک چاپ از جمله اقدامات ذکایی در این چهار سال بوده اند.

ذکایی از جانشین احتمالی خود در این دفتر اظهار بی اطلاعی کرد.

با دستور معاون فرهنگی وزارت ارشاد صورت می گیرد

خرید ۵ میلیارد ریالی از نمایشگاه کتاب کودک

با دستور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، هیات خرید کتاب در دومین نمایشگاه تخصصی کتاب کودک و نوجوان مستقر شد. این هیات حداقل پنج میلیارد ریالی از دومین نمایشگاه تخصصی کودک و نوجوان خرید خواهد کرد.

محمدتقی حقیقین، مدیر نمایشگاه تخصصی کتاب کودک و نوجوان با اعلام این خبر گفت: «با توجه به فرا رسیدن ایام دهه فجر و برگزاری دومین نمایشگاه تخصصی کتاب کودک در این ایام، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با خرید کتاب از ناشران شرکت کننده در نمایشگاه حمایت می کند.»

دومین نمایشگاه تخصصی کتاب کودک و نوجوان توسط انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان و با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا بیستم بهمن در مرکز آفرینش های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در خیابان حجاب برگزار می شود.

معرفی برگزیدگان بیست و هفتمین جایزه کتاب سال

به گفته و صفی، برگزیدگان این دوره جایزه جهانی کتاب سال که در مراسم پایانی نیز حضور پیدا خواهند کرد، از کشورهایی چون آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، روسیه، اسپانیا، هلند، ترکیه، مصر، گرجستان، تاجیکستان و یونان هستند.

دبیر علمی جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: «پروفسور «جمشید گیوناش ویلی»، از ایران شناسان شاخص کشور گرجستان، میهمان ویژه مراسم پایانی این دوره از جایزه جهانی کتاب سال خواهد بود.»

وی ادامه داد: «در این دوره از جایزه کتاب سال، کمتر از یک پنجم آثار را کتاب های عربی تشکیل داده اند و همچنین بیشتر کتاب های حوزه مطالعات اسلامی مربوط به پژوهشگرانی است که کتابشان به زبانی غیر از عربی منتشر شده است.»

مطالعات ایرانی و اسلامی در هفدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال برگزیده شده اند. این برگزیدگان از کشورهایی چون آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، روسیه، اسپانیا، هلند، ترکیه، مصر، گرجستان، تاجیکستان و یونان هستند.

وصفی گفت: «در این دوره، سه معیار اصلی جایگاه نویسنده از لحاظ علمی، خود کتاب و محتوای آن و همچنین اعتبار ناشری که کتاب را منتشر کرده، برای داوری آثار در نظر گرفته شده اند.»

وی ادامه داد: «در این دوره بیش از ۱۶۰ داور متشکل از استادان دانشگاه و صاحب نظران در داوری جایزه جهانی کتاب سال همکاری داشته اند که بخشی از این داوران در خارج از کشور داوری های اولیه را انجام داده و در دو مرحله بعدی نیز داوران داخل کشور، مطالعات و بررسی هایی را انجام داده اند.»

چهار داور خواننده شود.»

این آثار پس از جمع بندی امتیازات، وارد مرحله سوم می شوند که در این مرحله نیز آثاری که بیش از ۹۰ امتیاز کسب کنند برگزیده می شوند و آثاری که امتیاز بین ۸۰ تا ۹۰ را احراز کنند جزو آثار شایسته تقدیر شناخته می شوند.

۲۱ اثر برگزیده در جایزه جهانی کتاب سال

هفدهمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نوزدهم بهمن ماه همزمان با برگزاری مراسم اهدای جوایز برندگان داخلی جایزه کتاب سال، در بخش خارجی برندگان خود را می شناسد. محمدرضا و صفی، دبیر علمی هفدهمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از بررسی و داوری کتاب هایی به ۳۰ زبان در این دوره خبر داد و گفت: «۲۱ اثر از کشورهای مختلف در دو حوزه

ادامه از صفحه اول

اوجبی در ادامه افزود: «طبق آیین نامه، آثار هر حوزه در سه مرحله داوری می شود که در هر یک از این سه حوزه حداقل سه کارشناس و داور اصلی به ارزیابی آثار می پردازند. در مرحله اول کتاب هایی که نتوانند حداقل امتیاز را احراز کنند حذف می شوند و مابقی آثار به مرحله دوم راه پیدا می کنند.

وی با تاکید بر این که اعلام اسامی آثاری که به مرحله دوم راه یافته اند بدین معنا نیست که همه آنها لزوماً جزو آثار برگزیده اند، یادآور شد: «گاه این شبهه در میان برخی نویسندگان و خبرنگاران به وجود می آید که همه این آثار به مرحله نهایی راه یافته اند، در حالی که این طور نیست و کار اصلی از این مرحله به بعد شروع می شود، یعنی هر اثری که از این مرحله به بعد به مرحله نهایی راه می یابد حداقل توسط

دن کاملیو بر سر دوراهی به ایران رسید



رمان «دن کاملیو بر سر دوراهی» نوشته جوانی گوراسکی، نویسنده ایتالیایی، به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. این کتاب را مرجان رضایی به فارسی ترجمه کرده که ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی نشر مرکز، روانه بازار کتاب ایران می شود. گوراسکی کتاب «دن کاملیو بر سر دوراهی» را در سال ۱۹۵۴ میلادی با نام اصلی نوشته «don camillos dilemma» منتشر کرده است. وی در این کتاب یکی دیگر از ماجراهای شخصیت داستانی دن کاملیو را شرح می دهد. شخصیت داستانی دن کاملیو که در بسیاری از آثار این نویسنده وجود دارد، یک کشیش متعصب کلیسای کاتولیک است که در شهر کوچکی با یک شهردار کمونیست رقابت دارد. کتاب های مختلف این نویسنده از ماجراهای طنز دن کاملیو، بارها مورد اقتباس های مختلف سینمایی، تلویزیونی و نمایشی قرار گرفته اند. در ایران نیز چند سال پیش نمایش دن کاملیو با نویسندگی و کارگردانی کوروش نریمانی، اجرا شده است. نریمانی برای نوشتن این نمایشنامه با الهام از آثار گوراسکی، توسط کانون ملی منتقدان تئاتر به عنوان بهترین نمایشنامه نویس سال ۱۳۸۴ انتخاب شد.

گوراسکی در سال ۱۹۰۸ در ایتالیا متولد شد و تا سال ۱۹۶۸ زندگی کرد. او علاوه بر نویسندگی، روزنامه نگار و کاریکاتوریست هم بود اما عمده

سالیانگر ستاره یک فیلم مستند می شود

جی.دی. سالیانگر، نویسنده فقید که در زمان حیاتش با پافشاری تمام از واگذاری امتیاز ساخت فیلمی بر مبنای اثر پر فروش «ناتور دشت» خودداری کرده بود، خود به سوژه یک فیلم مستند بدل می شود. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از ایندپندنت، «شین سالرنو» فیلمنامه نویسی، کارگردانی و تهیه کنندگی فیلم مستندی درباره سالیانگر را بر عهده گرفته که مستندی دو ساعته درباره افسانه این نویسنده عزت گزین است.

وی طی ۵ سال به مصاحبه با ۱۵۰ چهره پرداخت؛ افرادی که در نشریه نیویورکر با سالیانگر کار کرده بودند و نیز نویسندگان دیگری چون تام وولف، ای.ال. دکتروف، جان گوئیپر و گور ویدال را در برمی گیرد.

در این فیلم مستند، با هنرمندانی که در آثارشان از نوشته های سالیانگر الهام گرفته اند نیز صحبت شده که فیلیپ سیمور هافمن، ادوارد نورتن، جان کاساک، دنی دوویتی و مارتین شین از جمله آنها هستند.

سالرنو همچنین در حال نوشتن یک کتاب درباره سالیانگر با استفاده از مطالب جمع آوری شده است. در این کار او از همکاری «دیوید شیلدز» بهره گرفته است. این فیلمساز امیدوار است تا بتواند فیلمش را در یک فستیوال بهاره مثل جشنواره فیلم کن برای نخستین بار نمایش دهد. در این فیلم، او به سوال هایی که درباره سالیانگر وجود دارد پاسخ می دهد و از عکس ها و قطعات فیلمی که از سالیانگر باقی مانده برای نخستین بار استفاده می کند.

جایگاه اقتباسی ها در اسکار ۲۰۱۰

نامزدهای نهایی هشتاد و دومین دوره جوایز اسکار روز سه شنبه، دوم فوریه ۲۰۱۰ اعلام شدند و نام چند اثر اقتباسی نیز در بخش های مختلف به چشم می خورند.

در حالی که دو فیلم «آواتار» و «سندوچقه رنج» بیشترین سهم را در نامزدی رشته های مختلف به خود اختصاص داده اند، اما دیگر فیلم های اقتباسی سال گذشته نیز از این جایزه چندان بی بهره نمانده اند.

در میان نامزدهای دریافت بهترین فیلم سال، نام چهار اثر اقتباسی به چشم می خورد. فیلم «در اوج آسمان» که بر اساس رمانی به همین نام اثر «والتر کرن» ساخته شده و «جیسون ریتمن» آن را کارگردانی کرده، از آثاری است که در

گرفته اند.

شهرت او برای مجموعه رمان های «دن کاملیو» به دست آمده است. او در این داستان ها، شهر کوچکی در ایتالیا را در دنیای بعد از جنگ جهانی دوم به تصویر می کشد. او کشاکش بین یک کشیش متعصب و یک کمونیست بی دین - که شهردار شهر است - را که دستمایه انتقاد از امور اجتماعی ایتالیا قرار داده است. با این حال آثار این نویسنده جنبه ای جهانی دارند و در کشورهای مختلف مورد استقبال قرار

با ترجمه مهشید میرمعزی

نخستین کتاب از اشترا تمن در ایران منتشر شد



«نوشتن از من خواندن از شما»، کتابی طنز از کوردولا اشترا تمن، طنزپرداز آلمانی، با ترجمه مهشید میرمعزی در ایران منتشر و روانه بازار کتاب شد. خواننده در این کتاب با طنزی شیرین، ساده، روان و البته نامتعارف روبه رو می شود.

این کتاب داستان زنی است که ساعت ۶ عصر وقت دندان پزشکی دارد، اما حالا هنگامی که کتاب آغاز می شود ساعت یک است و او تصمیم می گیرد در این فرصت، کتابی مطالعه کند.

به گفته میرمعزی، اشترا تمن در این کتاب طنزی خاص و نامتعارف، اما خودمانی و ساده به کار برده است. وی در این باره توضیح داد: «برخلاف کتاب های طنز این دوره که اکثرا طنزی سیاه دارند، خواننده در این کتاب با طنزی شیرین، ساده، روان و البته نامتعارف روبه رو می شود. نویسنده با خواننده اش بازی می کند. گاهی نوشته خود را خط می زند و گاهی با خواننده قهر می کند و چند صفحه را سفید می گذارد!

وی انگیزه اش از ترجمه این کتاب را، آشنایی طنزنویسان ایرانی با انواع متفاوت طنز دانست و گفت: «فکر می کنم جوانان باید انواع جهانی طنز و شیوه های نوین طنزنویسی را مطالعه کنند، آنچه را که با فرهنگ ما سازگاری دارد، یاد بگیرند و در آثار خود به کار ببرند.

میرمعزی چندی پیش کتاب «گاهی اوقات دوست دارم مجرد باشم» را از یک نویسنده زن آلمانی دیگر با نام کریستینه نوستلینگر ترجمه و منتشر کرده است، درباره زنان طنزنویس آلمانی تصریح کرد: «در آلمان امروز، زنان طنزنویس از مردان پیشی گرفته اند. هرچند نویسندگان مردی هستند که آثار بسیار خوبی خلق می کنند. اما مردان امروز ادبیات آلمان هنوز در قالب های کلاسیک کار می کنند، در حالی که زنان طنزنویس، به نوعی ابداع و خلق شیوه های نوین طنزنویسی روی آورده اند.»

اشترا تمن در سال ۱۹۶۳ میلادی در دوسلدورف آلمان متولد شد. او فارغ التحصیل رشته علوم اجتماعی از مدرسه عالی کاتولیک های شهر کلن است. وی علاوه بر نویسندگی، به عنوان کممدین در چند فیلم و سریال تلویزیونی نیز بازی کرده و در سال ۲۰۰۷ برنده جایزه دوربین طلایی - جایزه تلویزیون بایرن - برای بهترین کممدین زن شده است.

«نوشت از من خواندن از شما» با ترجمه میرمعزی در ۱۴۳ صفحه با شمارگان دو هزار نسخه و قیمت سه هزار تومان، توسط موسسه انتشارات نگاه روانه بازار کتاب شده است.

بسیاری از بخش ها از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه و بازیگر نقش اول مرد نامزد دریافت جایزه شده است. دیگر فیلم اقتباسی موفق این دوره جایزه اسکار در مر حله اعلام نامزدهای دریافت جایزه، فیلم «تحصیلات» است که بر اساس کتاب خاطرات «لین باربر» ساخته شده و لون شرفیگ آن را کارگردانی کرده است. این فیلم در رشته هایی چون بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه اقتباسی نامزد دریافت اسکار شده است.

دیگر فیلم اقتباسی این دوره از جوایز اسکار، فیلم «گرانپها» است که بر اساس رمان «فشار» اثر «سفاير» نویسنده ۶۰ ساله آمریکایی نوشته شده و «لی دنیلز» کارگردانی آن را بر عهده داشته است. هشتاد و دومین دوره از جوایز اسکار با همکاری «استیو مارتین» و «بالدوین» هفتم مارس (۱۶ اسفند) در هالیوود برگزار خواهد شد.

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

سایت عربی «ایبنا» آغاز به کار کرد

سایت عربی خبرگزاری کتاب ایران صبح سه شنبه هفته گذشته توسط دکتر سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور معاون فرهنگی رسما افتتاح شد. این بخش، از ماه پیش به صورت آزمایشی فعالیت خود را آغاز کرده بود. با راه اندازی این سایت، خبرگزاری کتاب به صورت سه زبانه اخبار کتاب و کتابخوانی را منتشر می کند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور در خبرگزاری کتاب ایران و بازدید از این مجموعه و گروه های مختلف خبری آن، با ارسال یک خبر، وب سایت عربی «ایبنا» را رسما افتتاح کرد. از این پس خبرگزاری کتاب ایران به زبان های فارسی، انگلیسی و عربی، تحولات مربوط به کتاب را پوشش خبری می دهد.

در بازدید وزیر ارشاد از خبرگزاری کتاب ایران، دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخی از مشاوران و مدیران این وزارتخانه، علی شجاعی صابین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب و نیز احسان الله حجتی، مدیرعامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران حضور داشتند. وی پس از جلسه با هیات امنای موسسه خانه کتاب و بازدید از این موسسه و زیرمجموعه هایش، به بازدید از خبرگزاری کتاب پرداخت.

گزارش کامل بازدید دکتر حسینی از خبرگزاری کتاب را در «ایبنا» بخوانید.

همه نامزدهای جایزه کتاب سال

خبرگزاری کتاب ایران اسامی همه کتاب های راه یافته به جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را که روز دوشنبه مراسم اختتامیه آن برگزار می شود، منتشر کرده است.

می توانید اسامی همه نامزدهای دریافت این جایزه را در ۱۱ گرایش مختلف، در «ایبنا» بخوانید.

ویژگی های زن شرقی

گروه بین المللی خبرگزاری کتاب ایرانی، گزارش مراسم رونمایی کتاب «گفت و شنود با خودم: گلچینی از دست نوشته زنان آسیایی»، را که روز یکشنبه هفته گذشته در کلکته رونمایی شد منتشر کرده است. نویسندگان زن ۳۴ کشور مختلف آسیایی در این کتاب از ویژگی های زن شرقی نوشته اند. در جلسه رونمایی این کتاب ۶ نفر از ۳۴ نویسنده کتاب حضور داشته و قطعاتی از کتاب را قرائت کرده اند. چند تن از ویراستاران این اثر مشترک هم در این جلسه از ویژگی های زن شرقی سخن رانده اند.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

همچنین «ایبنا» آمار کتاب های منتشر شده هفته در حوزه های مختلف از جمله «ادبیات»، «دین» و «کودک و نوجوان» را منتشر و این آمار را به هفته های پیشین مقایسه کرده است.

نگاهی به کتاب «هفت بازجو و چند داستان دیگر»

پرتاب لحظه ای احساس

حمید بداغی برای اهالی ادبیات نامی آشنا است و تاکنون چندین اثر از او در زمینه ادبیات داستانی به چاپ رسیده. بداغی در کتاب تازه اش، طبع خود را در راستای نوشتن داستانک آزموده و بدون اغراق باید گفت که تا حدودی هم موفق عمل کرده است. آنچه درباره کتاب «هفت، بازجو و چند داستان دیگر» جالب توجه به نظر می رسد، رسیدن به زبان داستانی کامل و در عین کوتاهی آثار است، یعنی این که نویسنده برخلاف اغلب کوتاهک نویسان، تکنیک را فدای احساس محض نکرده بلکه تلاشش این بوده که از تمامی عناصر تشکیل دهنده یک داستان کوتاه کامل در کارهایش بهره ببرد. بداغی در این مجموعه ۴۸ داستانک به چاپ رسانده که همگی حال و هوایی «پرتاب گونه» دارند. یعنی این که، گویی برشی از اوج زندگی - به نگاه - ذهنیت خواننده را به سوی خود می کشاند و او را تا لحظاتی به فکر فرومی برد که مشخصه داستان های بسیار کوتاه است. نکته دیگر در مورد این کتاب استفاده از فضاهای نزدیک به شیوه شعری «هایکو» است. بداغی تلاش کرده که در چند مورد از کارهایش، ادبیات داستانی را به این گونه پرتو فدار شعری پیوند بزند. همان گونه که گفته شد یکی از مشخصات داستان های بسیار کوتاه، خلق پرش های حسی است یعنی همان مشخصه ای که هایکو از آن برخوردار است.

در داستانک ها و هایکو ها، معمولاً با یک شیء یا شخصیت مواجهیم که حالتی متکثر دارد. به این معنا که خواننده می تواند از دل آن شیء یا شخصیت به «آن» های هنری دست پیدا کند و برای آنها معادلی خارج یا داخل از متن دست و پا کند. این سخن به این معنی است که داستانک ها و هایکو ها، نخستین گونه های ادبی اند که خواننده را به عنوان یک تکمیل کننده اثر به رسمیت می شناسند و این فرصت را برایش فراهم می کنند که حضور خود را در بخشی از بدنه کار سهیم ببیند. به این کوتاهک به نام «به همین سادگی» توجه کنید: «روزی که قرار بود بمیرم از خواب بیدار شدم، بعد از حمام صبحانه مختصری خوردم و به کوه رفتم. هوا ابری بود. بالای قله رسیدم، از کوله پشتی ام چتر پاراگلایدر را آماده کردم و پریدم. چتر که باز شد با خیال راحت اطرافم را نگاه کردم. به دیواره دره خیلی نزدیک بودم. باد شدیدی می وزید.» در این کوتاهک از عنصر باد به مثابه یک شخصیت دوگانه استفاده شده است که می تواند شخصیت اصلی را به دیواره دره بکوبد یا او را از کوبیده شدن به این دیواره نجات بدهد. نویسنده در این داستانک، درک کارکرد باد را بر عهده خواننده گذاشته و او به راحتی می تواند سرنوشت شخصیت را براساس احساسات خود ساخته و پرداخته کند و با جابه جایی کلماتی که دلالت بر مرگ قهرمان داستان دارند، راه و رسم دیگری

پی ریزی کند. نویسنده در این کار سهم خود را با تصویر وزش تند باد و نابودی قهرمان مشخص کرده اما در آخر ما شاهد چنین صحنه ای که حالت تمام کنندگی داشته باشد، نیستیم. می توان گفت استفاده از چنین فضاهایی در اغلب داستان ها، نمود عینی دارند اما کاش بداغی بیش از اندازه به این نوع نگاه تمرکز نمی کرد و بعضی از کارهایش را در دام تکرار نمی انداخت. همان گونه که گفته شد قابلیت های داستانک بیش از آن چیزی است که تصور می شود و نویسنده ای که قصد دارد نوشتن در این حوزه را ادامه دهد باید بیش از این در فکر پرورش ذهنیت خود باشد. موفقیت نسبی کار بداغی به آن جهت است که او تا جایی که نخواسته به حجم کتابش بیفزاید منطقی عمل کرده، اما زمانی که فریب زیبایی چند کار دیگر را خورده، تلاش کرده این موضوع را چندین بار تکرار کند تا جایی که بسیاری از کارها به لحاظ فرم و محتوا شبیه به یکدیگرند. یکی دیگر از نکات جالب درباره بداغی و کتابش، این است که او تلاش نکرده شبیه نویسنده دیگری بنویسد که همین موضوع به خودی خود به ارزش کارش می افزاید. نویسنده بر این بوده که با نوشتن این مجموعه تا حدودی دنیای ملموسی برای خواننده اش بیافریند و شاید به همین دلیل باشد که از حال و هوای آثار پیشینش فاصله گرفته است.



کسانی که کارهای قبلی حمید بداغی را خوانده اند، به این مسأله واقفند که او نویسنده ناشناسی در زمینه شناخت تکنیک های داستانی نیست و سادگی های کار تازه اش را باید به حساب گشایش یک مسیر تازه در روند نویسندگی اش گذاشت. برای نمونه، یکی دیگر از کارهای بداغی به نام «ایاجوگ» را بخوانید: «قدش اندازه یک دانه گندم بود. صورتش مشخص نبود. تمام بدنش دهان بود؛ مثل یک مور به جانم افتاده بود و شروع به نیش کشیدن من کرده بود. اولین ضربه را که زد، فکر نمی کردم او باشد، گنج می خوردم و به زمین افتادم. بلند شدم. با صدای وحشتناکی جیغ کشیدم. هزارها مثل خودش با آرایش نظامی به سوی من آمدند. نمی دانم از کجا پیدا شدند ولی آمدند، به همه شکل درمی آمدند. وقتی حمله را شروع کردند، صدای وزوز هزاران موجود ریز در گوشم پیچید. داشتم تمام می شدم.» کتاب «هفت بازجو...» امسال در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه توسط انتشارات قلم عرضه شده است.

<p>نام کتاب: آشنایی با توربیات و طرح های رویکرد حل مسأله و پژوهشگری</p> <p>نام مؤلف: دکتر ناصر سلیمی</p> <p>قیمت: ۲۸۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: اول/ ۱۳۸۸</p>		<p>نام کتاب: توصیه هایی به والدین برای تحصیل فرزندان در مدرسه (با تاکید بر آغاز سال تحصیلی)</p> <p>نام مؤلف: احمد صافی / سین خسرو</p> <p>صافی موسوی / جمشید احمدی</p> <p>قیمت: ۱۵۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: اول/ ۱۳۸۷</p>		<p>نام کتاب: مجموعه داستان ها و سوال های پرلز ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶</p> <p>نام مؤلف: مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز</p> <p>قیمت: ۴۰۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: اول/ ۱۳۸۸</p>	
<p>نام کتاب: برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه</p> <p>نام مؤلف: دکتر ناصر سلیمی</p> <p>با همکاری سیدمحمدحسین حسینی</p> <p>قیمت: ۱۴۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: دوم/ ۱۳۸۸</p>		<p>نام کتاب: راهنمای عملی پژوهش در عمل</p> <p>نام مؤلف: دکتر امیر قاسمی پویا</p> <p>قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: هفتم/ ۱۳۸۸</p>		<p>نام کتاب: مجموعه سوال های علوم و ریاضیات تیمز پایه سوم راهنمایی</p> <p>نام مؤلف: مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز</p> <p>قیمت: ۵۶۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: اول/ ۱۳۸۸</p>	
<p>پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش</p> <p>نشانی دفتر مرکزی: تهران - بلوار کشاورز - خیابان وصال شیرازی - کوچه شهید حجت دوست - پلاک ۵۶</p> <p>تلفن: ۸۸۹۵۵۸۲۲</p> <p>نشانی مرکز فروش: تهران - میدان امام خمینی (ره) - خیابان ناصر خسرو - جنب گلچینه و مرکز اسناد دارالفنون - پلاک ۲۵۲</p> <p>تلفن: ۳۳۹۱۲۳۸۸</p>		<p>نام کتاب: نوآوری در مدیریت مدرسه محور</p> <p>نام مترجم: فاطمه فقیهی</p> <p>قیمت: ۲۰۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: دوم/ ۱۳۸۸</p>		<p>نام کتاب: مجموعه سوال های علوم و ریاضیات تیمز پایه چهارم ابتدایی</p> <p>نام مؤلف: مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز</p> <p>قیمت: ۴۸۰۰ تومان</p> <p>نوبت و سال انتشار: دوم/ ۱۳۸۸</p>	



نگاهی به کارنامه نشر کتاب های پزشکی در سال های پس از انقلاب

ردپای جهش های نوین بر علم پزشکی

دست اندرکاران علم پزشکی در حوزه ترجمه کتاب های پزشکی را مثبت ارزیابی می کند و ادامه می دهد: «علم پزشکی با گسترش دانشکده های پزشکی در کشور رشد و توسعه خوبی داشته است و این گسترش موجب تعدد دانشجویان این رشته شده که به تناسب آن نیز نیاز به کتاب های پزشکی روزبه روز بیشتر شده است.»

وی همچنین به برخی مشکلات موجود در حوزه نشر پزشکی اشاره می کند و یادآور می شود: «در این میان نابسامانی چاپ کتاب های این حوزه نیز موجب دلخوری فعالان این بخش شده است. نبود کنترل در انتشار آثار یکی از این مشکلات است.»

دکتر بهادری توضیح می دهد: «اکنون هر فردی که به حوزه ترجمه تسلط دارد، سراغ یک کتاب پزشکی می رود و این تعدد کار موجب نوعی آشفتگی در بازار نشر شده است.»

وی از رعایت قانون کپی رایت به عنوان دیگر لازمه نشر پزشکی در کشور نام می برد و می گوید: «استفاده از قانون کپی رایت، موجب ارتقای نشر این حوزه در ایران و سراسر جهان می شود و ناشران خارجی به نشر ایران اعتماد می کنند.»

در این باره دکتر احمد خلیلی، یکی از مولفان جوان در عرصه پزشکی با اشاره به نگارش کتاب های پزشکی در سال های قبل از انقلاب و وارداتی بودن و پزشکی که خارج از ایران تحصیل می کردند، وقتی به کشور می آمدند، کمترین امکانات و تجهیزات را داشتند، زیرا ایران در علم پزشکی کاملاً به غرب وابسته بود.»

وی ادامه می دهد: «اما اکنون علم پزشکی در ایران رشد چشمگیری داشته و فاصله ای بین علم ایرانیان و غربی هانیست. اگر در آن زمان مقالات و تحقیقات پزشکی در ایران نادر بودند، اما امروز ایران به یکی از پایگاه های تحقیقاتی و مقاله نویسی در دنیا شهره شده است.»

دکتر خلیلی معتقد است: تنوع کتاب های موجود در این حوزه موجب ارتقای کیفیت آثار پزشکی شده است و این ارتقا، جهش بسیار خوب و بزرگی در نشر پزشکی به شمار می آید.



مدیر مسوول انتشارات ارجمند تصریح می کند: «نشر پزشکی در این سال ها رشد قابل ملاحظه ای داشته و از جهاتی هم متأسفانه در نبود قوانین کارآمد نظیر حق مؤلف، شاهد کپی برداری ها و کتابسازی های فراوانی بوده است.»

جهشی بزرگ

دکتر مسلم بهادری، نویسنده و مترجم کتاب های پزشکی که بیش از سه دهه است در حوزه کتاب های پزشکی فعالیت می کند، به رشد چشمگیر ایرانیان در عرصه های مختلف اشاره می کند و می گوید: «کتاب های ترجمه شده به همت بسیاری از دست اندرکاران و فعالان علم پزشکی رشد داشته اند، زیرا نیاز جامعه پزشکی به کتاب های ترجمه بسیار زیاد بوده است.»

وی می افزاید: «در زمینه تالیف نیز اقدامات خوب و مناسبی انجام شده است. اکنون کتاب های پزشکی بخش عمده ای از نشر کشور را به خود اختصاص داده و منابع پزشکی بسیار خوبی در کشور توزیع شده اند.»

دکتر بهادری، پیشرفت دانشجویان و

مسوول این انتشارات با اشاره به وضعیت نشر کتاب های پزشکی در سال های پس از انقلاب از نظر کمی معتقد است: «تا اواسط دهه ۶۰ کتاب های حوزه پزشکی به دلیل تعطیلی دانشگاه ها، جنگ و التهاب های سیاسی که تلاش های علمی را تحت الشعاع قرار داده بود دچار افت بودند.»

محسن ارجمند ادامه می دهد: «به مرور زمان با آمدن نسل های جدید ناشران که طی چند موج به این حرکت پیوستند، گسترش انفجاری پذیرش دانشگاه ها و اضافه شدن رشته های فراوان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا و فوق تخصص، شاهد رشد چشمگیر نشر کتاب های پزشکی بودیم.»

دکتر ارجمند در پاسخ به این سوال که «آیا کتاب های پزشکی توانسته اند در این ۳۱ سال به نیاز مخاطبان که همان دانشجویانند، پاسخ بگویند؟» می گوید: «ناشران خصوصی با توجه به نیاز مخاطبان، کتاب منتشر می کنند و من فکر می کنم اکنون اکثر کتاب های درسی هم به زبان انگلیسی و هم ترجمه در دسترس دانشجویان قرار دارند، کتاب های تست و «خلاصه درس» هم که متأسفانه بیشتر بازار را پر کرده است.»

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تأثیرات بسیاری داشته است.

این تغییرات در عرصه فرهنگ و ادب ایران زمین رنگ و بوی دیگری گرفت و شاعران و نویسندگان متعدد با تکیه بر ذوق و قریحه خود، آثار ارزشمندی تولید کردند. در این میان جامعه دانشگاهی کشور نیز روزبه روز بالنده تر شد و نگارش کتاب های فارسی زبان در حوزه دانشگاهی رونق گرفت.

گزارشی که در ادامه می آید، ماحصل گپ و گفت با دست اندرکاران حوزه نشر پزشکی درباره بررسی نشر در این حوزه طی سال های پس از انقلاب است.

نشر کتاب های پزشکی

نخستین ناشر کتاب های پزشکی و حتی کتاب های دانشگاهی از سال ۱۳۱۸ انتشارات «چهر» بود و بعد از آن چند ناشر دیگر به ویژه انتشارات دانشگاه تهران هم کتاب های پزشکی منتشر کردند، ولی ناشر اصلی و یکه تاز این عرصه تا سال های متمادی، انتشارات «چهر» به شمار می رفت.

بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۳ نشر کتاب های دانشگاهی و به تبع آن پزشکی، تا حدودی افت داشت که دلیل آن نیز بسته شدن دانشگاه ها در آن سال ها و التهاب های سیاسی و جنگ بود. از نیمه دوم دهه ۶۰ با ورود چند ناشر جدید به ویژه انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران که کتاب های افسست زیادی منتشر کرد و انتشارات دانش پژوه که ترجمه های خوبی در آن سال ها منتشر می کرد، بازار کتاب های پزشکی رونق گرفت که این رونق سپس با ورود انتشارات اشارت، نشر علوم دانشگاهی و انتشارات آینده سازان، شتاب بیشتری گرفت.

انتشارات «بشری» نیز تقریباً در همان سال ها فعالیت خود را آغاز و از همان ابتدا کتاب های پرستاری را روانه بازار کرد. سپس نسل جدیدی وارد این حوزه شد که به کلی چهره نشر پزشکی را دگرگون کردند؛ ناشرانی که مدیران آنها اغلب دانش آموخته رشته پزشکی اند.

موج جدید در بازار نشر

یکی از ناشران پزشکی که سال هاست در این عرصه فعالیت می کند، انتشارات ارجمند است. مدیر

اطلاعیه

قابل توجه ناشران محترم

خانه کتاب در حال آماده سازی و ویرایش جدید کارنامه نشر حاوی کتاب های منتشر شده در سال ۱۳۸۸ می باشد. ویرایش جدید طبق روال سال های قبل در اردیبهشت ماه همزمان با نمایشگاه بین المللی کتاب تهران منتشر خواهد شد. برای تکمیل اطلاعات و کمک موثر به اطلاع رسانی کتاب های منتشر شده، از ناشران سراسر کشور درخواست می شود با مراجعه به پایگاه اینترنتی موسسه (بخش بانک اطلاعاتی کتاب) به نشانی www.ketab.ir ضمن بررسی اطلاعات کتاب های ثبت شده، نسخه ای از کتاب هایی که در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده اند و مشخصات آن در سایت موجود نیست، به همراه برگه اعلام وصول به موسسه ارسال نمایند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به چهارراه ولیعصر، بین خیابان فلسطین و برادران مظفر، شماره ۱۰۸۰، طبقه اول، واحد کتابداری و اطلاع رسانی، صندوق پستی ۳۱۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۶۴۱۴۹۵۰ داخلی های ۲۰۴ الی ۲۰۷ و ۲۹۰، دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰

پست الکترونیکی: Information@ketab.org.ir

هر هفته
با کتاب هفته

ناشران و نویسندگان!

ساخت کتاب الکترونیک

نسخه موبایل و رایانه با قابلیت

موزیک، تصویر، جستجو، یادداشت و...

با هزینه ای کمتر از تایپ

تماس: ۰۲۱-۶۶۸۹۲۴۰۶

قابل توجه
ناشرین محترم

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب
با خدمات چاپ و انتشارات کتاب شمس

انجام کلیه امور کتاب
از مجوز و حروفچینی تا
چاپ و صحافی را بصورت
کامپیوتری (بدون لیتوگرافی)
بالاترین کیفیت و کمترین قیمت
یکجا تجربه کنید

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۲۹۷۴۱
۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲



رضا علیزاده

عبدالرحمان عمادی، شاعر، حقوقدان و پژوهشگر، در بهمن ۱۳۰۴ در روستای «ای نی» اشکور، در خانواده‌ای از طایفه سادات دیلمانی متولد شد. عمادی پس از تحصیل در مکتبخانه روستا، روانه رودسر، رشت و قزوین شد و تحصیلات متوسطه را در این شهرها گذراند. وی در سال ۱۳۳۱ موفق به دریافت لیسانس قضایی از دانشگاه تهران شد. عمادی همزمان با وکالت، به پژوهش در مباحث ایران‌شناسی روی آورد که بخشی از مقالاتش طی نیم قرن گذشته در مجلات معتبر منتشر شده‌اند. نشر آموت، طی ماه گذشته، برای نخستین بار ۵ کتاب از آثار عبدالرحمان عمادی را روانه بازار کتاب کرد. آسمانگت (چند رسم مردمی)، لامداد (چند جستار از ایران)، دوازده گل بهاری (نگاهی به ادبیات دیلمی و طبری)، حمزه آذرک و هرون الرشید (در آیین دو نامه) و خوزستان در نوازه‌های مردمی، عنوان‌های پنج کتاب عبدالرحمان عمادی‌اند است. با او درباره این کتاب‌ها به گفت‌وگو نشستیم.

گفت‌وگو با عبدالرحمان عمادی، نویسنده و ایران‌پژوه

گمشده‌های فرهنگ ایران در دریای مردم

اغلب کتاب‌های شما مجموعه مقالات پرانگنده در مباحث ایران‌شناسی‌اند، چنان‌که کتاب «لامداد» چنین است. آیا همه این مقالات پیش از این در مجلات منتشر شده‌اند یا این‌که نخستین بار است ارائه می‌شوند؟

در پایان هر یک از کتاب‌های پنج‌گانه من که توسط نشر آموت و با کوشش نویسنده جوان آقای یوسف علیخانی چاپ و نشر شده، فهرست مقالات چاپ شده من و تاریخ آنهاست.

شیوه مقاله‌نویسی شما رسیدن به معنا از راه جزء به کل است. آیا این شیوه مختص شماست یا این‌که از الگوی خاصی سرمشق گرفته‌اید؟

چنان‌که می‌دانید، من نه توانایی داشته‌ام و نه ادعا دارم که همه نوشته‌های دیگران را خوانده‌ام تا از میان آنها سرمشق بگیرم. در شیوه‌ای که برگزیدم از آغاز آموختن واژگان از کتاب‌ها و از مردم و گروه‌های روستایی و صاحبان پیشه‌های وابسته به آن جامعه بود. مانند یک باستان‌شناس که دل خاک را می‌کاود، از گنجینه مردم‌عادی‌وزنده، به‌قدر فهم خودم، بهره‌برداری و خیرنگاری کرده‌ام و با آموزش‌های فرهنگی شهری از ادبیات فارسی و زبان‌های ایرانی و به‌ویژه دیلمی و گیلی و طبری آنها را در قالبی که می‌بینید، مرتب ساخته‌ام. مانند یک آهنگساز که تم و ملودی خود را از مردم می‌گیرد و آنرا گسترش علمی و فرهنگی می‌دهد، کوشیدم یافته‌های خود از مردم را بدون تغییر در مایه و شکل بهتری نشان بدهم. شما هر نامی روی این کار می‌خواهید بگذارید. اگر هدف فرهنگ اصیل مردم باشد، از هزار راه هم بروی، هر نامی داشته باشد، مایه‌ور خواهد شد و بار و بر خواهد داد.

نام‌های کتاب‌های شما نام‌های خاصی‌اند مثل «آسمانگت یا لامداد». این کلمات در خلال کتاب‌ها واکاوی شده‌اند. چرا از چنین عنوان‌هایی استفاده کرده‌اید؟

این نام‌ها در زبان و آیین و تاریخ ایران زمین دارای معنای گسترده‌ای‌اند که سند فرهنگ چند هزار ساله ایران و سخن‌گویان آن به‌شمار می‌روند. رام = لام که هر دو یکی‌اند (چون در اوستایی و زبان پهلوی حرف ل نیست و حرف ر به هر دو معنی است) به معنای خداوند بزرگ یکتا، هزارها نشانه و ده‌ها گواه‌واژه‌ای دارد. مانند: وه - رام - بهرام = ایزد جنگ و پهلوانی و کشاورزی و هنر و همه آتش‌های هر چهار طبقه جامعه که ملت است. اهو - رام - ازدا: خدای بزرگ و یکتا به معنای رام = لام خوب که هستی را آفرید و مرا آفرید. ایلام: نام مردم و سرزمین ایران (رام، رامن، رامان) نام دیگری به معنای رحمان که (هنوز هم مردم عوام دیلم رحمان را رامان تلفظ می‌کنند) و این نام در دین ما نخستین واژه از هر نام خداوند است. لم = که صورتی از لام است و در زبان فارسی یکی از معناهای این است: فراوانی و فراخی نعمت و «لم به معنی: رحمت - بخشایش - آسایش است. برهان قاطع» و اینها وصف رحمن = رحمان است که بر خواننده عیان است. برای این نام که در مذهب هندو - تثبت - اسم (در جزء دوم آن) نیز نامی از نام‌های خداوند جهان است، گواه بسیار است. از این نام و معنا که پیشینه فرهنگ ایران را می‌رساند به خوبی می‌توان ارج و بهایش را یافت. دی - لم - آن: به یکی از معناها: خداوند و سرزمین رحمت‌ها



پرسید، گفتند: کودکان از گرسنگی علف می‌خورند و برای چریدن به بیابان رفته‌اند که آن را همان زمان روزنامه‌ها هم نوشتند.

در اینجا باید به نکته نگفته‌ای درباره حمزه آذرک سیستمی شاری که به ریشه و دین او پیوستگی می‌یابد، اشاره‌ای کوتاه بکنم: او، از تبار زوطهماسب بود. از آن پسری به نام طهماسب که طبری نوشته از منوچهر فریدون بود و به سبب راه دینی دیگرش بردی، از مصدر بردین، یعنی: تبعیدی و طرد شد. (زاو = زاب = زاگ = زاغ) در نام زاگرس و زاغ ساکار را دارد و رودهای زاب در سرزمین کردان ایران و زاغ مرز در طبرستان در مرز شهریار کوه و سمنان و دامغان، یکی از یادگارهای نام زاب، زابل و زابلی و زابلستان و زبان زابلی که زبان زن جمشید بود، سرگذشت خود را می‌گویند. چون خاندان منوچهر با کشته شدن نوذر و فرس و دوراسروان، پسران دیگر منوچهر سرکوب دشمنان شد، در مدت زمانی که به نوشته مورخان سال‌هایش دانسته نیست و به اصطلاح فترت بود، دشمنان فرمان راندند. تا زاو که در اوستا اوزو = نام دارد پیدا شد و به شاهی رسید. بندهش نوشته «منوچهر کین ایرج را خواست، پس افراسیاب آمد و منوچهر را با ایرانیان به پشخوارگر (= فرشوادگر: کوهستان دیلمان و رویان) راند. و به سیج و تنگی و بس مرگ نابود کرد. و فرس و نوذر، پسران منوچهر را کشت تا به پیوندی دیگر، ایرانشهر از افراسیاب ستانده شد... تا زاب تهماسبان آمد. افراسیاب را بسپوخت...» (ص ۱۳۹). ترجمه مهرداد بهار) زاب = زاو که کی قیاد کیانی سر دودمان کیانیان، جانشین او شد، در تاریخ‌ها نامدار است. در شاهنامه که نام سکایی یا سیستمی آن سکی سران بود، گرساسب و زاب با یکدیگر شاهی کردند.

این انگیزه من برای گزینش داستان حمزه آذرک سیستمی بود. اسناد سیستم را هم می‌خواستم بخش دیگری از آن ساخته همراه قیام پسر زید که در همان زمان حمزه آذرک روی داده بود یک جا بنویسم که استادم، مرحوم سید محمد مشکوه، صلاح ندید. اینها که آوردم قلم‌انداز و اشاره‌وار بود تا خواننده داننده خود دریابد که خردمندان را اشارتی بس است و گر نه گواه چندان است که در این چند کلمه نمی‌توان گنججانی.

(= سیس) و شوستر، نزدیک به چهل سال پیش آورده‌ام. در دیلم قدیم (از آذربایجان تا خراسان در دو سوی البرز کوه قدیم) از این نام سیستم به‌ویژه در شید (= شیز = فرسپ = سیس) و چیچست و کوهستان قفقاز و سیسجان (= نامی از ارمنستان) گرفته تا زوزن نیشابور نشان سیستم و از چاچ و فرارود (= ماوراءالنهر) و ث گوش که در نوشته بیستون از هخامنشیان آمده و نزدیک سند و مرز افغانستان و کشمیر بوده تا جایگاه زوزنی‌های لبنان (= دروزی‌ها) و تا دریای سرخ و سرزمین رام سیستم یا مصر از سیستم سا سکا سند و گواه بر جاست. سادات خاندان پیامبر و امام اول شیعیان از زمان وهرز دیلمی و سپس پیروز دیلمی و فرزندان آنها پناهگاهشان در کوهستان البرز و گیلان و مازندران بود. قیام‌های زیدیان و علویان دیگر به کمک مردم سرزمین‌های دیلم و گیل و طبرستان و مازندران بود. از زمانی که در شش سالگی به مکتب رفتم، سخن سادات و سیستمی‌ها به گوشم آشنا شد. چه در آن زمان از نامه‌های پدرم طوماری درست کرده در مکتب (= ملاخانه) می‌خواندم که در آنها هر گونه مطالب آمده بود و از جمله نسبت سادات با دیلمیان بویه بود که نام سیستم در نام نیاکان آنها بود. چنان‌که سادات ناحیه اشکور و سمام راسیستانی می‌گفتند نمونه‌های این نسبت زیاد بود. به عنوان مثال در زیارتنامه قدیمی امامزاده کیاسه در اشکور آمده: سیدعلی کیا پسر سیدمظفر کیا سیستمی و یازیار نگاه سام و لام در مرز کوهستان اشکور و الموت و گواه‌های دیگر که خود کتابی جدا می‌خواهد. این نشان‌ها با آنچه فردوسی در شاهنامه از خاندان وستم و زال آورده و با تاریخ و ادبیات زبان پهلوی سازگارند، نمی‌توانست توجه مرا جلب نکنند. قیام حمزه آذرک سیستمی و استاد سیستم به نام سیستم کنجکاوای هر ایرانی را برمی‌انگیزد. در آن زمان که دانشجو بودم داستان‌ها از ویرانی سیستم و بی‌نوبی مردم آن سامان، جسته و گریخته به گوشم می‌رسد که دل آدم را به درد می‌آورد. در سیستمی که روزی انبار غله آسیا بود و در استانی که دانشمندان و پهلوانان نامی داشت، کار مردم ستم زده‌اش به جایی رسیده بود که وزیر از تهران برای سرکشی مدارس زاهدان رفت و هنگام درس کلاس را تعطیل دید.

نام عبدالرحمان عمادی در نیم قرن گذشته برای اهالی تحقیق از راه مقالاتش نامی آشنا بوده. آیا پیش از این هم کتابی از شما منتشر شده بود؟

این که نام من برای اهالی تحقیق برای مقالاتم که در نیم سده کنونی چاپ شده، آشنا بوده و یا هست، چنین چیزی نیست. من خود هیچ نمونه دلگرم‌کننده‌ای از این آشنایی ندیده‌ام. حتی می‌توانم بگویم که بسیاری از آشنایان هم یا از این نوشته‌ها خبر نداشته و ندارند و یا اگر کسانی، آنها را به گفته خودشان تروق کرده باشند، سخنی به موافقت یا مخالفت نگفته و مطالب را نادیده گرفته‌اند. این که شما می‌فرمایید از روی ادب است و تعارف. در پایان این پنج کتاب، فهرست مقالات چاپ شده‌ام را هم می‌توانید ببخوانید. از ۱۳۵۱ تاکنون، به تدریج، تاریخ‌های چاپ آنها بوده که نزدیک به نیم سده است. به یاد ندارم حتی هشت یا ده نفر در این مدت درباره این نوشته‌ها به جز چند مجله، با من بحثی کرده باشند یا شفاهی یا با نوشته، چیزی به من گفته باشند. این امر علت‌ها دارد. بزرگ‌ترین آن راه رسم ویژه‌ای است که از آغاز برگزیده و با آن راه رفته‌ام: جستن گمشده‌های فرهنگ ایران در دریای مردم ایران و فرهنگ مردم از راه نوازه‌های جاها و کسان و نشان همان‌ها در کتاب‌ها و یاری گرفتن از همه چیزهایی که در دسترس داشتم؛ سفال، افسانه‌ها، ساختمان‌ها، کتاب‌ها و... این کار و فرآورده، باب بازار رایج نیست. من از آغاز این را می‌دانستم. در این راه و کار نه نام و آوازه و نه عنوان‌های فخر فروشی، و نه آب و نان، و نه همجوشی و همدمی با نامداران علم و ادب هیچ‌یک خواسته من نبوده و نیست. پیش از این هم کتابی به این صورت از من چاپ و نشر نشده. **آیا این مقالات اگر شکل و عنوان کتاب نداشته باشد، جزو آثار چاپ و نشر یافته به‌شمار نمی‌آیند؟**

از دید من آنها که به نام مقاله چاپ شده‌اند، هر یک خود کتابی بوده و هستند. اگر جابجا، مجلد نشده‌اند، از رده چاپ و نشر خارج نمی‌شوند. این که من آنها را دسته‌دسته به صورت یک‌جا، به نام کتاب و جلد شده، در آورده‌ام برای آسان کردن کار خوانندگان (اگر باشند) به‌ویژه نگهداری برای فرهنگ ایران به یادگاری است. من چندین برابر آنچه که چاپ شده، دست‌نویس از شعر و نثر دارم که آنها را به حساب خودم کتاب می‌دانم. پیش از پیدایش صنعت چاپ، کتاب‌های دست‌نویس، از دایره داشتن نام کتاب بیرون نبودند.

کتاب «حمزه آذرک و هرون الرشید در آیین دو نامه» پایان‌نامه تحصیل دانشگاهی شماست. چطور شد حمزه آذرک سیستمی را انتخاب کردید؟

نوازه «سیستان» نامی ساده از یک استان از ایران نیست. نام سراسر ایران زمین و سراسر تاریخ ساکاها و تیره‌های آنها در پیش از زردشتیگری از مرز هند و چین و بالای سرزمین سکا - لاب‌ها (= اسک - لای) کشیده تا سکان دیناری و آلاسکا گرفته تا اروپا و کشیده تا شمال آفریقا و کناره اقیانوس هند است که در همه این جاها به نام سیستم = چه با نام‌های هم‌معنای آن نشان‌های فراوان دارد و قدیمی‌ترین تاریخ ایران باستان یعنی روزگار کاسیان رادبرمی‌گیرد که کانون آنها سرزمین‌های ایران بوده. در ایران هم استان‌های کشور نشان از این نام داشته. چنان‌که در کتاب خوزستان در گزارش معناهای شوش (= سوس

ویخ‌شایش و آرامش‌ایزدی می‌شود. آسمانگت:صاعقه و نام‌هایش که نماینده هشدار بزرگ خداوندی برای آفریدگان است و آب و آتش و یانگ و مرگ و زندگی همه را می‌نمایاند و نزد همه ملت‌های بافرهنگ اهمیت داشته و در قرآن کریم سوره‌ای به نام آن است، نیز نامی کوچک نیست.

آسمانگت، **شامل چند رسم مردمی است که اغلب آنها در حال حاضر به فراموشی سپرده شده‌اند. آیا درباره این رسوم، پیش از این هم مطالب مشابه منتشر شده یا این که نخستین بار است که شما به آنها می‌پردازید؟**

تا آنجا که می‌دانم، تاکنون درباره پنج مقاله کتاب «آسمانگت» کسی پیش از این بررسی نکرده و چیزی ننوشته است. شعر هخامنشی درباره آفرینش زمین - آسمان، مردم، شادی برای مردم را که در جهان بینی دینی و فرهنگی ایران و ایرانیان اهمیت بسزایی دارد، من هنگام بررسی کتیبه‌های هخامنشیان دریافتم و به این صورت شناساندم. این شعر، گذشته از سندی بزرگ برای بر جا بودن شعر، پس از گات‌های اوستا، مدرک باارچی است که برای دین و جهان‌بینی ایرانیان ارزش بی‌مانندی دارد و کلمه به کلمه آن درخور اندیشیدن و یادسپاری است و برای قرآن کریم که دین مجوس را هم‌تراز دین یهود و دین نصرانی قرار داده و من در دنباله کتاب حمزه آذرک در گزارش پیمان شیز از آن یاد کرده‌ام، سندی است و ثابت می‌کند، دین ایرانی بر پایه یکتاپرستی بوده و ایرانیان جزو کفار نبوده‌اند.

درباره آسمانگت، در بالا در پاسخ پرسش شما، در بند ۵ اشاره وار توضیحی عرض کردم و سوره رعد (سوره ۱۳) را که سوره رعدوبرق و صاعقه (= آسمانگت) است گواه اهمیت این پدیده آوردم.
مقاله (آب استه) سند دیگری از ارج آب و آیین‌ها و باورها و فرآورده‌های آن در زندگی همه جانوران و گیاهان است که در کتاب خوزستان در آن باره بیشتر سخن رفته - ستایش رام و لام و معناهای آن را در بند ۱۵ین پرسش و پاسخ مطرح کردم -مطلب‌های هیچ‌یک از چهار مقاله بالا، به فراموشی سپرده نشده و مرده نیستند. این ما هستیم که دید بینی‌اشایسته برای دیدن و پند گرفتن نداریم.

مقاله عید کدوزنی و رسم آن نیز به صورت‌های چوگان و گلف و کریکت، نزدما و دیگران که از ایرانیان گرفتند به کار بسته می‌شوند. زدن تیر به هدف در حرکت فردی یا گروهی در مسابقه‌های ورزشی نیز به صورت‌هایی بر جا مانده. رسمی اگر مرده‌ی باشد، مانند زبان مردمان، ممکن است گاهی در گذر زمان برای مدتی از خودنمایی بایستند اما از میان نمی‌رود چون ریشه در مردم‌دارد، به گونه‌ای می‌روید و خیرنگار کوچکی مثل بنده آن را می‌بیند و معرفی می‌کند.

در کتاب دیگر که «دوازده گل بهاری» نام دارد هشت مقاله از ادبیات دیلمی و طبری چاپ شده. تا جایی که به خاطر داریم، دکتر غلامحسین یوسفی در چاپ تازه‌ای از کتاب قابوس نامه به نام و تحقیق شما درباره یک دوییتی طبری -دیلمی در آن کتاب اشاره کرده. آیا این دوییتی طبری - دیلمی که در کتاب دوازده گل بهاری گزارش کرده‌اید، همان است؟
بله. همان است با یازده مثل دیلمی که منظوم و مربوط به همان دوییتی طبری - دیلمی قابوس نامه می‌شود.

در همین دوازده گل بهاری نوشته‌ای از شما به نام (نوروز بل دیلمی) است که درباره جشن آتش در کوهستان دیلم نوشته‌اید. به نظر می‌رسد شما نخستین کسی هستید که از این جشن گزارشی آورده‌اید که طی این چند سال، رسم مذکور بر اساس داده‌های شما در گیلان، در تابستان، در ماه مرداد گرفته می‌شود.

پیش از انقلاب، مرحوم سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در رادیو تلویزیون، کارهای فرهنگ مردم را اداره می‌کرد و با بسیاری از شنوندگان رادیو در زمینه فرهنگ روستاییان را از نامه ارتباط داشت. برادر کوچک‌تر از من به‌نام سیدعبدالکریم عمادی که اکنون در رودسر است، دانش آموز و دوستدار گردآوری داستان‌های روستاها بود و برابری انجوی نامه‌می‌نوشت.

انجوی از من خواست برایش مقاله‌ای بنویسم که (نوروزبل) رانوشتم و در سال ۱۳۵۵ چاپ کرد. سپس همان نوشته در فرهنگ مردم، پس از درگذشت انجوی در یادنامه انجوی شیرازی، شماره ۳ و ۴ سال ۱۳۸۱ دگر باره چاپ شد. پس از ۱۳۵۵ دیگران نیز در آن باره مطالبی در جراید گیلان نوشتند و معلوم شد در جاهای دیگر کسان دیگری از کوهستان دیلم آن جشن را به یاد داشته‌اند ولی چون آنگونه دامداری که در قدیم بوده، از میان رفته و بسیاری از کوهیان گیلانی شده‌اند و افروختن آتش برای سال تازه دیلمی در تابستان در میانه مرداد ماه در گیلان گرمسیر، جزو نیازهای روستاییان نبوده و نیست، برپا کردن آن به شیوه گذشته رهاشده‌است. نوروزبل که نام آیین سال‌نودرگاه‌شماری دیلمی در میانه تابستان در ماه تموز یا مرداد خورشیدی است، درواقع (نوروز شیر و خورشیدی) است. زیرا ماه مرداد تابستانی برج شیر و خورشید است و همه ویژگی‌های نجومی این ماه را در اختر‌شماری باستان دارا بوده و هست و بسیاری از ملت‌های باستانی در همین هنگام آن را بر پا می‌دارند. در مجله گیله‌وا، شماره ۱۰۵ مرداد و شهریور ۱۳۸۸ در مصاحبه‌ای در این باره توضیح بیشتری داده‌ام.

نام دیلم - دیلمی و دیلمیان در کتاب‌های شما فراوان دیده می‌شود. دیلم به کدام منطقه کنونی ایران گفته می‌شود؟

دیلم که دیلمی منسوب به آن است، نام‌ها و معناهای زیادی دارد؛ پیش از زردشتیگری -در زمان هخامنشیان و اشکانیان - در زمان ساسانیان - در زمان اسلام ایران در سده‌های پیش از صفویان -از صفویان تاکنون.

در هریک از این دوره‌ها نامواژه‌های مربوط به دیلم و دیلمیان، قلمرو ویژه خود را دارند که یادآوری آنها کتابی جدا می‌خواهد. در سده‌های نخستین پس از اسلام تا زمان بویهیان (=آل بویه) دیلمستان که دیلم و دیلمی مربوط به آن سرزمین می‌شود، سرزمین بوده که در کتاب‌های معتبر جغرافیایی قدیم و نوشته‌های آن زمان خوانده و دیده می‌شود. برای نمونه: نقشه‌های جغرافیایی کتاب‌های مسالک و ممالک ابراهیم اصطخری و صورالارض ابن حوقل را اگر نگاه کنیم، می‌بینیم رشته کوهستان البرز از آذربایجان تا حدود نیشابور و گرگان، مانند قوس و کمان در زیر دریای خزر یکسره و تنها به نام دیلم یادشده که کناره‌های دریا از گیلان و مازندران و گرگان در شمال و کناره‌های کوهستان در جله سمنان و دامغان و ری و قزوین و زنجان را که به کوه پیوسته‌اند، دربرمی‌گرفته. در همین کتاب «الامداد» در پشت جلد، نقشه رنگی آن گواه این مطلب است.

در نوشته‌های کتاب اصطخری و کتاب (اندر صفت زمین) که ندانستم چرا و چه کسی نام (حدود العالم من المشرق الی المغرب) را بر آن نهاد و مشهور شده و بسیار باارزش است و در سال ۳۷۲هجری قمری نوشته شده. در هر دو کتاب، دیلم و دیلمستان یک قلمرو کلی داشته و دارد و یک قلمرو خاص و ویژه. قلمرو کلی؛ به نوشته (اندر صفت زمین) از خاور به خراسان، از جنوب به شهرهای جبال و از یاختر آذربادگان و از شمال دریای خزر، دربردارنده (گرگان -دهستان -فراو - استرآباد - آبسکن - طبرستان - تمیشه -لمراسک - ساری -مامطیر-ترجی -میله -آمل -الهم -ناتل -کومش -دامغان -بسطام -سمنان -ریمه و شلبنه -کوه قارن - پریم - سامار - دیلمان - گیلان) است. دیلمان خاص،

دیدگاه فرهنگی و تاریخی بیشتر نواحی دیلم قدیم با هم انبازی دارند که در کتاب‌ها گاهی به نام گیلان و گاهی به نام دیلمان و امروزه یکسره به نام گیلان و مازندران و طبرستان شهرت دارد

(میان طبرستان و جبال و گیلان و دریای خزران) بوده و دو جا و دو گروه از مردم را دربرمی‌گرفته، یک گروه کنار دریا و گروهی در کوه‌ها. گروهی که در کنار دریا بوده‌اند، ده ناحیه و گروهی که در کوه‌ها بوده‌اند سه ناحیه بودند که نام‌هایشان یاد شده. گیلان، ناحیه جدا میان دیلمان و جبال و آذربادگان و دریای خزر بوده که سپیدرود هفت ناحیه بوده که نام‌هایشان را نوشته‌اند. همه‌دیلمان‌عام وکلی باگیلان و طبرستان و سرزمین‌های جنوب کوهستان البرز چون رودبار کنار شاهرود از بالا تا پایین و کوهستان ری و دامغان به نوشته کتاب یاد شده «ناحیتی بسیار با زبان‌ها و صورت‌های مختلف بوده که به ناحیه دیلم باخ‌خوانده می‌شده» در نوشته‌های من نه همه دیلم به صورت عام بلکه از ناحیه جغرافیایی، دربردارنده ناحیه کوهستانی میان منجیل تا کلارآباد چالوس، در هر دو سو یعنی، فاراب - دیلمان - اشکور بالا و پایین -الموت - طالقان - سیارستاق و تنکابن و بخشی از گیلان خاوری چون جنوب لاهیجان و لنگرود و رودسر و رامسر که نزدیک کوه رانکوه است. از دیدگاه فرهنگی و تاریخی بیشتر نواحی دیلم قدیم با هم انبازی دارند که در کتاب‌ها گاهی به نام گیلان و گاهی به نام دیلمان و امروزه یکسره به نام گیلان و مازندران و طبرستان شهرت دارد. اما امروز، امروز دیلم و دیلمان محدود به قصبه‌ای از دیلمان قدیم است و بس که غیر از کتاب‌خواندگان، دیگران همین دیلمان را می‌شناسند و از دیدگاه استناداری گیلان، دیلمان و فرهنگ و جغرافیا و تاریخ آن همین ناحیه دیلمان و اسپیلی است که به اندازه دهستان کوچکی است. چند نفری از فرهنگیان گیلان هم تا حدودی همین گونه برآورد دارند و از زبان و فرهنگ دیلمی به آن معنایی که از نوشته‌های من دریافت می‌شود، خشنود نیستند و دلشان می‌خواهد من به جای دیلم و دیلمی، گیلک و گیلانی به‌کار ببرم که چنین دیدی با حقیقت تاریخی سازگار نیست.

در کتاب «خوزستان در نامواژه‌های آن» شما برآیند که برای به‌دست آوردن شناسنامه تاریخی نقاط مختلف ایران می‌توان بر نامواژه‌های آنها تکیه کرد. این کتاب شناسنامه تاریخی خوزستان است یا شناسنامه تاریخی ایران بزرگ از زبان نامواژگان؟

آری. این پرسشی بزرگ است. همه ویژگی راه فرهنگی من همین است. راهی دشوار و بسیار دشوار! زیرا نامواژگان آموزگاران و دانایان خاموش روزگارند که تنها بینندگان آنها باید درس آنها را بیابند و بگویند و بیاموزند؛ تا بینندگان که باشند و چه باشند. مردم ایران از سپیده‌دم تمدن خود که راه درازی را پیموده و بارها چون شاخه و تنه درخت بر اثر تاخت و تازها بریده و افاده اما دوباره از ریشه سر برآورده، برای بازماندگان خود مرده‌ریگ‌های گوناگون به جا گذاشته‌اند تا شناسنامه آنها یکسره از میان نرود. آنها، زبان سکایی، مادی و اوستایی و هخامنشی و ایلامی و ده‌ها زبان دیگر را که به‌نارو‌الهیجه و گویش می‌گوییم، برای فرزندان رنگ و وارنگ خود به یادگار گذاشته‌اند که ما تنها از اوستایی و پهلوی (خیلی کم) و فارسی کنونی استفاده می‌کنیم. زبان دیگری که نیاکان دوراننیش، نه بر کاغذ و سنگ و چرم و خشت، بلکه در ذهن ایرانیان جادادند.(نام‌های جغرافیایی و نام‌های کسان) است که از آن زبان (خاموش و گویا) تنها واژگان آن به صورت نام‌ها برای ما به یادگار مانده - دستور (گرامر) آن و ترکیب واژه‌ای آنها در جملات و عبارات در دست نیست. تک‌درختانی تنها در بیابان یا سریزان نگهبان خاموشی بدون کرده و فرمانده و سازمان هستند که باید آنها را با حرف آورد. اما چگونه؟ هر روستا در ایران کنونی به رسم قدیم برای دره‌ها و کشت زارها، کوه‌ها، چشمه‌ها، رودها، جنگل‌ها و... نام‌های جدا دارد. در ایران حدود شصت هزار آبادی است با این حساب ما دست کم ششصد هزار نام ایرانی داریم. اگر نام‌های مشترک و نام‌هایی را که معناهایشان را می‌دانیم، کنار بگذاریم، دست کم زبانی داریم با صد، صد و پنجاه هزار واژه. زبانی که برادر یا خواهر قدیمی زبان اوستایی و مادی و هخامنشی و ایلامی و پهلوی و سریانی، اما یکی دیگر از آنها بوده که گنجینه آنها را برپارتر می‌کرده که مردم ایران، به ویژه در روستاها در صفحه و اوراق ذهن و جان

خود آن را نگه داشته‌اند. ما از این زبان در هیچ کتاب و مدرسه‌ای درسی نمی‌بینیم. درحالی‌که آنها شناسنامه جایی‌اند که آن نام را دارد. شما اگر می‌خواهید کسی را بشناسید، او را از شناسنامه‌اش جویا می‌شوید. اما کسی در ایران به‌طور رسمی و همگانی از تهران نمی‌پرسد نام تو چه معنایی و چه سرگذشتی دارد! حتی معنای «ری» را هم نمی‌پرسند و نمی‌دانند! من این راه دشوار را برگزیدم و از خوزستان آغاز کردم که در خود آن کتاب در آغازش نوشته‌ام. شناخت خوزستان شناخت همه ایران زمین است. زیرا خوزستان مانند هر استان دیگر، پاره‌ای از تن پیکری است که از هزارها سال شکل گرفته است. اگر هر جای دیگر ایران را از زبان خود آنجا بشنوید بهتر می‌شناسید تا دیگر برایش خیالبافی کند.

البته این راهی است دشوار اما ایرانیان باید این زبان را بشناسند چون زبان موجودیت آنهاست. نباید بگذارند نادانان و دشمنان فرهنگ ایران آن را تغییر بدهند.

آیا درباره نامواژه‌های نقاط دیگر ایران، تحقیق دیگری انجام داده‌اید؟

چندین سال است روی کتیبه بیستون از داریوش اول هخامنشی و هخامنشیان پس از او کار می‌کنم. من آنها را پس از اوستا سند بزرگ فرهنگ ارزشمند ایران قدیم می‌دانم. آنها را به شعر درآورده‌ام و کوشیده‌ام از روی معانی نامواژه آنها، سرگذشت آنها را بازگویی کنم. در شعر من به‌نام (بدو وخلیج پارس و جزیره هایش) که جزو کتاب خوزستان در پایان آن چاپ‌شده، نمونه‌ای کوچک از این شیوه را می‌یابید. برای معانی (ابوموسی) و(تنب) از همین روش استفاده کرده‌ام. البته باید معناهای یافته شده با واژه‌های ایرانی و داده‌های جغرافیایی و تاریخی و پیوند با همسایگانش طوری گویا باشد که خواننده در ذهن آن را منطقی بداند. خواننده‌ای که به دور از غرض باشد. این که نوشتم این کاری است دشوار، از همین جهت است. دیگران هم باید روی آنها کار کنند چون کار یک نفر به تنهایی همه مساله را پاسخ نمی‌دهد.

از یادداشت آغازیکی از کتاب‌هایتان این‌طور برداشت می‌شود که در آغاز جوانی وارد عرصه سیاست شدید اما بعد، به‌طور کامل از آن دست برداشته و یکسره خود را وقف ادبیات ایران کردید. آیا مایلید در این باره چیزی بفرمایید؟

این گفت‌وگوی کوتاه درباره فرهنگ و کتاب است. پرسش شما موضوع را به گستره دیگری می‌کشاند. در پرسش شما، پاسخ کافی برای این گفت‌وگو وجود دارد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۳۵ برای همیشه سیاست را ترک کرده و در کنار وکالت به کار پژوهش فرهنگی پرداختم. سرگذشت سیاسی من از شهریور ۱۳۲۰ تا آن زمان خود کتابی جداگانه می‌شود.

در شناسنامه پشت جلد کتاب‌هایتان شما به عنوان حقوق‌دان و شاعر و پژوهشگر معرفی شده‌اید اما جز یک شعر در پایان کتاب خوزستان، شعر دیگری از شما ندیده‌ایم.

چاپ آثارم تازه آغاز شده و اگر عمری ماند، چند برابر آنها آماده چاپ هستند که بخش بیشترشان شعر خواهد بود.

حوزه فرهنگ مردم دلبستگی اصلی شماست که با جست‌وجوی ریشه آنها در متون کهن، اسناد مختلف به دست می‌دهند و یک موضوع را معرفی می‌کنند. آیا فرهنگ مردم ایران در حال حاضر ادامه منطقی فرهنگ باستانی ایرانیان است؟

همه آنچه را که در هر کشوری فرهنگ ملی آنجا می‌دانند و می‌نامند درواقع فرهنگ مردم آنجاست که مانند درختی با شاخ و برگ‌های گوناگون و رنگارنگ به یک تنه و ریشه می‌انجامد. فرهنگ مردم ایران نیز چنین است. ایران که در چهارراه جغرافیایی و تاریخ آسیا قرار گرفته و از هر سو بارها شاخ و برگ‌هایش بریده شده، چون ریشه‌ای ژرف داشته، از نو جوانه‌ها زده. از این رو فرهنگ مردم ایران با همه گوناگونی‌هایش یک ساختار با ریشه چندهزار ساله دارد و آنچه که به ظاهر با دین‌های گوناگون دیده می‌شود در مایه و پایه و خمیره، از یک بنیان است و ناگزیر آنچه که امروز به آن نام می‌یابیم، ادامه یابد و ناگزیر همان شود.



نگاهی به عملکرد مرکز اسناد انقلاب اسلامی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

وقایع نگاری انقلاب، راهی بی پایان



نماند. ممکن است نویسنده موضوعی را از زاویه دید خودش تعریف کند، به طوری که شخص دیگری همان حادثه را جور دیگری دیده باشد. اما دلیل نمی شود که درباره آن اتفاق دروغ یا اشتباه بگوید. برخلاف آنچه در اذهان بعضی ها شکل گرفته و فکر می کنند که این مرکز به دلیل حضور حسینیان، جانبدارانه است، باید عرض کنم، خیر. نگاه ما به روایات و خاطرات انقلاب، نگاهی پلیسی نیست، بلکه برعکس، نگاهی روشنگر است یعنی تدوین و تکمیل تاریخ انقلاب و با در نظر گرفتن همه اسناد و تحلیل ها، نگاه ما مرجع گونه است و تکرار می کنم، بی طرفیم که اگر غیر این بود، نمی توانستیم تاکنون ۹۰۰ طرح پژوهشی از آن هزار طرح را به پایان رسانده و ۷۰۰ عنوان کتاب را روی پیشخان کتابفروشی ها قرار دهیم. حتی بعضی از کتاب های ما مانند «شنبه پس از انتخابات» و «قلب بزرگ» به چاپ نهم رسیده یا «نگهبان آرا» و «بهایت در ایران» که به چاپ هفتم و چهارم رسیده. اگر منابع مالی داشتیم، این مقدار به تعداد بیشتری هم می رسید. هر چند قصدم گله گزاری یا صحبت درباره مشکلات مالی نیست، اما کمک دولت به مرکز اسناد از ریف همان بودجه و اعتباری است که به مراکز پژوهشی تعلق می گیرد. سهم امسال مرکز نیز چیزی حدود ۱۰۰ میلیون تومان بود. اکنون نیز ماهانه شش عنوان کتاب چاپ نخست داریم و دو سه عنوان نیز تجدید چاپ. تکمیل گام های بعدی انقلاب، یعنی رسیدن به شاخه های فرعی تر آن که تاریخ شفاهی عمومی را در بر می گیرد و می توان آنها را از زبان افرادی که در آن زمان کودک یا جوانی بیش نبودند جست و جو کرد. از اهداف اصلی مرکز است که رضای آن را تشریح کرد.

سوال این است که آیا چنین کتاب هایی طرفدار هم دارند؟ به عبارت دیگر مخاطبان کتاب های چاپ شده در مرکز چه کسانی اند؟ رضای پاسخ می دهد: «دو دسته مخاطب داریم. دسته نخست پژوهشگران، دانشجویان و اهل فرهنگ اند که چاپ این کتاب ها را بعضی برای تحقیق و آگاهی خود می دانند و دسته دوم افرادی که علاقه زیادی به خاطره خوانی دارند.»

برون مرزی جمهوری اسلامی ایران نیز از اولویت برخوردارند که انجام این کارها در چهار معاونت تخصصی مرکز تقسیم می شود؛ معاونت پژوهشی، معاونت اطلاع رسانی، معاونت ضبط تاریخ شفاهی انقلاب و معاونت چاپ و انتشارات. از مدیر جوان معاونت چاپ می خواهم کمی درباره نحوه انتخاب خاطرات و دربرگیری آن وقایع از نظر زمانی توضیح دهد و او به جمله ای از مقام معظم رهبری اشاره می کند: «وقتی برای تایید عناوین طرح های مرکز و راهنمایی نزد ایشان رفتیم، به ما گفتند اگر چه انقلاب اسلامی از سال ۱۳۴۲ شروع شد و در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، اما به لطف خدا هنوز هم ادامه دارد. بنابراین، وقایع نگاری انقلاب باید از همان سال ها آغاز و تا زمان حال و در آینده ادامه پیدا کند.»

سیاست ما نیز بر این اساس پی ریزی شد. از همه کسانی که به نوعی در تاریخ انقلاب نقش داشته و دارند هم دعوت کردیم تا در ثبت آن ما را یاری کنند. اگر نگاهی به آرشیو مرکز بیندازید، حتما مشاهده می کنید که در آرشیو خاطرات ما از خاطرات احسان نراقی هست تا عسگر اولادی و بقیه. حتی ما کتاب ها و خاطراتی چاپ کردیم که پس از انتشار جریان ساز شد. مانند کتاب «خاطرات آقای دری نجف آبادی» که بخشی از آن درباره قتل های زنجیره ای بود که آن زمان بسیار سر و صدا به پا کرد.

البته این را هم اضافه کنم که در چاپ همه این خاطرات، اسناد و کتاب ها، ملاحظاتی هم داریم، اما از سانسور خبری نیست. دلیل این ادعا هم خواندن هر کدام از این خاطرات است که بسیاری از آنها نه تنها توسط خود اشخاص نوشته که تدوین هم شده اند. باز هم اعلام می کنم مرکز اسناد انقلاب اسلامی موسسه ای کاملاً بی طرف است.»

به او گفتم در تاریخ نگاری همه مدعی بی طرفی اند، اما قضاوت آن به عهده آیندگان یا کسانی است که زمان وقوع حادثه را درک کرده اند. پاسخ رضای به این نظر چنین بود: «این موضوع را می توان با تأثیر گرفتن از افکار مختلف جبران کرد تا شک و شبهه ای باقی

نه تنها روزهای انقلاب که دوران جنگ تحمیلی را هم تجربه کرده باشد؟ پاسخ می دهد: «این را باید از مدیر مرکز یعنی روح الله حسینیان پرسید نه من، که الحمدلله تاکنون هم از کار بنده راضی است.» جالب آن که این مدیر جوان پنج سال است که بر کرسی این معاونت که یکی از چهار معاونت تخصصی این نهاد به حساب می آید، تکیه زده است، جوانی ریز جثه و خوش مشرب. اما پیش از ورود به مبحث عملکرد مراکز اسناد در این چند سال، بجاست از کسی نام ببرم که ایده اصلی چنین مرکزی با او بود. سید حمید روحانی که اکنون به گفته رضای، منتقد اصلی مرکز است! آن زمان روحانی از هیأت امنای اولیه این مرکز بود.

از ابتدا قرار شد این مرکز وابستگی اقتصادی به هیچ جا نداشته باشد. دلیل آن را هم رضای تأکید امام خمینی (ره) بر این موضوع می داند: «از آنجا که دولت هر چهار سال یک بار در حال تغییرند و از آن گذشته به لحاظ آن که تاریخ همیشه باید مستقل نوشته شود و امام (ره) نیز همیشه بر استقلال اقتصادی این مرکز اصرار داشتند، هیچ گاه این مرکز زیر پوشش دولت ها نبوده و نخواهد بود، زیرا اگر این طور می شد، آن گاه نمی توانستیم بدون جانبداری از دولت های وقت، تاریخ آن دوره را بنویسیم.»

او سپس ادعای خود را با چاپ کتاب «کاینه دوم میر حسین موسوی» که به تازگی وارد بازار کتاب شده است کامل می کند: «اگر می خواستیم وابسته به جایی باشیم، آن گاه نمی توانستیم چنین کتابی را به دور از هر گونه نگاه سیاسی به چاپ برسانیم.» مرکز اسناد انقلاب اسلامی که از سال ۶۷ میزبان روح الله حسینیان به عنوان رییس مرکز است، توانسته تاکنون ۱۸۸۸۰ عنوان طرح پژوهشی را همراه گروه وی احصاء کند که از این میان یک هزار از این عناوین پذیرفته شده اند که مبنای فعالیت ها و عملکرد این سال های مرکز قرار گرفتند.

گرچه ثقل کار این مرکز روی اسناد و خاطرات قرار گرفته است، اما پرداختن به محور هایی نظیر تاریخ منطقه ای انقلاب اسلامی، نهضت اسلامی ایران، تاریخ معاصر، تاریخ شفاهی انقلاب و موضوعات تحلیلی و

از اواخر پاییز سال ۱۳۶۰ درست پس از گذشت یک سال و اندی از جنگ تحمیلی، عده ای از معتمدان انقلاب در خانه ای گرد هم آمدند تا بنیان موسسه ای را بنا نهند که بعدها به مرکز اسناد انقلاب اسلامی معروف شد. این عمارت متعلق بود به هوشنگ دونلو قاجار از ملازمان محمدرضا شاه پهلوی که حالا یکی دو سالی بود به تصاحب انقلابیون درآمده بود، البته برای پرداختن به کارهای اینچنینی در آن روز قرار شد مرکز تاسیس شود که وظیفه اش ثبت و نگهداری وقایع پیش و پس از انقلاب اسلامی باشد. همان روز و شاید هم در روزها و هفته های پس از آن، شرح وظایفی به طور مسوط برایش نوشته شد. با نگاهی اجمالی به کتاب های کتابخانه این مرکز می توان فهمید که یکی از وظایف اصلی این موسسه جمع آوری، حفظ و چاپ اسنادی در قالب کتاب است که درباره نهضت مشروطه، جنگ جهانی اول، حکومت رضاشاه، جنگ جهانی دوم، سال های آغاز سلطنت شاه، واقعه آذربایجان، نهضت ملی شدن نفت، واقعه ۱۵ خرداد ۴۲، فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سال های ۴۰ و ۵۰ شمسی، سلسله حوادثی که جرقه های انقلاب اسلامی بود، سقوط بی دربی دولت های محمدرضا شاه پهلوی و بالاخره اعتصابات و تظاهراتی که به پیروزی مردم بر حکومت شاهنشاهی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ ختم شد.

با گذشت زمان وظایف دیگری نیز بر دوش این مرکز اضافه شد که مهم ترین آنها ثبت خاطرات بزرگان انقلاب از آن روزهای پر حادثه و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و اتفاقاتی است که در این چند سال در ایران رخ داد و از زبان خود آنها به رشته تحریر درآمد. البته شنیدن همه اتفاقات انقلاب و جمع آوری آنها از زبان مردم عادی را هم باید به آن اضافه کرد که از آن به تاریخ شفاهی انقلاب یاد می شود.

به گفته معاون چاپ و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، یکی از مهم ترین کارهایی که در این سال ها انجام شد، وقایع نگاری چند ماه اخیر ایران است که شاخص ترین آن، تحولات اخیر ایران در روزهای پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران است که حاشیه های زیادی در برداشت و منجر به چاپ کتاب هایی شد که باز به نقل از این مدیر، پای بسیاری از منتقدان و خبرنگاران را به این مرکز باز کرد. کتاب هایی نظیر «شنبه پس از انتخابات»، «قلب بزرگ»، «کاینه میر حسین موسوی در دهه ۶۰» که بسیاری از مورخان و سیاستمداران، چاپ آنها را اشتباه زده توصیف کردند، زیرا به زعم این افراد برای نوشتن چنین وقایعی حداقل به یکی دو سال وقت نیاز است تا به دور از هر گونه جانبداری یار آن و در کمال بی طرفی به نوشتن آن همت گمارده شود، موضوعی که مدیران این مرکز چندان با آن موافق نیستند.

حال، پس از گذشت نزدیک به ۳۰ سال از تاسیس این نهاد غیر دولتی و به مناسبت سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و برای آن که بدانیم تا چه اندازه مرکز اسناد انقلاب اسلامی در ثبت روزهای انقلاب از سال ۵۷ تاکنون، به دور از هر گونه پیش داوری یا در طرفداری از جناحی خاص یا علیه گروهی دیگر به قضاوت تاریخ نشسته است، در گزارشی از نزدیک وقایع آن و این روزها را در این ایام همراه با معاون جواب چاپ و انتشارات این مرکز که ۲۶ ساله است ورق می زنیم.

وقتی از مهدی رضای درباره جوان بودنش برای این سمت می پرسیم و می گویم فکر نمی کنی برای چنین سمتی، دست کم به حضور کسی نیاز است که



با حضور ۵۰۰ ناشر برگزار شد

بهار کتاب در سواحل زمستانی مازندران

ناشران شرکت کننده در نمایشگاه های استانی کتاب، پس از آن که یکصد و پنجاه و هشتمین نمایشگاه را در بندرعباس برگزار کردند، از جنوب ایران و سواحل خلیج فارس به شمالی ترین نقطه نقشه ایران بار سفر بستند تا نمایشگاه کتاب دیگری را این بار در سواحل دریای مازندران و در شهر ساری برگزار کنند.

شهر ساری و استان مازندران امسال برای ششمین مرتبه میزبان نمایشگاه کتاب شد که سه مرتبه آن در دوره جدید فعالیت موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران به صورت متوالی در سه سال اخیر برگزار شده است.

در نمایشگاه امسال استان مازندران، حدود ۵۰۰ ناشر حضور داشتند و برای حضور این تعداد ناشر ۳۰۰ غرفه ایجاد شده بود.

در مراسم افتتاحیه ششمین نمایشگاه کتاب مازندران دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، احسان الله حجتی، مدیرعامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، هادی ابراهیمی، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، برخی از مسوولان فرهنگی و اجرایی استان و بسیاری از علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی حضور داشتند.

در این مراسم، دکتر محسن پرویز با اشاره به انتشار ۴۵ هزار و ۷۲۵ عنوان کتاب در ۱۰ ماه نخست سال جاری، گفت: «برگزاری نمایشگاه های کتاب به دلیل کمبود کتابفروشی ها، حمایت اصولی و استاندارد از استان هایی است که از کتاب ها و فضاهای استاندارد در این بخش محرومند».

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به راه اندازی مرکز تازه های نشر در استان های کشور با هدف نمایش تازه های نشر کشور و سپس اهدای آنها به کتابخانه های عمومی، به ارائه گزارشی از توان نشر کشور پرداخت و گفت: «ما در مقایسه با



خط مقدم جای داشته است.»

برنامه های جنبی

همزمان با برگزاری ششمین نمایشگاه کتاب استان مازندران، اجرای برنامه های مختلفی نیز پیش بینی شده بود که از جمله آنها نشست های متنوع مرتبط با کتاب و نشر با حضور اهالی فرهنگ و ادب استان بود. سه نشست تخصصی شعر نیز با حضور سید علی موسوی گرمارودی، محمدعلی بهمنی و محمد سلمانی نیز در محل فعالیت های جنبی برگزار شد که مورد توجه بازدیدکنندگان و مراجعان نمایشگاه واقع شد.

در نشستی که با حضور موسوی گرمارودی برگزار شد، اشعار سیدحسن حسینی و قیصر امین پور مورد نقد و بررسی قرار گرفتند.

گرمارودی در این نشست گفت: «شاعری می تواند در جهان تصرف کند که خود در تصرف شعر باشد و این توانمندی در شاعرترین شاعران، همیشگی و

کشورهای همسایه، به رشد مطلوبی رسیده ایم، لذا روا نیست با این آمار بالای انتشار کتاب، تولیدکنندگان، ناشران و مولفان به دلیل نبود امکانات لازم، مظلوم واقع شوند.»

دکتر پرویز ادامه داد: «در سال های اخیر وقتی صحبت از اختصاص بودجه کلان دشمن برای تهاجم فرهنگی می شد، عده ای این تهدید را جدی نگرفته، آن را توهمی می پنداشتند، اما امروز شاهدیم که دشمن اعلام می کند اعتبار ویژه ای برای این مهم در نظر گرفته است.»

وی اضافه کرد: «در این موقعیت حساس باید به لحاظ فرهنگی، توان رویارویی با دشمن را داشته باشیم.» در این مراسم همچنین هادی ابراهیمی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران، برگزاری نمایشگاه کتاب را رخدادی ماندگار و فرصتی متعالی در حوزه فرهنگ دانست و اظهار داشت: «این استان با پیشینه فرهنگی و غنی، همواره در این حوزه در

فرصتی برای ناشر و مخاطب

نمایشگاه روزه های برای ناشران شهرستانی

گرچه اغلب ناشران کشور در سه شهر تهران، قم و مشهد حضور دارند اما در عین حال ناشران پرکار و خوش کاری را نیز در دیگر شهرهای کشور می توان یافت که آثار قابل توجهی را تولید کرده اند و توانسته اند حتی با ناشران پرکار و معروف تهران نیز رقابت کنند. همین ناشران پرکار نیز مانند اغلب ناشران شهرستانی با مشکلات متعددی مواجه هستند که مهم ترین آنها شاید عدم دسترسی به ویتترین بزرگ تهران و مقوله ضعف در توزیع مناسب کتاب است. برگزاری نمایشگاه کتاب در استان مازندران و فراهم شدن فرصتی برای حضور حداکثری ناشران استان که عمدتاً در ساری فعالیت دارند؛ بهانه ای شد تا گفت و گویی با دو تن از ناشران در خصوص نمایشگاه های کتاب استانی داشته باشیم.

چه سودی برای ناشر دارد؟

ناشر شهرستانی امکان بازار تهران را ندارد و حضور در چنین نمایشگاهی به منزله روزه امید است تا بخشی از کتاب هایش را معرفی کند و بفروشد.

شما از حضور در نمایشگاه راضی بودید؟

بله. من سال های قبل هم حضور داشتم که خوشبختانه از کتاب هایمان استقبال خوبی شد.

چه پیشنهادی دارید؟

محل برگزاری نمایشگاه از مرکز شهر دور است و اگر در داخل شهر برگزار شود قطعا استقبال بیشتری صورت می گیرد. نمایشگاه امسال مطلوب بود.

با توجه به این که در شهرستان ها نشر آن گونه در تهران به صورت تخصصی به آن نگاه می شود فعال نیست، سعی کرده ایم در زمینه های مختلف به تولید و نشر کتاب مبادرت ورزیم اما در عین حال علاقه مندی خود من به کتاب های مرتبط با ادبیات و پژوهش های مرتبط با مازندران است.

نظراتان را در خصوص نمایشگاه کتاب امسال استان بگویید.

بالطبع چنین نمایشگاه هایی می تواند فرصت خوبی برای مردم و مخاطبان نمایشگاه و همچنین ناشران باشد. مردم از نمایشگاه می توانند هزار عنوان کتاب را با تخفیف خریداری کنند و از تازه های نشر کشور مطلع شوند.

شلفین نام کوهی است در سواد کوه در استان مازندران. اما مردم مازندران خاصه اهالی فرهنگ استان پیش از آن که شلفین را به نام کوه بشناسند از آن به عنوان یکی از ناشران قدیمی و پرکار استان یاد می کنند. شلفین نام انتشاراتی است با مدیریت خانم فریده یوسفی که فعالیت خود را از سال ۱۳۷۹ آغاز کرد. حضور شلفین در نمایشگاه کتاب استان مازندران بهانه ای شد تا گفت و گویی با مدیرمسئول آن داشته باشیم.

چطور شد که وارد عرصه نشر شدید؟

ماجرای ده هفتاد بازمی گردد. زمانی که تصمیم گرفتم پژوهشی درباره آداب و رسوم مردم سواد کوه را منتشر کنم، پژوهشی را که قرار شد تبدیل به کتابی شود به یکی از ناشران ساری دادم اما از آنجایی که همه پیگیری های فنی و اجرایی را خودم دنبال کردم و با توجه به این که به زودی بازنشسته می شدم تصمیم گرفتم وارد کار نشر شوم.

قبل از نشر به چه کاری مشغول بودید؟

دبیر آموزش و پرورش بودم اما به نوشتن و پژوهش خیلی علاقه داشتم.

شلفین از چه سالی راه اندازی شد و تاکنون چند عنوان کتاب منتشر کرده اید؟

از سال ۱۳۷۹ فعالیت خود را آغاز کردم و تاکنون بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب منتشر کرده ایم.

معمولاً در چه زمینه هایی کتاب منتشر کرده اید؟

منحصر به همان لحظه هایی بوده که در تصرف شعر است. وی با بیان این که «حسن حسینی در تصرف شعر بود و خاستگاه سعدی اش در وجود خودش بوده است»، تصریح کرد: «از این شاعر شش دفتر شعر به یادگار مانده است.»

گرمارودی با اشاره به ویژگی های کلی اشعار حسینی یادآور شد: «مهندسی استوار شعر، شاعر معاصر بودن، بیان حماسی و درآمیختگی آرایه ها، از خصوصیات بارز این شاعر معاصر قلمداد می شود.»

وی در بخش دیگری از سخنانش درباره زنده یاد امین پور گفت: «قیصر به عنصر حماسه بهای بیشتری می داد و به عنصر عرفان توجه ویژه ای داشت.»

وی تصریح کرد: «قیصر تنها شاعر آیینی بود که عشق، عرفان و حماسه را در اشعارش به صورت برابر به کار گرفت. مهم ترین ویژگی شعر قیصر، دوری از عریان گویی مضامین بود.»

شایان ذکر است علاوه بر سه نشست فوق، برنامه های دیگری نیز در مدت هفت روز برگزاری نمایشگاه، اجرا شد که از جمله آنها اختصاص غرفه ای به اداره کل امور کتابخانه های عمومی استان بود تا ضمن معرفی کتابخانه ها و عملکرد این مجموعه، از علاقه مندان به عضویت در کتابخانه ها، رایگان ثبت نام شود. وجود غرفه ای برای نقاشی کودکان و غرفه هایی برای ناشران استان، از دیگر برنامه های مرتبط با این رویداد فرهنگی بودند.

پس از برگزاری نمایشگاه استانی کتاب مازندران، ناشران شرکت کننده در نمایشگاه های استانی کتاب در اواخر بهمن ماه به زاهدان خواهند رفت تا نمایشگاه دیگری را در مرکز استان سیستان و بلوچستان برگزار کنند. بلوچستان تاکنون بیشترین نمایشگاه های استانی کتاب را برگزار کرده است. در اسفندماه نیز استان های اصفهان و قزوین پذیرای ناشران کشوری خواهند بود.

نشر آوای مسیح به مدیرمسئولی محمد مهدی مردان شاهی از انتشاراتی های استان مازندران است که در نمایشگاه کتاب امسال حضور یافت و فرصتی فراهم شد تا با این چهره فرهنگی و مرتبط با کتاب استان گفت و گو کنیم.

نمایشگاه کتاب امسال را چطور ارزیابی می کنید؟ امسال نمایشگاه با وجود امکانات مختلف توانسته بود بیش از سال های قبل مورد توجه قرار گیرد.

چه امکاناتی؟

تبلیغات گسترده، یکسره بودن زمان برپایی نمایشگاه، حضور ناشران مطرح، نظم داخل نمایشگاه و... از جمله این امکانات بودند که نظر مراجعین و ناشران را به خود جلب کرد.

آوای مسیح تاکنون چند عنوان کتاب منتشر کرده است؟

ما حدود ۸ سال است که فعالیت خود را آغاز کرده ایم و بالغ بر ۱۲۰ عنوان کتاب در زمینه های عمومی و دانشگاهی منتشر کرده ایم.

از فروش امسال راضی بودید؟

انتظار این مقدار استقبال را نداشتم و تصور می کنم که نمایشگاه مورد توجه مردم قرار گرفت.

چه پیشنهادی برای نمایشگاه های بعدی استان دارید؟

با توجه به این که مازندران استانی توریستی و مهمان پذیر است تصور می کنم اگر چنین نمایشگاهی در ایامی که استان پذیرای میهمانان و مسافران است با استقبال بیشتری مواجه می شود.

مروری بر آمدن و رفتن سالینجر، داستان نویسنده آمریکایی

۹۱ سال نبرد

سوت کشید. خون بینی اش بند نمی آمد. به رفت و برگشت دیوانه وار پاندول خیره شد و یقین کرد که در این نگرستن تنها نیست، که با حضور سنگین دیگری شریک است.

«ماری جیلیش» بود؛ مادرش:

... بیا خونه... سانی...

به پنجره چشم دوخت و به جا نیاورد که چطور از وراش شیشه عبور کرد و با یک جیب جنگی قدیمی به تاریکی سفر کرد. «جی دی سالینجر» در ۹۱ سالگی مرده بود و خبرگزاری‌ها آماده بودند تا بار دیگر او را تیتیر یک خود قرار بدهند.

شما او را نمی شناسید

گریزی نیست. باید به یکم ژانویه ۱۹۱۹ برگردیم و رشته روایت را دنبال کنیم: سال نو برای خانواده آقای سالینجر با به دنیا آمدن نوزادی لب قله‌ای، پرسروصدا با موهای تیره و چشم‌های درشت محزون شروع شد. پدر خانواده که یک تاجر موفق واردکننده پنیر بود، بر بالین همسر دورگه کاتولیکش - ماری جیلیش - حاضر شد و تولد پسرشان را به او تبریک گفت تا جرومی دیوید سالینجر در منهن نیویورک و در آپارتمانی شیک بزرگ شود و روی پای خودش بایستد. در دوران کودکی جروم کوچولو را «سانی» صدا می‌کنند. او در کنار خواهر و برادرانش بزرگ می‌شود و دوران ناآرام ابتدایی را به پایان می‌رساند. سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۶ را در دانشکده نظامی والی فرج می‌گذراند و به هر ضرب و زوری است، به رغم تندخویی و طبیعت بی‌قرارش، این مدت را تا فارغ‌التحصیلی در آنجا دوام می‌آورد. تقریباً همه دوستان و آشنایان او در این دوره از نیش و کنایه‌های هوشمندانه او یاد می‌کنند و معتقدند که او تیزهوش است. سال ۱۹۳۷، پیش از این که ۱۸ سالش تمام شود، پایش به اروپا باز می‌شود و در مجموع ۵ ماه را در

۲۸ ژانویه ۲۰۱۰؛ پاندول ساعت، یکنواخت و بی‌شتاب در نوسان بود و مرگ همچنان که چشم بر آن داشت در خانه قدم می‌زد.

از قفسه فیلم‌های کلاسیک تاریخ سینما و ردیف خاموش کتاب‌ها کاری ساخته نبوده، هر چند که وزن حضور این غریبه بر گرده آنها نیز سنگینی می‌کرد. در گوش راست نویسنده پیر، بعد از حدود ۶۶ سال زمزمه‌ای غریب جان گرفته بود، چنان که وادارش کرد از سر تردید و تعجب با انگشتان ورچروکیده، آن را لمس کند. نه، می‌شنید. اشتباهی در کار نبود. اما دنیاییده‌تر از آن بود که فریب بخورد و به سلامتی فکر کند. به دیوار مقابل نگاه کرد و از خیالش گذشت که تنها نیست. احساسش به او دروغ نمی‌گفت. هوا را بویید و درست در همین لحظه حس ناآشنا و قاطعی به او فهماند که کارش تمام است. شنوایی از دست رفته گوش راستش باز گشته بود:

سانی... کجایی... سانی...

لحن مادرش را باز شناخت. با همان آهنگ میانه عتاب و خطاب و درخواست او را فرامی‌خواند. لب جنابان:

مامان... ماری...

نغمه‌ی چرا دارد لبخند می‌زند، اما همین که به این سوال دقیق شد بغضش گرفت. خواست برگردد و به تازه وارد بگوید بگیر بنشین. می‌دانست که خیلی خیلی نزدیک است. ولی پیداش نبود. استخوان شکسته دماغش تیر کشید. مادر طبق معمول زیر نظرش داشت و آماده بود تا به پشتوانه پاکیزه خوبی افراطی ایرلندی‌ها از وضع موجود او ایرادی بگیرد. دل‌تنگ بود، خسته بود، عذاب کشیده بود؛ به سان روزهای تلخ و دوردست جنگ. دیگر نمی‌خواست پشت آن ماشین تحریر فکسنی بنشیند. از آن جیب جنگی مدل ۱۹۴۲ بیزار بود. و ناگهان انفجار. گوشش



خود را یک سال بعد با نام «جوانان» در همین مجله منتشر می‌کند. حالا دود سیاه جنگ برخاسته و سالینجر که ابتدا داوطلبانه خواهان شرکت در آن است، دوره‌های نظامی مختلفی را تجربه می‌کند و به خدمت در پیاده نظام مشغول می‌شود. او در نبرد نرماندی و آزادسازی فرانسه شرکت دارد و در همین دوره است که بار دیگر همراهان او با صنعت «قهرمان باهوش» از او نام می‌برند. همزمانش بر این نظر متفق هستند که جرومی دیوید سالینجر، سربازی شجاع و جسور است که هوش تندی دارد. او در یکی از بیهوده‌ترین و خونبارترین درگیری‌های جنگ در «هورتگن والدوم» که به جدال بی‌فایده معروف است گرفتار می‌شود و سیمای وحشی،

چند کشور اروپایی می‌گذرانند.

در ۱۹۳۸ به آمریکا برمی‌گردد و در کالج «اورسینوس» دانشگاه نیویورک به تحصیل مشغول می‌شود، ولی آن را نیمه‌تمام رها می‌کند، شاید به این علت که عاشق دختری به نام اونا اونیل می‌شود. تقریباً هر روز برای او نامه می‌نویسد اما در شرایطی باورنکردنی، وقتی می‌بیند که اونیل با چارلز چاپلین که فاصله سنی زیادی با او دارد و از او خیلی مسن‌تر است ازدواج می‌کند، ضربه روحی سختی می‌خورد. در ۱۹۳۹ در دانشگاه کلمبیا، کلاس فن نگارش داستان‌های کوتاه را زیر نظر ویت برنت نویسنده نامدار آمریکایی و بنیانگذار و سردبیر مجله «استوری» - داستان - پشت سر می‌گذارد و اولین داستان کوتاه

سیمای نویسنده فقید در ایران

سینما، در ۱۹۴۹ فیلم «دل دیوانه من» به کارگردانی مارک رابسون با بازی سوزان هیوارد و کنت اسمیت ساخته می‌شود و ماجرای عاشقانه دختری تنها را با یک خلبان در خلال جنگ دوم جهانی روی پرده می‌برد.

۲- از طرف دیگر، وقتی الیا کازان کارگردان سرشناس از سالینجر درخواست می‌کند تا فیلمی بر اساس «ناطوردشت» بنویسد، سالینجر به او می‌گوید: «نمی‌توانم همچون اجازه‌ای بدهم. می‌ترسم هولدن خوشش نیاید.»

۳- در ایران و در شماری از داستان‌ها و کتاب‌های نویسندگان فارسی‌زبان، تاثیر آثار سالینجر قابل ردیابی و بررسی است. از به یاد آوردن شعبده‌بازان و کپی کارهای این روزها که بگذریم، نام «بهمن شعله‌ور» با کتاب «سفر شب» (۱۳۴۶) - تنها از حیث تاثیرپذیری در مضمون و «شمیم بهار» (در آغاز دهه ۴۰) - با به کارگیری ایده‌های داستانی در قالب پرداختن به تاریخچه زندگی یک خانواده و بهره‌گیری از نثر و زبانی بی‌تکلف، با آهنگ طبیعی محاوره - در مجموعه ۳ جلدی «صد سال داستان‌نویسی در ایران حسن میرعابدینی در کنار جزئیات و شرح این تاثیرپذیری آمده است.

می‌شود. «بالا بلندتر از هر بلندبالایی» و «تیرهای سقف را بالا بگذارید، بخاران - و سیمور؛ پیشگفتار» هم ۲ ترجمه از اثر دیگر سالینجر هستند. «جنگل واژگون» داستان بلند دیگری است که با ترجمه مشترک بابک تیرایی و سحر ساعی درمی‌آید. ۲ مجموعه داستان دیگر هم با عنوان «هفته‌ای به بار آدمو نمی‌کشد» به همت امید نیک فرجام و «لیلا نصیری‌ها» و نغمه غمگین هم از سوی امیر امجد و بابک تیرایی به ویرتین کتابفروشی‌ها می‌رسد. «شانزدهم هپ ورث، سال ۱۹۴۲» هم آخرین کاری است که رحیم قاسمیان برگردان فارسی آن را انجام داده است. این آخری برای نخستین بار سال ۱۹۶۵ در مجله نیویورکر منتشر شده و بخش دیگری از زندگی خانواده گلس را روایت می‌کند که به شکل مجموعه نامه‌های ارسالی از یک اردوگاه تابستانی است و در آن سیمور، تصویری از خود و برادر جوان ترش بادی را ترسیم می‌کند. این نکته را هم اضافه کنیم که بادی، راوی بیشتر داستان‌های خانواده گلس است و بسیاری او را «خود دیگر» سالینجر می‌دانند.

با همه این سخنان، ۳ نکته باقی می‌ماند: ۱- به رغم تلاش و پرهیز سالینجر برای وارد شدن و دوری از

او مجله هم روزگارش می‌انجامد. «یک روز عالی برای موز ماهی»، «دهانم قشنگ، چشمانم سبز» را دکتر موفقیان ترجمه می‌کند و «برای اسم، با عشق و فرومایگی» را «قره‌چه داغی» که همراه می‌شود با معرفی جی.دی. سالینجر در شماره ۶۹ «کیهان هفته» و البته چندین شماره پیش از آن هم معرفی «فرانی و زویی» این نویسنده با ترجمه ایرج قریب پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. در هر حال ادامه کار را «احمد کریمی حکاک» پی می‌گیرد و برگردان فارسی «ناطوردشت» را در میانه دهه ۴۰ روانه بازار می‌کند. در همین سال هاست که حمید میرمطهری داستان نویسنده هم مجموعه از ۹ داستان سالینجر با عنوان «درست پیش از جنگ با اسکیموها» را به چاپ می‌رساند. و احمد گلشیری نیز «دل‌تنگی‌های نقاش خیابان چهل و هشتم» را ابتدا با هشت داستان و در چاپ بعد با ۹ داستان به دست مخاطبان فارسی‌زبان می‌رساند، سال‌های سال می‌گذرد تا این که ۷۶ سال پیش «فرانی و زویی» با ۲ ترجمه به بازار می‌آید، یکی به قلم امید نیک فرجام و دیگر به کوشش میلاد زکریا. ناطوردشت را هم محمد نجفی بار دیگر ترجمه می‌کند و این در حالی است که ترجمه کریمی حکاک هم بار دیگر تجدید چاپ



سالینجر با رمان «ناطوردشت» به فارسی زبان‌ها معرفی شد. هر چند پیش از آن هم داستان‌های کوتاه او به فارسی ترجمه شده بود. در واقع نخستین ترجمه‌های داستان‌های سالینجر با قلم فریده قرچه داغی و ناصر موفقیان بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ در «کیهان هفته» آن روزگار منتشر می‌شود و به ستایش از صنعت نگارش این نویسنده در یکی

خونریز و هولناک جنگ را با گوشت و پوستش لمس می‌کند. به هر ترتیب نمی‌شود انکار کرد که او در خلال این مدت، یک سرباز است. داستان‌هایی که می‌گوید، لباسی که می‌پوشد، شکستگی بینی اش که بر اثر سقوط از جیب پیش می‌آید، آن هم زمانی که تک تیراندازی به کمینش نشسته و موج انفجار خمپاره‌ای که بر اثر آن شنوایی یک گوشش را از دست می‌دهد، همه حکایت از سربازی او دارد. اما سربازی اش با سربازی عادی دیگران فرق دارد. سالیان بعد از گذراندن دوره‌های آموزش تخصصی به انگلستان اعزام می‌شود و در مدت اقامتش دو داستان جنگی به یکی از مجلات لندن می‌فروشد. داستان‌ها درباره زندگی سربازها بود. سربازانی که آخرین دیدار را از خانه و خانواده به صحنه محاکمه ربه‌ران جهان تبدیل می‌کنند. داستان اول با عنوان «هفته‌ای یک بار، آدم‌رانی کشد» ماجرای هر شخصی رفتن یک سرباز و اعزام او است. سربازی که هر چند خانواده دارد و همسرش برای بدرقه او آمده اما تنهاست و اندوهگین.

سرانجام سالیان بعد با تیپ مستقر در انگلستان در عملیات فتح پاریس شرکت می‌کند. ورود به پاریس برای او فرصتی است که به کار دلش برسد. از مرخصی استفاده می‌کند و به دیدن ارنست همینگوی، داستان‌نویس مطرح هم وطنش می‌رود. همینگوی، خبرنگار جنگی مستقر در تیپ چهارم است. این دو تا آن زمان همدیگر را ندیده‌اند. در اولین برخورد نخستین پرسش همینگوی این است: «چرا کم کار می‌کنی؟» سالیان بعد داستان، «هفته‌ای یک بار آدم را نمی‌کشد» را به او می‌دهد و این طور که از شواهد برمی‌آید، همینگوی از آن تعریف می‌کند و طبیعی است که سالیان بعد موضوع را علنی نمی‌کند. او نگران است همه تصور کنند که او دارد خودش را جار می‌زند و تبلیغ می‌کند. موضوع ملاقات آنها بعدها در نامه‌های همینگوی و سالیان بعد که در کتابخانه کنگره گردآوری شده، علنی می‌شود. اقامت سالیان بعد در پاریس چندان طول نمی‌کشد. او زمانی که از مرز فرانسه می‌گذرد داستان «پسری در فرانسه» را می‌نویسد و منتشر می‌کند که در روزنامه «ساتردی ایونینگ پست» به چاپ می‌رسد.

به گفته یان هامیلتون بیوگرافی نویسنده سالیان بعد، او مدتی را به سبب فشارهای روانی ناشی از تجربه‌های مستقیم جنگ، در بیمارستان بستری می‌شود و تحت درمان قرار می‌گیرد. در داستان تحسین شده او «تقدیم به از همه، با عشق و نکبت» سالیان بعد، سرباز آمریکایی رنجور و خسته‌ای را به تصویر می‌کشد که در خلال نامه نگاری‌های طولانی برای دختر بریتانیایی ۳۱ ساله‌ای، به دریافت تازه‌ای از زندگی می‌رسد و خود را بازمی‌یابد.

سالیان بعد پس از خدمت در ارتش به نوشتن ادامه می‌دهد. در ۱۹۴۵ به اروپای رودوبادختری فرانسوی به نام «سیلویا» که پزشک است ازدواج می‌کند. پس از مدتی به آمریکا برمی‌گردد و در آنجا از همسرش جدا می‌شود. در ۱۹۵۵ با دختری انگلیسی به نام کلایر داگلاس فرزند رابرت داگلاس منتقد هنری انگلیسی، آشنا می‌شود و بار دیگر ازدواج می‌کند و با این که حاصلش ۲ فرزند است اما بیش از ۱۰ سال دوام نمی‌آورد. در ۱۹۶۷ در حالی که او در دنیای خودش به «ذن» بودایی دلبسته بود دومین ازدواجش هم به جدایی می‌انجامد. از این قضایا که بگذریم، حرف‌های دیگری هم درباره سالیان بعد زده‌اند، مثل این که: در دوره‌ای، یکی از علاقه‌های او «پوکر» بازی کردن با نویسندگان دور و برش بود، اما همبازی‌هایش دل خوشی از او نداشتند، چرا که شخصیت تند مزاج او و میل مغرطش به برنده شدن، دل و دماغی برای آنها باقی نگذاشته بود. در ضمن سالیان بعد، همینگوی و «اشتاین بک» را هم داستان‌نویسانی درجه ۲ به حساب می‌آورد و تنها «ملویل» را ستایش می‌کرد. این را هم اضافه کنیم که دخترش، چشم دیدن طرفداران و سینه چاک‌های پدر را نداشت و همواره فریاد می‌زد که این شیفتگان حتی ۱۰ دقیقه نمی‌توانند با او زیر یک سقف سر کنند، زیرا او را نمی‌شناسند.

گزارشی درباره جایگاه نظریه پردازی در کتاب‌های جامعه‌شناسی

نظریه‌هایی در حاشیه و حاشیه‌هایی بر نظریه پردازی



اکرم دشتبان: نظریه‌های جامعه‌شناسی یکی از علوم کاربردی در جامعه به حساب می‌آیند که نیازمند توجه بیشتر مولفان و مدرسان این حوزه‌اند تا کتاب‌های حاوی نظریه‌های جامعه‌شناسی را از قالب‌های ترجمه به سوی تالیف سوق دهند و در کارگاه عملی جامعه وارد کنند، چراکه امروزه دیدگاه‌های نظریه پردازان غربی با کمترین کاربرد در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شوند.

توجه به جایگاه ویژه جامعه‌شناسی و پرداختن به مباحث متفاوت در این حوزه، مانند تدریس نظریه‌ها بدون وجود جایگاهی برای به چالش کشیدن آنها در دانشگاه‌ها یا جمع بندی نکردن دیدگاه نظریه پردازان داخلی به عنوان یک علم درمانگر، کاستی‌های بسیاری را نمایان می‌کند که پرداختن به آنها مستلزم راهکارهای علمی و پژوهشی است.

سعید اسلامی، استاد جامعه‌شناسی و مدیر انتشارات جامعه‌شناسان، کثرت تعداد کتاب‌های ترجمه شده آثار جامعه‌شناسی را نسبت به آثار تالیفی در ایران به جایگاه آن در غرب منوط کرده و می‌گوید: «تولید نظریه پردازی در غرب به دلیل قدمت این علم حجم بیشتری را به خود اختصاص داده است. قدمت جامعه‌شناسی در غرب باعث شده امکاناتی نظیر موسسات تحقیقاتی بتوانند فضای علمی مساعدی را به وجود آورند و فضای پررونق تحقیقات باعث پیدایش نظریه‌های جدید شوند.»

وی در ادامه می‌افزاید: «این علوم همان آثار ترجمه شده در ایرانند. هر چند نمی‌توان گفت که در جامعه علمی ما متفکران مسائل اجتماعی وجود نداشته‌اند، زیرا افرادی حضور دارند که در مباحث فلسفه اجتماعی صاحب نظرند، اما این دیدگاه‌ها تاکنون صورت بندی نشده‌اند و نیازمند بازسازی فرم‌ها و شکل‌های جدیدند. خوشبختانه در سال‌های اخیر اقداماتی برای جمع‌آوری نظریه‌هایی که توسط علمای تاریخ اسلام و ایران در تفکر اجتماعی مطرح شده‌اند، آغاز شده است.»

اسلامی اظهار می‌دارد: «اکنون آثاری نظیر نظریات ابن خلدون و فارابی به شکل امروزی چارچوب بندی و در کتاب‌ها گنجانده شده‌اند، اما در جامعه امروز ایران متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسانی نداریم که آثارشان در قالب کتاب منتشر شده باشد. هر چند در این حوزه عده‌ای، پژوهش‌ها و تحقیقاتی را انجام داده‌اند که به نظریه پردازی نزدیکند، اما درباره نظریه پردازی کلان نظیر ارتباط با تغییرات، توسعه و تحولات اجتماعی، صاحب نظری نداریم.»

وی ادامه می‌دهد: «البته درباره موضوعاتی در زیرمجموعه مسائل اجتماعی، مانند اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی، تحقیقات و تالیفاتی انجام گرفته که منجر به تولید نظریه علمی شده، ولی درباره آن بحثی صورت نگرفته است که بتواند منجر به تولید نظریه شود.»

مدیر انتشارات جامعه‌شناسان درباره این که چرا این اتفاق در جامعه علمی کشور روی نمی‌دهد؟ می‌گوید: «دلایل این است که مسائل در فضای علمی دانشگاهی مطرح نمی‌شوند تا با دیگر نظریه‌ها به رقابت بپردازند و مباحث را به چالش بکشند. همین امر باعث می‌شود که مکتب‌های جامعه‌شناسی در ایران شکل نگیرند.»

وی در ادامه می‌افزاید: «نظریه پردازی چندبخش دارد که بخش نخست آن شامل فعالیت‌های علمی و دیگری بسترهای فرهنگی و سیاسی است. البته نباید از نظر دور داشت که جامعه‌شناسی در ایران یکی از علوم جوان است و بسترهای زمینه ساز رشد آن، مانند کشورهای اروپایی فراهم نیست.»

وی ادامه می‌دهد: «برای پیشبرد این علم باید کرسی‌های نظریه پردازی و آزاداندیشی ایجاد شود. در واقع، نظریه پردازی مستلزم تحصیلات تکمیلی پویاست که در کشور در حال شکل گیری است، زیرا در گذشته جامعه‌شناسان بزرگ ایران پایه‌های مبانی این علم را آموزش می‌دادند. اکنون نسل جدید استادان و دانش‌آموختگان وارد حوزه نظریه سازی و نظریه پردازی شده‌اند.»

اسلامی تاکید می‌کند: «نظریه پردازی در خلأ صورت نمی‌گیرد، زیرا درمانگر است و برای اصلاح‌گری و رفع آسیب‌ها کاربرد دارد. جامعه در صورت بهره‌گیری از این نظریه‌ها می‌تواند برای مشکلات جامعه راهکار ارائه کند، اگر چه در کشور ما تکنیک نظریه سازی و نظریه آزمایی علم و دانش برای نظریه پردازی در مشکلات جامعه علمی به میزان محدودی است اما کشور ما توان تولید آن را دارد. مثلاً مقالات خوبی تولید و در داخل و خارج به انتشار می‌رسند، اما در فضای عمومی دانشگاهی درباره آنها بحث نمی‌شود.»

مدیر انتشارات جامعه‌شناسان می‌افزاید: «برای داشتن علم نظریه پردازی، باید بستر فرهنگی اقتصادی و سیاسی آماده کرد تا به تولید این علم کمک شود. دانشگاه‌های مادر حوزه جامعه‌شناسی بیشترین تلاش خود را بر آموزش پایه‌ها و نظریه‌ها معطوف کرده‌اند، در حالی که می‌توان با ارائه نظریه برای حل مسائل و مشکلات، راهبردهای موثری پیش بینی کرد، زیرا نظریه پردازی می‌تواند شکوفایی علم را همراه داشته باشد و به رفع معضلات اجتماعی کمک کند.»

کارمند اجتماعی به جای عالم اجتماعی
عباس محمدی اصل، نویسنده کتاب «نظریه‌های جامعه‌شناسی» معتقد است: «عوامل بسیاری در بومی نشدن نظریه‌های جامعه‌شناسی دخیل‌اند. نخست آن که در کشور ما، جامعه شکل نگرفته و آنچه ما از جامعه یاد می‌کنیم، اجتماعی مبتنی بر

منابع دانشگاهی موجود قدیمی‌اند و گاه به سی سال پیش برمی‌گردند و وقتی این کتاب‌ها با اندیشه بعضی از افراد تلفیق می‌شوند، جنبه کاربردی خودشان را از دست می‌دهند

همکاری‌های رعیتی است، نه بر اساس عناصر عقلانی و قراردادهای اجتماعی.»

وی می‌افزاید: «ما در ایران شاهد اجتماع هستیم، نه یک جامعه، بنابراین وقتی در برخورد با مسائل، از نظریه‌ها بدون در نظر گرفتن بومی سازی استفاده می‌کنیم، کاربردی ندارند چرا که این تعبیر برای یک جامعه است. بعضی مواقع این نظریه‌ها در به کارگیری مشکلات، مفهوم خود را از دست می‌دهند و گاه آسیب رسان می‌شوند، درحالی که باید برای داشتن نظریه‌های کاربردی، شاهد پویای اجتماعی در این زمینه بود.»

عباس محمدی اصل در ادامه می‌گوید: «آموزش سطحی در حوزه اجتماعی و شاید، هدفی با عنوان تربیت کارمند اجتماعی به جای عالم اجتماعی و عدم سرمایه گذاری جدی، باعث شده است دانشی میان استاد و دانشجو مبادله نشود و تبادل‌ات علمی با دانشجویان و استادان کشورهای دیگر هم کمرنگ باشد.»

اما کتاب‌ها و مباحث مطرح شده در آن، موضوع دیگری است که محمدی اصل درباره آن می‌گوید: «منابع دانشگاهی موجود قدیمی‌اند و گاه به سی سال پیش برمی‌گردند که وقتی این کتاب‌ها با اندیشه بعضی از افراد تلفیق می‌شوند، جنبه کاربردی خودشان را از دست می‌دهند و به نحوی افراد را در تعلیم به برون گرای یا واقع‌گرایزی هدایت می‌کنند. دیگر آن که استادان هر جا در مباحث نظری با مشکل مواجه می‌شوند، به بحث‌های فراوان آماری روی می‌آورند و از آمارهای فرضی به جای استدلال نظری استفاده می‌کنند. در واقع استادان به نگاه‌های آماری و کمی متکی‌اند و کمتر در جامعه‌شناسی به سمت شناخت روی می‌آورند و نظریه‌ها را منطبق با مسائل جامعه مطرح نمی‌کنند و هنگامی که این اتفاق روی نمی‌دهد، نظریه‌های جامعه‌شناسی به معرفت‌شناسی تبدیل می‌شوند.»

این نویسنده ادامه می‌دهد: «اکنون تنها راه حل، جدی گرفتن مشارکت است. تمام آحاد جامعه باید خود را در زندگی اجتماعی مسوول بدانند تا برای رسیدن به هدف بتوان مسیر را طی کرد، زیرا وقتی افراد به این تجربیات برسند و این خواسته‌ها از سطح جامعه به دانشگاه‌ها برسد، شکل‌گیری نظریه‌ها اتفاق می‌افتد و زیاد و کم بودن این نظریه‌ها و ایرادات آنها در انطباق با جامعه مشخص می‌شود و نظریات جامعه‌شناسی از جایگاه تجملی خود در کشور، کناره می‌گیرد و به کار می‌آید، نه آن که مانند امروز که برخی از این نظریات از حل کردن کوچک‌ترین مشکل عاجزند.»



نشست های سرای اهل قلم از چهارشنبه تا سه شنبه

از تاریخچه هیر و گلیف تا داستان های انقلاب

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا می کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های ادبیات، قرآن، شعرخوانی و ادبیات داستانی انقلاب اسلامی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

جهان در مسیر تکامل به سوی مذهبی شدن

نشست نقد و بررسی کتاب «مقدس و عرفی؛ دین و سیاست در جهان» با سخنرانی دکتر سید کاووس سیدامامی، نویسنده، مترجم و پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی و گروهی از علاقه مندان به مباحث این کتاب و نمایندگی از رسانه های گوناگون در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

دکتر امامی: موضوع اصلی کتاب «مقدس و عرفی؛ دین و سیاست در جهان» بررسی میزان گرایش های مردم جوامع گوناگون در جریان رشد صنعتی نسبت به دین و دیدگاه های غیردینی است. این کتاب که کار مشترکی از رونالد اینگلهارت و پیپا نوریس به حساب می آید، نظریات این دو پژوهشگر را در قالب های گوناگون حوزه تجربه بررسی می کند.

آنها با استفاده از نظریه هایی که از سوی جامعه شناسان قبلی رواج یافته بودند، دیدگاه های مرتبط با اعتقادات جوامع گوناگون را در شرایط آسیب پذیری نسبت به مذهب و دین بررسی و نتایج آن را در کشورهای پسا صنعتی و غیربیشرفته عنوان کرده اند.

به اعتقاد وبر با رشد عقلانیت و عقلانی شدن در جوامع معاصر، پایه های ایمان به ماوراءالطبیعه روز به روز کم رنگ تر شده است. براساس این دیدگاه، رویکردهای عقلانی به جهان و استانداردهای تجربی پدیده های طبیعی، دعای اصلی دین را در جامعه مدرن و عقلانیت یافته، سست کرد. در این دیدگاه، علم و دین براساس یک بازی بی نتیجه بررسی می شوند.

تفاوت نقد ساختاری با نقد محتوایی

در هفتمین نشست شعرخوانی از سلسله نشست های سرای اهل قلم، که با حضور شاعران جوان و شعرخوانی در قالب های گوناگون شعر برگزار شد، شاعران در بحث نقد شعر، نقد ساختاری را موثرتر و اصولی تر از نقد محتوایی و مفهومی خواندند.

تعدادی از شاعران صاحب کتاب نیز در این نشست حضور داشتند و علاوه بر قرائت سروده های خود، به نقد و بررسی سروده های سایر شاعران شرکت کننده در جلسه پرداختند.

علی مظفر، رباعی سرا، کوروش آقامجیدی، فریبا یوسفی، شاعر مجموعه شعر «حالا تو»، فاطمه حق وردیان، شاعر مجموعه شعر «من زندان توام یونس» و لیلی صالحی از جمله شاعران حاضر در نشست بودند که به شعرخوانی و بررسی سروده های سایر شاعران پرداختند.

در هفتمین نشست «شعر خوانی» تعدادی از شاعران سروده هایی را در قالب سپید ارائه کردند و فضای نشست را از فضایی که تاکنون بیشتر به شعر کلاسیک پرداخته بود، خارج کردند.

در این نشست، یکی از شرکت کنندگان پرسشی مبنی بر این که «شعر باید ساده باشد یا پیچیده؟» مطرح کرد. در پاسخ به این پرسش، نظرهای گوناگونی مطرح شد، اما حاضران در جلسه نتوانستند به اتفاق نظری در این زمینه دست یابند.

راهی برای بهتر نوشتن داستان های انقلاب

نخستین نشست بررسی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی با موضوع داستان کوتاه انقلاب، با حضور داستان نویسان و منتقدان؛ محمد علی گودینی، مجید پورولی کلشتری، علی الله سلیمی و تیمور آقامحمدی در سرای اهل قلم برگزار شد.

علی الله سلیمی: با شروع جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، ادبیات انقلاب توانست جایگاه خودش را تثبیت کند و دچار افت نشود. بیشتر کتاب هایی که درباره انقلاب اسلامی و بعد از جنگ نوشته شدند، درباره مسائل اجتماعی انقلاب و عوامل آن بودند. داستان نویسان نوقلم نیز بیشتر در ادبیات جنگ فعال شدند. با به وجود آمدن این میدان خالی، گاهی سیاه نویسان جولان دادند و آثاری را ضدانقلاب منتشر کردند.

برنامه های سرای اهل قلم

برنامه های سرای اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد:

شنبه ۱۷ بهمن: نشست «عرفان در ادبیات ایران» با حضور دکتر نصرالله حکمت و دکتر پرویز عباسی داکانی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰.

یکشنبه: نقد مجموعه داستان «ایستگاه باغ سرهنگ» با حضور یوسف انصاری و علی سلیمی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰.

دوشنبه: نشست جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران.

سه شنبه: نشست اول: شعرخوانی با حضور مژگان عباسلو از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰ و نشست دوم: نقد و بررسی کتاب «جوهر فرد» با حضور دکتر عبدالله انوار، دکتر فرشته آهنگری و دکتر گرجی از ساعت ۱۷ تا ۱۹.

چهارشنبه: نشست اول: بررسی کتاب «خدا و انسان در قرآن» اثر توشیهیکو ایزوتسو با حضور بخشعلی قنبری از ساعت ۱۷ تا ۱۹.

نشست دوم: سومین جلسه بررسی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی (به مناسبت دهه فجر) از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰.

نظریه ای قابل تأمل درباره حروف مقطعه قرآن کریم

ادعاهای نویسنده صحیح است، اما به هر حال به عنوان یک نظر قابل بررسی است.

به اعتقاد او زبان هیر و گلیف در زمان پیامبر (ص) نیز رایج بوده است و این امر یکی از دلایل اثبات برگرفته شده حروف مقطعه از زبان هیر و گلیف است. یکی از توجهات نویسنده برای به کاربردن این زبان باستانی در قرآن، ارائه حجت و دلیلی برای یهودیان اهل کتاب بوده است. افرادی که آشنا به زبان های باستانی بودند و با مشاهده آن در قرآن به یقین نزدیک تر می شدند.

«ساروت» معنای دوباره واژه ها

نشست نقد کتاب «باز کنید» نوشته ناتالی ساروت با حضور مهرگان نظامی زاده، احسان عباسلو و علی عباسی در سرای اهل قلم برگزار شد.

مهرگان نظامی زاده: به اعتقاد ساروت، کلمه یا حرف، کلید ذهن است. براساس نظر ساروت و رمان نویسان نو، واژه ها را باید شست و شو داد و دوباره معنا کرد. رمان نویسان نو معتقدند که رمان جدید باید تحول اندیشه ای را در رمان به وجود بیاورد. آنان اوج ادبیات سنتی را با بالزاک می دانند.

ساروت در نخستین آثارش، پیرو آن است که ما چگونه باید درباره انسان بنویسیم یا او را مخاطب خود قرار دهیم و تجربه ساروت در رمان نو با آثاری که در آنها به وضوح تجربه زبانی او را پیدا می کنیم، ادامه پیدا می کند. رمان نویسان نو معتقدند که واژه ها را باید شست و شو داد و دوباره معنا کرد و فعل «باز کردن» در فرانسه فعلی چند معنایی است. این دسته نویسندگان می گویند که رمان نو را نمی توان معنی کرد.

علی عباسی: غلط املائی در این کتاب وجود نداشت و چینش جمله ها به لحاظ دستوری درست بود، ولی در این اثر اصول داستان نویسی را نمی بینیم. نویسنده در این رمان جدید، احتمالاً می خواسته ساختار را بشکند تا معنایی را به وجود بیاورد و طبیعی است که او برای آن که بخواهد معنایی را القا یا ساختار شکنی کند، نخست باید قالبی داشته باشد تا از آن قالب قبلی بیرون بیاید و او، این ظرف را از پیش در اثرش ایجاد کرده است.

امام خمینی (ره) مخاطبی جهانی
گزیده‌ای از نامه‌های انگلیسی
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
چاپ اول ۱۳۸۸/۳۰۴ صفحه/۶۷۰۰ تومان



کتاب حاضر دربرگیرنده نامه‌هایی است که به زبان انگلیسی برای حضرت امام (ره) نگاشته و ارسال شده است. در این مجموعه سعی بر این بوده تا تعداد محدودی از این نامه‌ها را همراه با ترجمه آنها در بخش‌های موضوعی مختلف اعم از تبریک، ارادت، دعوت و دعا، مسیح، جنگ و صلح، سلمان رشدی، درخواست و تسلیت گردهم آوریم تا علاقه‌مندان بتوانند با مطالعه این نامه‌ها، امام را این بار از منظر نگاه جهانیان ببینند و هرچه بیشتر با ابعاد مختلف شخصیت ایشان آشنا شوند.

با نگاهی عمومی به کلیه نامه‌ها می‌توان وسعت گسترده مخاطبان را از نظر مکانی دریافت. با این که این مجموعه فقط به نامه‌های مربوط به کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌پردازد ولی باز هم تنوع ملیت نگارندگان قابل توجه است. از نکات مهمی که در این مجموعه به چشم می‌خورد، مسأله سبک نامه‌نگاری نویسندگان است. چرا که در میان نامه‌ها، می‌توان به نامه‌های زیادی دست یافت که متنی صریح و صمیمی دارند که این مسأله نشان از احساس صمیمیت، نزدیکی و راحتی نویسنده با حضرت امام (ره) دارد و این در حالی است که ایشان بیش از هفتاد سال سن داشتند و در جایگاه رهبری یک جامعه بودند.

اینها همه نشان از شخصیت بی‌ظن و جهانی حضرت امام و تاثیر گفتمان و رفتار ایشان بر دل‌های انسان‌های حقیقت‌جو در سراسر جهان دارد؛ تأثیری که نه با اختلاف سن، نه دوری مسافت، نه تبلیغات منفی و نه با هیچ چیز دیگر قابل خنثی شدن نیست. حضرت امام (ره) نه بر یک کشور، که بر دل‌های همه انسان‌های حق‌طلب در سراسر دنیا حکومت می‌کردند.

همه مکتوبات این مجموعه، عیناً ترجمه اصل نامه‌هاست و هیچ‌گونه دخالت و تصرفی در آن صورت نگرفته است.

اجتهاد و تقلید

ترجمه الاجتهاد و التقليد امام خمینی (ره)

وهاب دانش‌پژوه

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

چاپ اول ۱۳۸۸/۱۶۵ صفحه/۱۹۰۰ تومان



«اجتهاد و تقلید» دو مفهوم خردپذیر و سازنده است که به ویژه در بخش‌های علمی حیات انسان، اعم از ساحت‌های فردی و ساحت‌های اجتماعی، ضروری است.

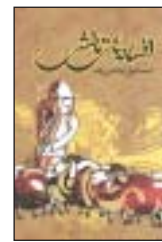
«اجتهاد» به مثابه عنصری حیات‌بخش است که به ویژه در درازای دوره غیبت معصوم (ع) با تلاش دین‌شناسان و فقیهان مکتب اهل بیت (ع) حدود الهی و حلال و حرام محمدی (ص) را به خیل مراجعان و مقلدان عرضه کرده است. عنصری که با ارشاد و اشاره ائمه طاهربین (ع) شکل گرفت و در پی اصول‌پریری که آنان فرموده بودند و در ذیل خطوط کلی قرآن و سنت، فقها، حکم‌فروعات و فراوان و تمام‌نشدنی را در اعصار و ادوار گوناگون بیان کردند.

از جمله توفیقات علمی امام خمینی (ره) علاوه بر بیان روان و پرجاذبه و توان تفهیم غوامض علمی، نگارش آثار فراوان علمی در حوزه‌های گوناگون دانش‌های عقل و نقلی است. این کتاب مربوط به تدریس دوره نخست خارج اصول توسط ایشان است، که به درخواست بعضی از فضلاء برجسته، تدریس

ادله اجتهادیه و اصول علمیه را آغاز کردند و در خلال تدریس، نظرات خودشان را در قالب تعلیقه بر کفایه می‌نگاشتند، تا این که به «قاعده لاضرر» رسیدند که به جای نگارش تعلیقه، اثری مستقل در این موضوع نگاشتند. سپس مباحث دیگر را نیز به همین صورت به رشته تحریر درآوردند که مجموعه آن مکتوبات با عنوان «الرساله» منتشر شده است. رساله اجتهاد و تقلید نیز فراهم آمده همان دوره نخست تدریس خارج اصول توسط حضرت امام (ره) است.

افسانه‌های تالشی

اسماعیل بخشی زاده/انتشارات هزاره ققنوس
چاپ اول ۱۳۸۸/۸۰ صفحه/۲۰۰۰ تومان



این کتاب شامل افسانه‌هایی است که بسیاری از آنها شاید هیچ وقت مکتوب نبوده و تنها مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌های تالشی آن را سینه‌به‌سینه حفظ و شب‌های سرد زمستانی، در کنار آتش، در گوش جان فرزندان خود

زمزمه کرده‌اند. بخشی زاده در این باره می‌نویسد: «هرچند که تمامی این گنجینه‌های ارزشمند را نیافته‌ام ولی سعی خود را نموده‌ام تا برخی از آنها را از روایان سالمند منطقه خود جمع‌آوری و ماحصل تلاش خود را با اندک دخل و تصرفی که به اصل ماجرا خدشه‌ای وارد نسازد و محتوای الفاظ و کلمات نشود از گویش تالشی به زبان فارسی برگردانم، تا تمامی مردم کشور ما از آنها استفاده کنند... اصراری بر آن نیست که تمامی این افسانه‌ها مربوط به قوم تالش است، چرا که تالش قبل از آن که یک قوم با فرهنگ خاص خود باشد یکی از اقوام ایرانی است که در کنار قومیت‌های دیگر سالیان سال در این مرز و بوم کهن زیسته است و مسلماً از فرهنگ سایر اقوام تاثیر گرفته و داستان‌های آنها وارد حوزه فکری قوم تالش شده است و این موضوع را نیز باید به فال‌نیک گرفت زیرا این قوم توانسته از دیوارهای تعصب ایلی و عشیره‌ای پارافرات نهاده و در هم آغوشی با فرهنگ‌های مختلف در غنای فرهنگ خود بکوشد.»

چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟

ادوارد آلبی/ترجمه سیامک گلشیری

انتشارات مروارید/چاپ دوم ۱۳۸۸

۱۸۰ صفحه/۳۲۰۰ تومان



ادوارد آلبی که همچون آرتور میلر، تنسی ویلیامز و یوجین اونیل از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان آمریکاست، جنبشی تازه در زمینه ادبیات نمایشی در آمریکا به وجود آورده است که بدون شک از

این لحاظ می‌توان او را هم‌تراز ساموئل بکت یا هارولد پینتر در اروپا دانست. «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد» (۱۹۶۲) یکی از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌های جهان، داستان زن و شوهری است که شبی دیر وقت، زن و شوهر جوانی را به خانه خود دعوت می‌کنند. تمام داستان در همان شب اتفاق می‌افتد و تا نزدیکی‌های صبح به طول می‌انجامد. در خلال گفت‌وگوهایی که میان شخصیت‌ها در می‌گیرد، زندگی ویران این شخصیت‌ها ساخته می‌شود؛ عشق‌ها و نفرت‌ها با طنزی گزنده در هم تنیده می‌شود و داستانی را خلق می‌کنند که هرگز از یادها نخواهد رفت.

«چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد» یک بار در سال ۱۳۵۶ خورشیدی با ترجمه عبدالرضا حریری در ایران منتشر شده و ترجمه حاضر دومین ترجمه فارسی از این نمایشنامه به حساب می‌آید که البته گلشیری آن را از زبان آلمانی برگردانده است.

آلبی این نمایشنامه را در سال ۱۹۶۲ میلادی و با نام «whos afraid of virginia woolf» نوشته است. این نمایشنامه که یکی از معروف‌ترین آثار این نویسنده آمریکایی است یک‌بار هم در سال ۱۹۶۶ با کارگردانی مایک نیکولز به فیلم تبدیل شده است.

این نمایشنامه، یک زن و شوهر با نام جرج و مارتارا

تصور می‌کند. نمایشنامه با صحنه‌ای آغاز می‌شود که این دوازدهم مهمانی به خانه برمی‌گردند و جرج، خسته و بهانه‌گیر است. در آن مهمانی مارتازن و شوهر جوانی را دیر هنگام به خانه دعوت می‌کند اما پس از ورود آنها جرج و مارتا رفتاری پرتنش را در مقابل مهمانان خود به نمایش می‌گذارند.

نمایشنامه با بررسی اعماق روانی چهار شخصیت حاضر به موشکافی علایق و رفتارشناسی آنها می‌پردازد. ادوارد فرانکلین آلبی سوم دوازدهم مارس سال ۱۹۲۸ در واشنگتن به دنیا آمد. این نمایشنامه نویسنده آمریکایی، بیش از همه به خاطر نوشتن نمایش «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد» به شهرت رسید. آلبی در آثار اولیه‌اش شکل آمریکایی تاثیرات را خلق کرد که در آثار نویسندگان اروپایی نظیر ساموئل بکت، اوژن یونسکو و ژان ژنه دیده می‌شود. آلبی سه بار برنده جایزه پولیتزر شده است. سه زن قبلند، لولیتا و صبحانه در تیفانی از جمله آثار این نمایشنامه‌نویس هستند.

شناخت عوامل نمایش

ابراهیم مکی/انتشارات سروش

چاپ ششم ۱۳۸۸/۲۴۷ صفحه/۴۰۰۰ تومان



نمایش در وسیع‌ترین مفهوم خود بر دو عامل حرکت و صدا استوار است؛ این هر دو، در طول زمان، با به پای هم پیش آمده، تأثیراتی بر یکدیگر گذاشته‌اند و تحولاتی را گذرانده‌اند. زمانی یکی بر دیگری تفوق یافته، در شرایطی

دیگر عکس آن مصداق پیدا کرده است، نهایت آن که با تلفیقی متعادل و معقول، از شکلی ساده و ابتدایی که برآورنده نیازهای روزمره آدمی بوده است به ساختمانی سخت پیچیده و متعادل دست می‌یابد که بازتابی از علو طبع و بازگوکننده خصال آدمی در نبرد بی‌امانش بر ضد جهل و نادانی و نشانی از آرزوهای بی‌انتهای او در مراحل عالی انسانی است.

البته فرایند نمایش را به اعتبار نحوه نگرش بدان، از دو دیدگاه اجرایی یا نوشتاری می‌توان مورد بررسی قرار داد و درباره جنبه‌های گوناگون و عوامل مختلف هر یک جداگانه به تفحص و تتبع پرداخت. آنچه در این کتاب به آن پرداخته‌اند، بیشتر تأملی است در باب عناصر تشکیل‌دهنده متون نمایشی که صرف نظر از اشراف بر متن نمایش‌های صحنه‌ای، اصول اساسی آن البته می‌تواند ناظر بر متون نمایشی در سایر رسانه‌ها همچون سینما، تلویزیون و رادیو نیز باشد.

هدف، حرکت، مکالمه و ساختار نمایشی یا عناصر کیفی نمایش چهار بخش اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهند.

حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

شامل: مبانی نظام، نهادهای سیاسی و شرح

قانون اساسی

تالیف: دکتر مرتضی نجفی و دکتر فرید محسنی

انتشارات بین‌المللی الهدی/چاپ هشتم ۱۳۸۸/۵۰۴

صفحه/۵۵۰۰ تومان



در «حقوق اساسی» بنیادی‌ترین حقوق مردم، ساختار حکومت و رابطه سیاسی بین مردم و حکومت بررسی می‌شود. حقوق اساسی تلاش می‌کند قدرت را نهادینه کند و آن را در قالب چارچوب معینی قرار دهد.

چگونگی تقسیم‌قدرت در قوای سه‌گانه، تعیین اختیارات نهادهای حکومتی و ضمانت اجرای انجام وظایف و مسوولیت این نهادها در حقوق اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این کتاب سعی شده ضمن توجه به روش تفسیر و تحلیل حقوقی، برداشت علمی بر مبانی حقوق ایران صورت پذیرد. در برخی موارد نیز علاوه بر تحلیل حقوقی، انتقاد و ارائه طریق نیز شده است.

این کتاب ۹ بخش دارد. در بخش نخست ابتدا

تاریخچه و منابع حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. در بخش دوم نظریه ولایت فقیه و ویژگی‌های رهبر و وظایف و اختیارات آن بررسی شده است. در بخش سوم حاکمیت و حکومت در نظام حقوق اسلام مورد توجه قرار گرفته و در آن منشأ حاکمیت، ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی و اصل تفکیک قوا بررسی شده است. در بخش چهارم، پنجم و ششم به ترتیب قوای مقننه، مجریه و قضائیه بررسی شده و در هر بخش حدود اختیارات و وظایف یکی از قوای سه‌گانه بیان شده است. در بخش هفتم مبانی سیاست خارجی و اقتصاد در نظام جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. در بخش هشتم سایر نهادهای حکومتی همچون شوراهای اسلامی شهر و روستا، شورای امنیت ملی، شورای بازنگری قانون اساسی و شورای انقلاب فرهنگی تشریح شده و در بخش نهم نیز انواع حقوق و آزادی و مفهوم مساوات بررسی شده است.

این کتاب از سال تحصیلی ۸۹-۸۸ جزو متون درسی دانشگاه پیام نور قرار گرفته است و در این دانشگاه تدریس می‌شود.

حاشیه‌ای بر مبانی داستان

ابوتراب خسروی/نشر ثالث/چاپ اول ۱۳۸۸

۱۵۲ صفحه/۳۲۰۰ تومان



داستان‌نویس با استفاده از واژه‌ها، هارمونی‌ای از اصوات، شخصیت‌ها و وقایع در مکان‌های موازی با جهان واقعیت ایجاد می‌کند تا آنها به رفتار اندیشه منتج به خلاقیت ادبی اش درآید. در

واقع تأثیری که اثر در مواجهه با مخاطب مرتبط با اثر ایجاد می‌کند، ایجاد معنایی است که نویسنده هنگام خلاقیت به آن اندیشیده و این همان استراتژی اثر است.

بنابراین استراتژی نویسنده ایجاد معنایی متناسب با تاکتیک مورد اجرای اوست. در اینجا باید به معنا یا به تعبیری دیگر تاویل، به عنوان مفهومی بسط‌یابنده با وجوهی گوناگون اشاره کرد، همچنان که او در مقاله مشهورش «تاویل و تاویل افراطی» به مشخصه‌هایی از تاویل اشاره می‌کند، از جمله آن‌جا که متن جهانی باز و نامحدود است، تاویل‌کننده می‌تواند با آن به کشف ارتباط‌های درونی بی‌پایانی دست یابد، یا آن‌که برای نجات متن، یعنی برای تبدیل آن از توهم معنا با این آگاهی که معنا نامحدود است، باید فکر کند که هر سطر متن را از معنای دیگری پنهان می‌کند، کلمات به جای گفتن، ناگفته را پنهان می‌کنند و ...

بنابراین تاکتیک در داستان به معنای کنکاش و جست‌وجویی است برای یافتن معنا که مترادف استراتژی خواهد بود. حاشیه‌ای بر مبانی داستان دربرگیرنده فصل‌های متنوعی درباره داستان‌نویسی است. شکل نوشتن، خیال، ماهیت داستان، موضوع روایت (راوی، روایت‌کننده) زاویه دید، چگونگی شکل‌گیری داستان - پلات، گفت‌وگو در داستان، لحن در داستان، میزاسن روایت، شخصیت، مود، پرسپکتیو در داستان، کنتراست روایت، ادبیات و واقعیت و ادبیات و سینما موضوعاتی هستند که ابوتراب خسروی در این کتاب به آنها پرداخته است.

خسروی در بخشی از کتاب با عنوان «شکل نوشتن» نوشته است: «چنان‌که باید درباره شکل نوشتن یا چگونگی شکل‌گیری نوشتن تبیین صورت گیرد نخست باید از مباحث گفتار درونی و گفتار بیرونی آغاز کرد. به خصوص از جایی که «ل. ویگوتسکی» روان‌شناس بزرگ روس، در کتاب بسیار مشهورش «تفکر و زبان» می‌گوید گفتار درونی گفتاری است برای خود فرد. و گفتار بیرونی گفتاری است برای دیگران. ویگوتسکی گفتار خودمدارانه را که غالباً در کودکان قبل از سن دبستان مشاهده می‌گردد، مرحله‌ای از رشد می‌داند که پیش‌نیاز و از مقدمات گفتار درونی است، سپس نتیجه می‌گیرد که هم گفتار خودمدارانه و هم گفتار درونی کارکردهای عقلایی داشته و ساختاری همسان دارند...»

گزارشی درباره یازدهمین همایش کتاب سال حوزه

همایشی نه در اندازه سهم حوزه از تولید علم

محقق است که تنها برای خدا قلم بزند و در پی پر کردن خلأها باشد. در تالیفاتش همواره بکوشد مشکلی را حل کند، گره‌ای را بگشاید و مسائل را حل کند. در قلمروی فقه مسائلی ناگفته وجود دارد که حوزه‌های علمیه باید پیشگام حل آنها باشند.»

آیت الله سبحانی از استاد مطهری به عنوان امتی یاد کرد که به تهایی در بسیاری از موضوعات اثرگذار بود و بیش از آن که سخن بگوید، در تفکر و تالیفاتش به سوی شناسایی خلأها و برطرف کردن آنها در حرکت بود. پس از این سخنان، حجت الاسلام والمسلمین سید علی عماد، معاون پژوهش حوزه علمیه قم، با اعلام خبر افتتاح سالن محققان، کتابخانه مدرسه فیضیه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گفت: «سالن محققان ویژه استفاده پژوهشگران حوزوی و طلبای است که در حال نگارش رساله‌های سطح چهار هستند. نخستین فاز این طرح با ۵۰۰ عنوان پایان‌نامه حوزوی افتتاح می‌شود و فاز بعدی آن همزمان با هشتادمین سال تاسیس مدرسه علمیه فیضیه در سال آینده افتتاح خواهد شد.»

معاون پژوهشی حوزه‌های علمیه، دومین اقدام انجام شده را تاسیس کتابخانه پایان‌نامه عنوان کرد که در کنار کتابخانه آیت الله حائری واقع شده است و بیان داشت: «اکنون در این کتابخانه ۲۰۰ پایان‌نامه سطح سه و چهار حوزه جای دارد و طبق برنامه ریزی انجام شده، این تعداد به دو هزار پایان‌نامه ارتقا خواهد یافت.»

در ادامه این همایش، با اعلام اسامی برگزیدگان و شایستگان تقدیر در زمینه تالیف کتاب، پایان‌نامه، ناشران برگزیده و خادمان کتاب حوزه، از حاضران نشست برای شرکت در مراسم افتتاحیه این کتابخانه دعوت به عمل آمد و مسوولان و برگزیدگان یازدهمین همایش کتاب سال حوزه به بازدید از این مکان فرهنگی - مذهبی شتافتند.

یکی از نکات جالب این همایش که بسیاری از شرکت‌کنندگان را به حیرت واداشت، اعلام اسامی برگزیدگان بدون اهدای جوایز یا تقدیر از آنان در صحن تالار بود! با توجه به این که یکی از اهداف برپایی همایش کتاب سال حوزه، شناسایی و معرفی نویسندگان و استعدادها ناآشناست. این هدف در یازدهمین همایش کتاب سال همچنان مغفول ماند و برگزیدگان حتی بدون آن که چهره‌شان به رسانه‌ها معرفی شود یا فرصت گرفتن عکسی دسته جمعی در کنار یکدیگر و مسوولان حوزه را داشته باشند، به لحظات پایانی این همایش رسیدند!

برخی از آنها می‌گفتند احتمالاً جوایز برای ما ارسال خواهد شد، اما مسوول دبیرخانه این همایش چند روز پس از برگزاری این مراسم در گفت‌وگو با کتاب هفته از احتمال مراسم ضیافت شامی خبر داد که هنوز تصمیمات نهایی آن تصویب نشده است و مراسم اهدای لوح‌های تقدیر و جوایز به برگزیدگان در اولین فرصت انجام خواهد شد!



دانست و از آنان به عنوان اسوه‌هایی در رشد و بالندگی حوزه‌های علمیه یاد کرد و گفت: «توجه به یک کتاب تنها توجه به یک نویسنده نیست، بلکه توجه به تمامی عناصری است که در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند.» وی سپس نام ناشران برگزیده این دوره را عنوان و از آنها قدردانی کرد. در این بخش همچنین از علی شجاعی صائین، مدیر عامل خانه کتاب، به عنوان «خادم کتاب حوزه» در بخش «اطلاع‌رسانی، نقد و بررسی و ترویج فرهنگ کتابخوانی» تجلیل شد. پس از آن علامه سید جعفر مرتضی جبل عاملی از عالمان لبنان که در حوزه فقه حرف‌های فراوانی برای گفتن دارد و تاکنون بیش از ۱۶۰ اثر تالیفی دینی در عرصه تاریخ و کلام به رشته تحریر درآورده است به زبان عربی سخنرانی کرد. وی برگزاری چنین همایش‌هایی را مفید دانست و از مسوولان این برنامه قدردانی کرد و پیشنهادهایی برای بهتر شدن آن ابراز داشت.

در ادامه، آیت الله جعفر سبحانی، از مراجع عظام شیعه، به عنوان سخنران بعدی با تأکید بر این که حوزویان باید هر روز بکوشند افق‌های تازه‌ای را در تولید علم بیابند، مطالب خود را آغاز و توقف علم را برابر با اسارت آن خواند و گفت: «در علوم حوزوی باید هر سال افق‌های تازه‌ای را روشن کنیم و گام‌هایی را برداریم به گونه‌ای که آثار ما، کتاب‌های برتر جهان شوند.»

وی همچنین در مقام حمایت از تالیفات و ارزشمندی قلم گفت: «اگر علم مکتوب باشد، ماندگارتر است و ارزش بیشتری دارد. باید در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری‌های بیشتری صورت پذیرد تا نویسندگان به تولید و تدوین بهترین آثار ترغیب شوند. برای آینده علم و حوزه باید سرمایه‌گذاری کنیم. اخلاق، پایه اساسی یک تحقیق و ویژگی یک

در ادامه این برنامه، حجت الاسلام حمید رضا شاکرین برای ارائه گزارشی از روند بررسی آثار و نتایج آنها انتخاب شده بود. وی به عنوان دبیر علمی یازدهمین جشنواره کتاب سال حوزه، معرفی آثار برجسته عالمان و دانشمندان حوزوی به جامعه علمی و تبیین نقش آنان در تولیدات علمی مکتوب کشور را از کارکردهای این همایش برشمرد.

وی با ارائه این پیشنهاد که بهتر است در کنار تولیدهای دینی - علمی، مطالعاتی نیز صورت بگیرد تا حوزه‌هایی که در آنها قوت و ضعف بیشتری داریم، مشخص شوند و برای تدوین و تولیدات علمی در دوره‌های آتی در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی‌های منسجم‌تری شکل دهیم گفت: «یکی از راهکارهای موثر در افزایش تولیدات دینی و پوشش عرصه‌های مورد نیاز، تشویق، آموزش و ایجاد بسترهایی برای پژوهش و تالیف است. با توجه به آمار هشت هزار عنوان کتابی که در طول سال توسط روحانیان در ایران منتشر می‌شود، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که یک‌هشتم سهم تولیدات مکتوب کشور را حوزویان برعهده دارند.»

دبیر علمی یازدهمین همایش کتاب سال حوزه، با اشاره به ظرفیت‌های گوناگونی که حوزه‌های علمیه در تولیدات علمی و دینی دارند اظهار کرد: «باید برای استفاده از تمام این ظرفیت‌ها برنامه‌ریزی شود. با توجه به این که تنوع، گستردگی، مسأله‌مداری و توجه به نیازهای روز در تدوین آثار حوزویان بیش از گذشته مشهود است، اما هنوز هم باید برای رشد این زمینه‌ها بستر سازی شود.»

حجت الاسلام والمسلمین شاکرین همچنین تقارن زمانی برپایی این همایش با ولادت استاد شهید مطهری و بزرگداشت مقام علمی علامه سید جعفر مرتضی جبلی عاملی را از افتخارات این دبیرخانه

هشتم بهمن ماه، یازدهمین همایش کتاب سال حوزه برپا شد. در این گردهمایی اهالی قلم و حوزه و دوستان این وادی مدت‌ها در انتظار اعلام نتایج بودند.

پس از یک سال تلاش در گردآوری و ارزیابی ۱۰۸۳ اثر در زمینه کتاب و پایان‌نامه‌های برگزیده که ۴۱ اثر از آنها را بانوان ارسال کرده بودند، در رشته‌های گوناگون دانش ۲۰ برگزیده و پنج شایسته تقدیر در حوزه تالیفات و ترجمه کتاب و چهار برگزیده و پنج شایسته تقدیر در ارزیابی پایان‌نامه‌ها معرفی شدند. در مراسم معرفی و تقدیر از برگزیدگان این همایش بزرگ دینی که در سالن همایش مدرسه فیضیه دارالشفاء شهر قم با حضور جمعی از مسوولان حوزوی، برگزیدگان رشته‌های گوناگون و عده‌ای از علاقه‌مندان برگزار شد، بزرگداشت نودمین سالروز ولادت آیت الله شهید مرتضی مطهری و تجلیل از علامه سید جعفر مرتضی جبل عاملی به عنوان الگوهایی در پژوهش، تالیف و افرادی ماندگار که برای حل مسائل دینی و گره‌گشایی از مشکلات گوناگون جوامع بشری از استعداد‌های خود بهره بردند، در شمار برنامه‌های جانبی همایش برنامه‌ریزی شده بودند.

آیت الله مرتضی مقتدایی، رئیس حوزه‌های علمیه و رئیس شورای عالی کتاب سال حوزه، به عنوان نخستین سخنران این همایش، با اشاره به نزدیک بودن ایام دهه فجر، از نقش روحانیون و حوزویان مبارز در پیروزی انقلاب اسلامی یاد کرد و یادآور شد: «استکبار جهانی به مقابله با نظام اسلامی کمر بسته است و مردم ما باید همچنان با حضور خود در صحنه، با آنها مقابله کنند و حمایت خود را از این نظام نشان دهند.»

آیت الله مقتدایی با مروری بر مراحل گوناگون بررسی تالیفات و پژوهش‌ها تا انتخاب آثار برگزیده و شایسته تقدیر، ویژگی اساسی این دوره از کتاب سال را در تنوع و تعدد آثار ارسال شده به دبیرخانه این همایش و ارتقای کمی و محتوای کیفی تالیفات اهالی حوزه دانست و گفت: «برای تأثیرگذاری و کاربردی کردن این فعالیت‌ها باید تدوین این آثار را سامان بخشیم که این امر از طریق موضوع‌شناسی حوزه تالیفات در بخش‌های گوناگون کشور ممکن می‌شود. باید با شناخت موضوعات مورد نیاز، این مسائل را در اختیار مراجع قرار دهیم تا موضوع مباحث درس خارج فقه‌شان قرار دهند که معنای همکاری حوزه با نظام نیز همین است.»

رئیس حوزه‌های علمیه همچنین با یادآوری سالگرد ولادت استاد شهید مرتضی مطهری به عنوان یکی از فضیلات حوزه و دانشگاه، اخلاص را مهم‌ترین ویژگی این استاد در تالیف و پژوهش و سایر رفتارهای اجتماعی خواند و اظهار داشت: «اگر هدف همه ما خداوند باشد، در تمامی امور از جمله حوزه تالیف و پژوهش موفق خواهیم بود.»

راهکارهای استفاده از ظرفیت‌های تولید علم حوزه

در حاشیه این همایش، حجت الاسلام والمسلمین محمد علی مهدوی راه، برگزیده بخش کتاب‌شناسی یازدهمین همایش کتاب سال حوزه و از ارزیابان بخش کلیات و فقه این همایش دینی در گفت‌وگو با کتاب هفته، به تنوع و تعدد آثار این دوره در مقایسه با سال‌های قبل اشاره کرد و گفت: «با افزایش کیفیت محتوایی و گستردگی موضوعات، تحولات عظیمی ایجاد شده است.»

وی افزود: «حوزه‌های علمیه ظرفیت‌های فراوانی در تولید علم دارند که تمام آنها شناسایی و تربیت نمی‌شوند. در نتیجه برای نیل به اهداف متعالی این همایش باید در این زمینه برنامه‌ریزی، بستر سازی و استعدادیابی‌هایی صورت گیرد، به عنوان مثال مانند مراحل دانشگاهی با ارائه تکالیفی به حوزویان در سطوح تحصیلی پایین‌تر از سطح چهار، توانایی‌ها و استعداد‌های آنها را شناسایی و از ابتدایی‌ترین گام‌های این افراد در حوزه برای پرورش و استفاده از ظرفیت‌های آنان سرمایه‌گذاری کنیم.»

انتظاراتی که باید برآورده شوند

همایشی در حد کتاب سال حوزه انتظارات فراوانی را باید برآورده سازد، اما با توجه به زمان اندکی که تا هنگام نماز ظهر در روز برپایی همایش وجود داشت، امکان به دست آوردن رضایت همگان میسر نبود. همچنان که امسال نیز با تأخیر در ورود برخی از سخنرانان این همایش نظیر علامه سید جعفر مرتضی جبل عاملی از لبنان و نبود فرصتی برای هماهنگی مسوولان همایش با این اسوه حوزه‌های علمیه، تغییراتی در زمان‌بندی برنامه ایجاد شد. همچنین در این دوره، شش گروه برای تقدیر انتخاب شده بودند و افزایش این زمینه‌های کاری، تجلیل از برگزیدگان و شایستگان تقدیر کتاب، پایان‌نامه، ناشران برگزیده، خادمان کتاب و ناشر نمونه، دشواری‌هایی را برای مسوولان این همایش فراهم ساخته بود. ضمن این که علاوه بر تهیه جوایز، باید لوح‌هایی با متن‌های متفاوت و متناسب با هر گروه تدوین و برای روز همایش با تمامی گستردگی‌های فعالیت‌اش فراهم شود.



می گویند که یک عکس گاه مسایلی را بیان می کند که هزار متن توانایی بیان آن را ندارند. از این روست که از عکس به عنوان یکی از اسناد تاریخی می توان بهره گرفت. اکبر ناظمی به تازگی مجموعه ای از عکس های خود از روزهای انقلاب را به تصویر کشیده است. او در این کتاب که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده کوشیده است تا وقوع انقلاب را از زوایای مختلفی به نمایش بگذارد. ناظمی به درستی عکاسان را چشم جامعه می داند. این عکاس که بعد از وقوع جنگ تحمیلی، به کانادا رفته است، نمایشگاه های عکس بسیاری را در ایران و سایر نقاط جهان برپا کرده است.

گفت و گو با اکبر ناظمی به بهانه انتشار کتاب عکس های انقلاب

همه زوایای انقلاب را ببینیم

که از فیلم سیاه و سفید استفاده کنم. بسیاری از این عکس ها را من با فیلم های «دست بیچ» تهیه کرده ام. برخی از عکس ها را شما در قطع کوچک (کنتاکت) چاپ کرده اید. هر چند این عکس ها جزئیات را در اختیار مخاطب قرار نمی دهد، اما به هر حال سندی را پیش چشم او می نهد. چرا تعداد این عکس ها را بیشتر نکردید؟

شاید اگر کتاب ۲۰۰ صفحه می شد، بهتر بود، اما به هر حال محدودیت کتاب از نظر تعداد صفحات، به این معنی که مخاطب به راحتی بتواند آن را ورق بزند نیز دارای اهمیت بود. امیدوارم در مجلد های بعدی که آنها نیز مرتبط با انقلابند؛ همچون «زنان در انقلاب»، «کودکان در انقلاب» و «دیوارنوشته ها» بتوانیم عکس های بیشتری را در اختیار مخاطبان قرار دهیم. امیدوارم دوستان همکاری بیشتری کنند تا بقیه عکس ها نیز به مرور منتشر شود. البته شاید نتوان همه عکس ها را قالب کتاب منتشر کرد، بلکه شاید برخی از عکس ها را در سایت بگذاریم تا پژوهشگران بهتر بتوانند درباره انقلاب به تحقیق بپردازند.

فناوری عکاسی با ظهور دوربین های دیجیتال تغییر یافته است. از سویی نگاه شما هم نگاهی پخته تر شده است. شما حالا که به این عکس ها نگاه می کنید، چه حسی دارید؟

این عکس ها را در نمایشگاه های بسیاری که در کانادا برگزار شده به نمایش گذاشته ام و یکی از معروف ترین نشریات کانادایی با عنوان «جورجیا استریت» مقاله ای در مورد آنها منتشر کرد. این نشریه نوشت که عکس های اکبر ناظمی، تقاطع میان سیاست و هنر است. این نشریه همچنین نوشته بود: «زاویه هایی که ناظمی انتخاب کرده به گونه ای است که انگار آنها را چیده است.» خلاصه اینکه آنها از این عکس ها خیلی تعریف کرده بودند. من عکاسی را از سن خیلی کم شروع کرده بودم. زمانی که این عکس ها را می گرفتم، دست کم ۷-۸ سال تجربه عکاسی داشتم و همین تجربه به من کمک کرد تا زیر گلوله بتوانم عکاسی کنم. شرایط ترس و مرگ از یک سو و شرایط تکنولوژیک از سوی دیگر کار را مشکل می کرد، اما تجربه کمک کرد که من بتوانم ترکیب بندی در عکاسی را رعایت کنم. من خاطرات زیادی از آن روزها دارم که یکی از آنها را به عنوان مقدمه کتاب آورده ام. یادآوری این خاطرات، حس و حال خوبی دارد.

چطور شد با انتشارات سوره مهر کار کردید؟

ناشران شخصی، از آنجایی که گمان می کردند انتشار این کتاب نفعی مالی برایشان ندارد، آن را چاپ نکردند. معتقد بودند که مردم این کتاب را نمی خرند. در حالی که کاملاً برعکس است. این کتاب در ایران و چند نمایشگاهی که آن را عرضه کرده بود، به سرعت فروش رفته است و به زودی چاپ دوم کتاب منتشر می شود. همه می توانند مخاطب این کتاب باشند. سوره مهر این کتاب را منتشر کرد و خوشبختانه آن را خیلی خوب و به موقع منتشر کرد. من از مجموعه کار آنها بسیار راضی ام و امیدوارم که خبرنگاران و عکاسان، همیشه مسؤولانه به کار خود ادامه دهند.

* فیلم دست بیچ اصطلاحاً به فیلمی گفته می شود که از نگاتیو فیلم های سینمایی گرفته می شود. گاهی که نگاتیو فیلم ها کهنه می شوند، آنها را در لابراتوار می برند و سپس با آنها عکاسی می کنند.



گرفته ام که به اصطلاح آن را [fine grain] نگاتیو با دانه های ریز و شفاف می نامند و می شود با کمک آن عکس با کیفیت چاپ کرد.

یعنی تکثیر نگاتیو کردید؟

بله، چرا که به نظر من در عکاسی دیجیتال، عکس ها به هم می ریزد. رنگ ها در عکاسی دیجیتال، پرترا از آن چه هست به تصویر کشیده می شود.

معمولاً نوعی زیبایی بی خود به عکس می دهد...

نوعی زیبایی مصنوعی به عکس می دهد. به همین دلیل بود که من از تکنیک دیجیتالی استفاده نکردم، چرا که می خواستم عکس هایم به واقعیت نزدیک باشند.

برخی از عکس های کتاب به صورت تمام صفحه، برخی به صورت نیم صفحه و برخی دیگر با کادرهای سیاه منتشر شده. این تفاوت ها ناشی از چیست؟ آیا کیفیت برخی از عکس کم بوده است؟

من در کار هنری تلاش می کنم تا دست بقیه همکارانم را باز بگذارم. یعنی وقتی کار گرافیکی می کنیم، سعی می کنم در کار گرافیکم دخالت نکنم و دستش را باز بگذارم. وقتی تعیین شد کسی قرار است کار گرافیکی کند، من دخالتی در کارش نمی کنم. من سال گذشته این عکس ها را در اختیار گرافیکست کتاب گذاشتم و از ایران رفتم. کتاب زمانی چاپ شد که من ایران نبودم و از این رو نام برخی از دوستان که در انتشار این کتاب سهمی مهم داشتند، از قلم افتاد؛ دوستانی همچون آقایان حمزه زاده، اولیا زاده و قاضیانی. این نقص کتاب است.

برخی از عکس های کتاب سیاه و سفید و برخی دیگر رنگی هستند. آیا اصل این عکس ها به این صورت بوده یا در کار گرافیکی تغییر کرده اند؟

زمانی که من این عکس ها را می گرفتم، دانشجوی بودم، به همین دلیل و گاه به دلایل مالی مجبور می شدم از عکس های سیاه و سفید استفاده کنم. اما به گمانم عکس رنگی بهتر است، چرا که می تواند سندیت بیشتری را در اختیار ما بگذارد. شما بعد از دیدن یک عکس رنگی می توانید بفهید که کتی که آن دوره می پوشیدند، چه رنگی بود و خلاصه چه فضایی وجود داشت. اما گاهی که فیلم رنگی نداشتم، مجبور می شدم

به هر حال سی سال از عکاسی شما می گذرد و به طور حتم، نگاتیوهای عکاسی در طول این سال ها دچار آسیب هایی می شوند. شما برای این که این عکس ها را آماده انتشار کنید، تا چه اندازه آنها را ویرایش کرده اید؟

من هشت سال پیش سایتی درست کردم و تلاش کردم تا به عنوان تهمیدی انقلابی و عقیدتی، عکس هایی را که از انقلاب داشتم در آن بگذارم. خوشبختانه توانستم حدود ۱۵۰ عکس را در آن بگذارم. اما وقتی نگاتیوهای عکاسی را به لابراتوار بردم، مسوول لابراتوار به من گفت که رنگ های آنها در حال از بین رفتن است. به شدت به وحشت افتادم. به هر حال اینها، عکس های معمولی نبودند، بلکه می توان آنها را بخشی مهم از تاریخ ایران دانست و حیث است آنها را به نسل بعد منتقل نکنیم. من با تمام قوا و با صرف بودجه شخصی شروع به تثبیت این عکس ها کردم. ما باید این اسناد مهم را نگهداری و حفظ کنیم و این نکته در همه کشورها مور توجه است. مثلاً اگر شما دقت کنید، فیلم های به شدت معمولی و حتی نازل

هالیوودی، نگهداری می شود و همین الان می توان آنها را با کیفیت بالا یافت. آنها این فیلم ها را به دلیل آن که آنها را گنجینه فرهنگی شان می دانند، حفظ می کنند، اما ما در نگهداری بخشی مهم از تاریخ مان کوتاهی می کنیم. هیچ کس گوشش بدهکار این حرف ها نبوده و نیست. من در گفت و گویی که با تلویزیون داشتم نیز این مساله را مطرح کردم.

به همین دلیل من به عنوان یک عکاس، احساس مسوولیت کردم و به تصحیح این نگاتیوها پرداختم. تلاش کردم تا به کمک دوستانی که در این کار کمک می کردند، رنگ های واقعی را به عکس ها برگردانیم، چنانچه اگر شما به عکس های کتاب نگاه کنید، انگار چند روز پیش گرفته شده اند. ما این روند را ادامه می دهیم، چون به هر حال چهار هزار عکس و نگاتیو داریم که باید به خوبی نگهداری و حفظ شوند. اما به هر حال این کار زمان می برد و شما می دانید که برای تصحیح هر فریم [=قالب] چیزی حدود ۲-۳ ساعت وقت نیاز است.

شاید هم بیشتر...

بله. به ویژه آنکه من نگاتیو خاصی را از کدک*

چطور شد این کتاب را منتشر کردید و از میان عکس هایی که حتماً تعدادشان بیش از این بوده، این تعداد را برای انتشار برگزیدید؟

حدود چهار هزار عکس و بیش از بیست و چهار ساعت فیلم از انقلاب گرفته ام، اما به هر حال این تعداد عکس برای این کتاب انتخاب شد. حتی شاید بتوان گفت که اگر فرصت بیشتری وجود داشت، می شد انتخاب بهتری داشت. من دوست داشتم این کتاب دربرگیرنده تمام موضوعات انقلاب باشد. اما متأسفانه در سال های گذشته این نگاه وجود نداشت و عکس هایی را مناسب چاپ می دانستند که واجد برخی شرایط بود. اما من دوست داشتم که کتاب عکسی که از روزهای انقلاب چاپ می کنم، همه واقعیت یا چیزی نزدیک تر به واقعیت را به نمایش بگذارد. یعنی دوست داشتم عکس هایم، واقعیتی را به تصویر بکشند که در انقلاب روی داده بود. اما بی تجربگی و نگاه محدود برخی از مدیران، این کتاب آن گونه ای که می خواستم، منتشر نشد تا این که دوستان انتشارات سوره مهر، استین همشان را بالا زدند و این کتاب را چاپ کردند. این دوستان با حسن نیت و نگاه بازشان، تقریباً به همه آن چیزی که من می خواستم جامعه عمل پوشاندند.

روی جلد کتاب عنوان «عکس های منتشر نشده سال ۱۳۵۷» آمده است. آیا منظور شما این است که این عکس ها به صورت کتاب منتشر نشده اند یا به طور کلی دیده نشده اند؟

از این تعداد عکس که در کتاب آمده، به جز دو عکس که در کتاب های درسی منتشر شده، بقیه منتشر نشده اند. یعنی پیش از این، تنها دو عکسی که یکی نشان دهنده ساختمانی نیمه کاره است و دیگری «شاه رفت»، به صورت مکتوب منتشر شده اند. البته آن تعداد سه هزار و خرده ای بقیه هم هنوز چاپ نشده اند. چرا؟ چرا در طول این سال ها، این اسناد که بسیار هم مهم و با ارزشند فرصت انتشار نیافته اند؟

فرصت انتشار آنها بوده است، اما برخی از دوستان تمایلی به این کار نداشتند. از سویی، من نیز به عنوان یک خبرنگار-عکاس دوست نداشتم که عکس هایی با انتخاب و سلیقه دیگران منتشر شود. ما چشم و سربازهای انقلاب بودیم و به همین علت دوست نداشتم وقتی از انقلاب تعریف می شود، شاخه هایی از آن را حذف کنند. یعنی فلان شخصیت را به دلایلی که بعد مطرح شده بود حذف کنند. اگر با تنه تو منم انقلاب چنین برخوردی شود، پس از مدتی شاخه ای تکیده باقی می ماند که ارزش و زیبایی ای ندارد. ما تمام این سال ها با دوستان و مدیران صحبت می کردیم که نگاهی همه جانبه به ماجرا داشته باشند. ما معتقد بودیم که با نگاه باز و استفاده از شیوه های تازه، مخاطبانی بیشتر خواهیم داشت. به همین دلیل، انتشار کتاب چند سال به تاخیر افتاد.

در نهایت عکس هایی که برای چاپ در کتاب انتخاب شد، همه به سلیقه خودتان بود؟

بله. این عکس ها به انتخاب خودم بود. این روزها نیز نمایشگاه عکسی به نام «زنان در انقلاب» در خانه عکاسان دارم، که امیدوارم بتوانم آن را هم به زودی در قالب کتاب منتشر کنم. خیلی دوست دارم که فعالیت های زنان در انقلاب را منتشر کنم و اکنون در تدارک آماده سازی این کتابم. امیدوارم این کتاب را نیز بتوانم توسط انتشارات سوره مهر منتشر کنم.

گزارشی از مناقشه دو ناشر بر سر ترجمه کتاب «نماد گمشده»

حق با کسی است که می بیند



قول خود کریمی، پیگیری های وی برای احقاق حقش ماجرا را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کشاند. کیان افراز در این باره می گوید: «چند روز پیش، از ارشاد تماس گرفتند و گفتند: «از شما شکایت شده که این کتاب را غیر قانونی منتشر کرده اید. خیلی سریع مجوز انتشار را برای ایشان بانامبر ارسال و مدت زیادی با واحد ارزیابی ارشاد صحبت کردم و مساله حل شد.» کریمی در پاسخ به این سوال که آیا وی این شکایت را مطرح کرده است؛ می گوید: «من نام این اقدام را شکایت نمی گذارم، بلکه پیگیری مساله ای است که به اعتقادم انجام آن از نظر اخلاقی صحیح نبوده است. من خیلی مراعات کرده بودم، اما رفتارهای مدیر نشر کیان افراز موجب شد همچنان به پیگیری این مساله مصمم باشم و آن را دنبال کنم.»

اتفاقی که می توانست خیلی با آرامش بیشتر دنبال شود و به رسانه ها هم کشیده نشود، اکنون به یک دعوای حقوقی تبدیل شده که شایسته این دو ناشر نیست. سوالي که در اینجا مطرح می شود، این است «به راستی آیا ترجمه نخست، اهمیت و امتیاز است؟» کریمی، مدیر نشر نوح نبی، معتقد است: «فکر می کنم هر یک از این ترجمه ها مخاطب خودشان را دارند و البته خیلی هم مهم نیست که چه کسی کتاب را اول چاپ کند، مثل هر کار دیگری، مخاطب اثر دلخواه خود را پیدا و انتخاب می کند، اما فکر می کنم بحث هایی اخلاقی در این میان پیش آمده که اصلا جالب نبودند. من تمام سعی خود را کردم که از این جنجال ها دور باشم، اما نتیجه نداد.»

مدیر نشر کیان افراز نیز می گوید: «من اعاده حیثیت می کنم. کدام یک از این ناشران برای ترجمه و پیگیری انتشار این اثر ۶۰ ساعت بیداری کشیده و با وجود نگهداری از فرزندی دوساله، یک هفته تمام دنبال اعلام وصول و مجوز انتشار بوده است، در حالی که برای من اصلا بحث مالی این اثر مطرح نبوده است؟ من تنها برای این که ترجمه ناشری جوان دیده شود، کتاب را منتشر کرده ام.» به نظر می رسد که اگر قانون کپی رایت در کشورمان اجرا می شد، شاید این گونه مشکلات رخ نمی داد و هر یک از این دو ناشر که زودتر از ناشر اصلی کتاب اجازه گرفته بودند، در انتشار اثر محق بودند.

کریمی در این باره به خبرنگار کتاب هفته می گوید: «طبیعی است که اگر ناشری به شکل انحصاری سرمایه گذاری کند و کتاب پر فروشی در دیگر کشورها را به ایران آورد، من حاضرم این حق را هر چند بسیار گران، خریداری کنم.» کیان افراز اما، این بار سخنانی موافق کریمی می گوید: «ما چون به کپی رایت نپیوسته ایم و ناشر حرفه ای نیز زیاد نداریم، این گونه مشکلات روی می دهد، در حالی که از نظر حرفه ای، نشر ایران باید به کپی رایت متصل شود، چون نشر یک فرآیند و پروسه پیچیده است.»

حق با کسی است که می بیند

اما آیا این دو ناشر تاکنون به این موضوع اندیشیده اند که مخاطب اثر برتر را انتخاب می کند؟! در شرایطی که در بازار کتاب ما گاهی این موضوع وجود دارد و جلد کتاب سرنوشت فروش آن را رقم می زند و نام مترجم تنها بر قشری محدود برای خرید کتاب تاثیرگذار است، کاش این صحبت ها با چند دقیقه گفت و گو دو ناشری که هر دو اهل رسانه و هنرند، حل می شد. اگر شبیه کارهایی که منتشر می کنیم، نباشیم دیگر چه تفاوتی با دیگران داریم؟ جان کلام این که، حق با کسی است که می بیند؛ پس بگذارید مخاطب تصمیم بگیرد.

وارد این بحث های حاشیه ای شوم، اما کتاب من زودتر مجوز گرفته و ایشان ادعا کرده بود که «نماد گمشده» را برای نخستین بار منتشر کرده است.»

ترجمه های متفاوت؟

مریم کریمی درباره ارزشمندی ترجمه و تفاوت اثرش در مقایسه با کتاب ناشر رقیب، می گوید: «فکر می کنم کتاب ما تفاوت های اساسی با دیگر اثر منتشر شده دارد. اصلا همه ترجمه ها باید به این شکل باشند. مترجم نشر من، از مجموعه توانایی هایی برخوردار است و مترجم ناشران دیگر (۱) نیز، زمینه کاری خاص خودشان را دارند.» وی می افزاید: «کتاب ما ۸۰۰ صفحه است، در حالی که کتاب نشر افراز ۷۲۵ صفحه، مترجم ما ۵۰ صفحه پاورقی در توضیح کتاب نوشته تا مخاطب با فضای ذهنی «دن براون» آشنا شود و اتفاقات و فلش بک ها را به شکل کامل بررسی کرده است. ما این کتاب را در شمارگان ۱۰۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۳۰۰۰ تومان عرضه کردیم که نشانگر تفاوت کتاب ما با دیگر نمونه منتشر شده در کشور است.»

کیان افراز نیز در برابر این گفته ها سکوت نکرده و می گوید: «تنها دلایلی که موجب شده ترجمه اثرم را به یک مترجم جوان، ولی متبحر بسپارم، این بود که او نیز با توجه به توانایی هایش بتواند با استفاده از اهمیت کتاب، دیده شده و شناخته شود. وقتی رقابت زیاد باشد، طبیعی است که اهمیت دارد کدام کتاب نخستین ترجمه باشد. کتاب ما، بیش از این چیزی که منتشر شده، حجیم بود و ما برای این که بیش از این مخاطب را خسته نکنند، آن را با فونت ریزتر از حد معمول منتشر کردیم.»

دعوا جدی می شود

در حالی که تصور می شد رقابت دو ناشر به تکذیب و جوابیه های رسانه ای محدود شود، شکایت یا به

کرده است و هر یک به نوعی، می توانند ناشر نخست کتاب «دن براون» باشند!

این گفته ها زمانی به عرصه رسانه کشیده شد که هر دو ناشر در یک روز خیر انتشار کتابشان را به خبرگزاری هادادند و هر یک از این رسانه های خبری، به انتشار خبر یکی از دو ناشر اقدام کردند؛ درست همان روز جمعه ای که خبرنگاران حوزه کتاب برای برگزاری جشنواره شعر فجر در بوشهر بودند.

کریمی که خود را خبرنگار یکی از خبرگزاری ها معرفی می کند، در این باره می گوید: «طبیعی است که با وجود ارسال خبر افراز، آن خبرنگاری خبر من مبنی بر انتشار کتاب از سوی نشر نوح نبی را کار می کند و خبرنگاری دیگری نیز به رویداد انتشار کتاب ایشان می پردازد. کلا، اهمیتی ندارد زیرا همیشه این اتفاق می افتد که یک رسانه، خبر انتشار ناشری را منتشر کند و رسانه ای دیگر، خبر انتشار کتابی دیگر از ناشری دیگر را.»

در این میان، نشر افراز از تماس خبرنگارانی می گوید که از قول کریمی،

وی را متهم به انتشار بدون مجوز کتاب «براون» می کنند، نویسنده ای که اگر می دانست انتشار کتابش در ایران نیز این همه خبر ساز می شود، شاید خودش پیشنهاد ترجمه اثر را به نشر «رندم هاوس» می داد!

کیان افراز در این باره می گوید: «سال هاست که بدون حاشیه مشغول انتشار کتاب های خویشم و تمام توانم را به کار برده ام که وارد حاشیه های این حوزه نشوم، اما این بار از یک خبرنگاری تماس گرفتند که انتشارات نوح نبی، می گوید که شما بدون مجوز کتاب را چاپ کرده اید. در پاسخ گفتم هنوز کتاب را وارد بازار نکرده ایم، چون منتظر اعلام وصول برای پخش کتابیم، ولی مجوز چاپ را داریم و این بیشتر شبیه یک اتهام است!» وی ادامه می دهد: «پس از آن بود که از روز شنبه بعد از آن، که اعلام وصول این کتاب را گرفتیم، آن را وارد بازار کردیم و طی بیست روز فروش، تیراژ اولیه به پایان رسید.» نشر کیان افراز این کتاب را در هزار و پانصد نسخه منتشر کرده که پانصد جلد آن گالینکور است و در زمان انتشار این شماره از نشریه کتاب هفته، به چاپ دوم هم رسیده است.

کریمی در مقابل، اظهارات کیان افراز را این گونه پاسخ می گوید: «اگر صحبتی هم در گفت و گو با خبرنگاران عنوان شده، در واکنش به سخنان خود مدیر کیان افراز بوده و طبیعی است ما هم بخواهیم از حق خودمان دفاع کنیم. من اساسا دوست ندارم

۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹ روزی بود که بر اساس اعلام قبلی «رندوم هاوس» ناشر تازه ترین کتاب «دن براون» با عنوان «نماد گمشده» در سراسر جهان به جز چند کشور از جمله ایران، توزیع شد و رکورد فروش را شکست. شبنم سعادت، مترجم جوان ایرانی در انگلستان تصمیم گرفته بود این اثر را به فارسی ترجمه کند. شاید سعادت آن روز تصور نمی کرد که ترجمه این کتاب، تبدیل به جنجالی میان دو ناشر در کشورمان شود و واکنش های رسانه ای هر دو را به دنبال داشته باشد. شاید بهتر باشد پیش از پرداختن به مشکل به وجود آمده بین دو ناشر کشورمان در قالب این گزارش، ابتدا قدری درباره کتاب پایانی «دن براون» سخن گفته شود. کتاب «نماد گمشده» در روز نخست عرضه شدن در کتابفروشی های آمریکا، کانادا و انگلستان، بیش از یک میلیون نسخه فروش رفت.

«کتابی که نمی شود آن را زمین گذاشت»، «داستانی گیرا که خواننده را در جای خود میخکوب می کند»، «موفق ترین اثر سال... خواندنی و مسحورکننده... گیرا... و حیرت انگیز» تعاریفی اند که نیویورک تایمز، ساندی میل و نیوز ورلد از این اثر ارائه کرده اند.

در نخستین روز عرضه، بیش از یک میلیون نسخه جلد سخت و کتاب الکترونیک آن در آمریکا و بریتانیا به فروش رسید و رکورد سریع ترین فروش کتاب بزرگسالان را از آن خود کرد.

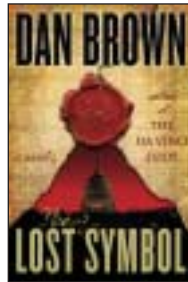
«نماد گمشده» که شش سال پس از کتاب پر فروش «رمز داوینچی» منتشر شد، همچنان ماجراهای پرفسور رابرت لنگدان را تعقیب می کند که این بار در پی یافتن اسرار مخفی لژ فراماسونری در واشنگتن است.

نسخه فارسی و داستان نخستین ترجمه از نمادی گمشده

داستان حاشیه های انتشار این کتاب در کشورمان، میان دو ناشر است که هر یک ادعا داشتند نخستین ناشری اند که کتاب را به فارسی برگردانده و به بازار ارائه کرده اند. نشر افراز و نشر نوح نبی به ترتیب به مدیریت اعظم کیان افراز و مریم کریمی با شناخت از اهمیت و استقبالی که از کتاب های این نویسنده می شود، بلافاصله تصمیم گرفتند این اثر را منتشر کنند و از امتیاز نخستین ناشر این کتاب، برای اقبال بیشتر بهره کافی ببرند. اعظم کیان افراز مدیر مسول نشر افراز از ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹ (۲۴ شهریور ۸۸) به عنوان روز توافق خود با مترجم جوانش برای ترجمه این اثر خبر می دهد.

وی در این باره به کتاب هفته می گوید: «خانم سعادت از انگلستان با دفتر ما تماس گرفت و گفت که قصد ترجمه این اثر را دارد و با توجه به این که انتشارات افراز را برای نشر این اثر برگزیده بود، این تصمیم نهایی و ترجمه کتاب آغاز شد.» وی ادامه می دهد: «دو ماه مستمر برای ترجمه این اثر زمان اختصاص دادیم و حدود سه هفته قبل، اثر نهایی را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه کردیم. پس از مختصر اصلاحاتی، همزمان پروسه تولید آن آغاز شد.»

اما مریم کریمی مدیر مسول نشر نوح نبی با بیان این مطلب که علاقه ای به واکوی این موضوع مورد مناقشه با نشر افراز ندارد، می گوید: «بر اساس اسنادی که در اختیار داریم، کتاب ما زودتر از نشر افراز به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفته است و نخستین ناشری هستیم که مجوز انتشار اثر را دریافت کرده ایم.» کیان افراز در مقابل چنین سخنی می گوید: «کتاب ما زودتر از اثری که انتشارات نوح نبی منتشر کرده، به ارشاد رفته است.» هر دو ناشر بر این مساله توافق دارند که نشر نوح نبی زودتر مجوز را دریافت کرده، اما نشر کیان افراز زودتر کتابش را در بازار عرضه





محمد کاظم مزینانی در ۴۶ سالگی انسان پرتکلفی نیست و اگر قرار است با نویسنده‌ای حرفه‌ای به کندو کاو درباره سه دهه ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب بنشینید، او از بهترین هاست. در کارنامه مزینانی مرز برتری شعر بر داستان یا داستان بر شعر، به سختی پیدا می‌شود. اگر او با رمان «پاییز در قطار» جایزه کتاب سال نوجوان سال ۸۵ را برده است، در مقابل شعرهایی دارد که به گفته شاعرانی چون شهرام رجب‌زاده و مهروش طهوری، به دل‌های نوجوانان زیادی راه یافته است. البته مثل خبرنگاران که انسان‌های به‌وقتی نیستند از مزینانی نباید چنین انتظاری داشته باشید. ماجرا به این ترتیب است که گفت و گو با این شاعر و نویسنده محبوب نوجوانان از دلان‌های زیادی عبور می‌کند. در متنی که در ادامه می‌آید، صحبت با او از بررسی روند و رویکردهای مختلف نویسندگان در سه دهه اخیر شروع شد و پس از گذر از خاکی‌های جنگ با درود و مرگ بر سفارشی نویسی مزینانی پایان یافته است.

سه دهه ادبیات کودک و نوجوان با محمد کاظم مزینانی

نیاز بزرگسالان به ادبیات کودک، بیش از کودکان است

متناسب با رشد جسمی و روانی خود بخواند. این کودک، در سده جدید خورشیدی، در ایران با به عرصه وجود گذاشت و چندین دهه طول کشید تا بتواند به آسانی نفس بکشد، از نگاه عمودی عمودانه خلاصی یابد و خود، ادبیات متناسب با خویش را بیافریند و به کمال برساند.

شما پیش‌تر عنوان کردید که ادبیات کودک دهه هفتاد حرفه‌ای‌تر از دهه شصت است، اما خلایق دهه ۶۰ در آثار این دهه وجود ندارند. چرا؟ دلیل نبود این خلایق چیست؟

تنها چیزی که در آن سالیان، مهم و پررنگ، یا به تعبیری، حیاتی نبود، چگونه سخن گفتن بود. مهم، بیان کردن و به تصویر کشیدن حرف‌های درونی بود، نه چگونه این کار را انجام دادن. یک ساختار حکومتی متصلب و ناکارآمد فرو ریخته بود و نویسندگان و شاعران، می‌خواستند هر چه زودتر ارزش‌ها و هنجارهای جدید بیافرینند. هر چند درنمایه آثار تازه،

صرفاً سیاسی نبود، اما بیشتر آنها از این شکست و گسست بزرگ، مایه و پایه می‌گرفتند. در این حال و هوا، نگاه ساختارمند و فرم‌گرا، به شوخی بیشتر شباهت داشت. به همین خاطر، بیشتر آثار آن دوران، مضمون‌گرایانه‌اند و نه ساختارمندانه، چرا که خلایق و بداعت، ارزش و هنجار اصلی بود، نه بیان تکنیکی. به بیان دیگر، شیوه‌های بیانی اهمیت چندانی نداشتند، بلکه بیان صریح و صمیمانه مهم بود. در سالیان میانی دهه هفتاد بود که تکنیک و شیوه‌های جدید بیانی، به ویژه در حوز داستان نویسی، مورد توجه قرار گرفت. آشنایی با ساختارهای مدرن داستان نویسی و تجربه زندگی معاصر در جهان کوچک شده، نویسندگان را واداشت که برای بیان حرف‌های خود، از شیوه‌های جدید بهره ببرند. متأسفانه مادر این زمینه با دو پدیده غم‌انگیز روبه رو هستیم. یکی این که نگاه و بنیان تفکر بسیاری از نویسندگان همچنان سنتی است و به همین جهت، گسست، تناقض و دوگانگی شکرگی بین درونمایه و ساختار آثارشان به چشم می‌خورد. این دوگانگی، به ویژه در حوزه ادبیات دفاع مقدس، به شدت خود را به نمایش می‌گذارد. آیا برای بیان موضوعاتی و حیاتی و تقدس‌آمیز، می‌توان از ساختاری بهره برد که برای به تصویر کشیدن دغدغه‌های انسان متفرد و تک‌ساختی مدرن، به وجود آمده است؟

پدیده دوم، اصالت یافتن فرم و ساختار است در برابر بداعت و تازگی و خلاقیت. اکنون این شیوه‌های بیانی است که جای مضمون‌های بکر و تصویرسازی‌های بدیع و احساسات ناب انسانی را گرفته است. حتی می‌توان گفت که فرم از معنی تهی شده و ساختار دیگر اجازه نمی‌دهد که نگاه ناب و بدیع انسانی، پر و بال بگشاید. در عرصه شعر کودک، قالب چنان عرصه را به شاعر تنگ ساخته که مجال نفس کشیدن نمی‌یابد، چه رسد به شکستن قالب و فراروی از آن! در این حالت، شاعر راهی ندارد جز این که بی در پی خود را تکرار کند. در عرصه ادبیات، برخلاف زندگی، هیچ چیز غم‌انگیزتر از تکرار خود نیست.

برخی می‌گویند در سال‌های اول جنگ ادبیات کودک به شعارها و دادن پیام‌های زیاد نزدیک شد آیا این موضوع را می‌پذیرید؟ اگر پاسخ شما مثبت است این شعارها همواره در ادبیات کودک ایران ادامه پیدا کرده است، دلیل آن چیست؟

ادامه در صفحه ۱۹



طرف دیگر، این گروه، از فرهنگ پدرسالارانه بیزارند و نمی‌خواهند نگاه عمودی به کودکان داشته باشند. عمده تلاش‌شان این است که خود را هم‌قد و هم‌عرض کودکان سازند و از نگاه آنها به دنیا نگاه کنند. هدف غایی کار ادبی از منظر آنان، رسیدن به نگاه ناب کودکان است. در این راه، نمی‌خواهند یا نمی‌توانند، از زبان شسته رفته کتابی استفاده کنند؛ چیزی که به آن می‌گویند زبان معیار. از این روز زبان و ترکیب کلامی آثارشان، پر است از لغزش‌های دستوری و حتی وزنی. هر چند به مرور از این زبان شلخته، که من «سخت ناسخته» می‌نامم، به زبان شکسته‌بست تهرانی رسیدند که با گسترش و سایل ارتباط جمعی، خوشبختانه یا متأسفانه، دارد تبدیل می‌شود به زبان معیار تمام مملکت!

این است دسته‌بندی ادبیات کودک پس از انقلاب، اما مبدا نکته‌ای در این میانه مغفول بماند. متأسفانه در این طبقه‌بندی، جای‌نسل جدید خالی است. نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان، اکنون در سنین ۴۰ تا ۵۵ سالگی قرار دارند. از سوی دیگر، موج تحولات نسلی و عصری، می‌رود که بسیاری از ساختارها و بنیان‌ها را جابه‌جا کند و هنوز و همچنان، شاعران و نویسندگان نسل جدید، سر بر نیاورده‌اند. مسلمان نسل جدید، شاعران و نویسندگان خود را می‌خواهد. اما تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. چرا؟ آیا ما با فروپاشی و انهدام پدیده‌ای به نام ادبیات کودک مواجه‌ایم؟ آیا نسل جدید، دیگر نیازی به ادبیات خاص خود ندارد؟ آیا اینترنت، ماهواره و موبایل و خیلی چیزهای دیگر، جایی برای شعر و داستان کودکان باقی می‌گذارد؟

به نظر شما پیش از انقلاب ادبیات کودک وجود نداشت یا هیچ‌گاه جدی گرفته نشد؟

ادبیات کودک همیشه وجود داشته، حتی در هفت قرن پیش. با این تفاوت که کودکان قرن هشتم، کاملاً شبیه پدرانشان می‌زیستند و از آسب‌خورهای فکری و روحی آنها می‌نوشیدند و نیاز چندانی به ادبیات خاص خود نداشتند. ادبیات کودک، به مفهوم امروزین، هنگامی پدید آمد که تحولات نسلی و عصری در حوزه‌های گوناگون، شدت گرفت و مفهوم کودک تغییر یافت. ما نوعی کودکانگی را به روشنی در آثار کسانی چون مولوی می‌توانیم ببینیم. اما کودکی که مایه ازای آن عبارت باشد از خود کودک، پس از تحولات رنسانس، روی کره زمین پا گذاشت. چنین کودکی حق داشت و نه تکلیف، که کودکی کند و شعرها و داستان‌های

آلودگی‌هایش دوست دارند و در شعر و داستان‌های خود، طبیعت شهری را به نمایش می‌گذارند. البته ارزش‌های زیباشناختی شعرها و داستان‌های هیچ‌یک از این دو گروه را نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا به هر حال، هر یک خاستگاه طبقاتی خود را به تصویر می‌کشند. یکی به فرهنگ کشاورزی و خورشید و زمین و آب و فصول چهارگانه... و تعلق خاطر نشان می‌دهد و دیگری برای خیابان و اتوبوس و کلاخ-که پرنده‌ای است کاملاً شهری و در روستاها محبوبیت چندانی ندارد- شعر می‌سراید و داستان می‌نویسد.

اگر بخواهیم ادبیات کودک پس از انقلاب رابطه‌بندی کنیم، این طبقه‌بندی از نظر شما چگونه خواهد بود؟ می‌توان ادبیات کودک پیش و بعد از انقلاب را این گونه طبقه‌بندی کرد: دسته نخست، نویسندگانی اند که در حوزه فرهنگ سنتی قرار دارند و نگاهشان به کودکان، عمودی است. آنان به شکل مستقیم، پیام‌های خود را انتقال می‌دهند و پند و اندرز و بن‌مایه‌های اخلاقی، ویژگی اصلی آثارشان به شمار می‌رود. عباس یمینی شریف و جبار باغچه‌بان از چهره‌های شاخص این گروه به شمار می‌روند.

دسته دوم، کسانی اند که از نظر تحولات نسلی و عصری، در میانه قرار داشته‌اند. از یک سو، تحت تأثیر گفتمان سنتی بوده‌اند و از سوی دیگر، در معرض تحولات عصری و نسلی، بسیاری از این افراد، پیش از وقوع انقلاب، از روستاها و شهرستان‌ها به پایتخت کوچ کرده، در نظام آموزشی جدید به تحصیل پرداخته و با مقتضیات زندگی شهری آشنا شده‌اند. آثار این شاعران و نویسندگان، بیشتر رمانتیک است و حال و هوای روستایی دارد. اما به سبب آشنایی با زندگی شهری، زبان و ساختار شعرها و داستان‌هایشان، امروری‌تر است و تازه‌تر چرا که برخلاف دسته اول، با زبان فخیم و آرکاییک کاری ندارند و تلاش می‌کنند با زبان شهری حرف بزنند؛ البته بسیار شسته رفته لفظ‌قلم و رسمی.

دسته سوم، کسانی اند که هنوز از دوران نوجوانی خود چندان دور نشده‌اند و در سنین بیست تا بیست و پنج سالگی قرار دارند. اینان بیشتر شهرستانی‌اند و تازه به پایتخت پا گذاشته‌اند. در دانشگاه تحصیل می‌کنند و حاصل جابجایی‌های جمعیتی پیش از انقلاب نیستند. تلاش آنها این است که در بستر زندگی شهری و حتی ابرشهری مثل تهران، شعر بگویند و داستان بنویسند. از

ارزیابی شما از وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های پس از انقلاب چیست؟

پس از وقوع انقلاب، دگرگونی‌های بسیاری در حوزه ادبیات رخ داد. عامل اصلی این دگرگونی را می‌توان در اندیشه و مرام «بازگشت به خویش» جست و جو کرد. پیش از انقلاب، نگاه‌ها بیشتر به بیرون از مرزها دوخته شده بود و فرهنگ ترجمه بر ادبیات غلبه داشت. شگفت این که قشر روشنفکر، خود نیز از طریق کتاب‌های ترجمه شده و ارتباط با دنیای خارج، با «پارادایم» انقلاب و اندیشه بازگشت به خویش، آشنا شده بود. سال‌های میانی دهه پنجاه، این موج شدت گرفت که نشانه‌هایش را می‌توان به ویژه در حوزه شعر، داستان و سینما مشاهده کرد. ردپای این نگرش در ادبیات کودک، به عنوان مثال در آثار محمود کیانوش به خوبی هویداست. پیش از انقلاب، نظام حاکم بر ایران، خود به شدت تحت تأثیر تحولات اجتماعی قرار داشت و تا اندازه‌ای سعی می‌کرد خود را با این تحولات دمساز کند، اما ساختار پدرگرایانه و دستگاه بوروکراسی چنین اجازه‌ای نمی‌داد تا این که سرانجام در مقابله با امواج انقلاب، ناکارآمدی خود را به نمایش گذاشت و فرو ریخت. اکنون طبقه‌ای اجتماعی در ایران به وجود آمده بود، متشکل از میلیون‌ها کودک و نوجوان و جوان؛ نسلی که خواسته‌ها، تمایلات و آرزوهایشان با والدینشان تفاوت داشت؛ نسلی که می‌توانست مجله و روزنامه و کتاب بخواند، تلویزیون ببیند و تاپسین مقاطع تحصیلی، از تحصیلات رایگان برخوردار شود. بخش بزرگی از همین جمعیت بود که به گفتمان انقلابی پاسخ مثبت داد و در خیابان‌ها به نفی نظام شاهنشاهی پرداخت. در سال‌های پایانی دهه پنجاه، ما با کودکان و نوجوانانی روبه‌رو می‌شدیم که برخلاف پدر و پدربزرگ‌های خود، از فرهنگ مسلط، روی بر تافتند و کوشیدند خود را با تحولات عصر سازگار کنند. آنها دیگر حاضر نبودند مثل پدر خود، لباس بپوشند، پول در بیاورند و مثل آنها، به تصدیق کلاس شش، راضی شوند. این نسل، ادبیات و اخلاقیات خاص خود، پزشک خاص و تفریحات متناسب با روحیات خود را طلب می‌کرد. این تحولات، با وقوع انقلاب نیز متوقف نشد و همچنان ادامه یافت. افراد بسیاری از نسل جوان، به جبهه‌های جنگ شتافتند و در عرصه‌های گوناگون به نقش آفرینی پرداختند. نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان نیز، با همین موج به عرصه ادبیات پرتاب شدند. می‌توان تحولات نسلی را در آثار نویسندگان و شاعران کودک به روشنی مشاهده کرد و حتی از این منظر، به چرایی تفاوت‌های زبانی و مضمونی در آثار آنان پی برد. چه کسی می‌تواند این تفاوت‌ها را مثلاً در شعر مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز، نادیده بگیرد؟ شعر هر دوی آنها، از تحولات یادشده، پایه و مایه گرفته‌اند؛ البته میزان این تأثیرگذاری در میان نویسندگان و شاعران کودک، بسیار متفاوت است. آثار نویسندگان بالای سی سال، مشحون است از نمادها و نشانه‌های سنتی و حال و هوای آثارشان، بیشتر روستایی است و به شدت نوستالژیک. آنان در شعرها و داستان‌های خود، بیشتر به پند و اندرز و پاینده‌های اخلاقی روی خوش نشان می‌دهند و شأن آموزشی برای کارهای خود قائل‌اند. در حالی که نویسندگان جوان‌تر، که تازه نوجوانی را پشت سر گذاشته‌اند، به شعر ناب بیشتر اعتقاد دارند و در آثار خود، بیشتر به کودکان شهری می‌پردازند. آنان پایتخت را با تمام



سهاب محبعلی

بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حالی در ۱۹ بهمن ماه در تالار وحدت به کار خود پایان خواهد داد که به روال هر جشنواره و جایزه دیگری، عده‌ای در این رقابت برگزیده و تقدیر می‌شوند و عده‌ای نیز تنها از فرصت بررسی آثار توسط کارشناسان زنده حوزه تخصصی‌شان بهره می‌برند. داوری بخش‌های مختلف جایزه کتاب سال، از شهریورماه آغاز می‌شود و در مرحله اول، تعداد زیادی از آثار که واجد ارزش‌ها و ملاک‌های داوری این جایزه نیستند، از دور رقابت حذف می‌شوند. در فاصله سه ماهه داوری مرحله نخست، طبیعی است که داوران با دقت نظر و حوصله کافی، به ارزشیابی دقیق کتاب‌های منتشر شده در کشور پرداخته و چند اثر را راهی مرحله دوم داوری‌ها کنند. در مرحله دوم داوری، که باید براساس آیین‌نامه این جایزه تا پایان فصل پاییز تمام شده باشد، آثاری که شرایط رقابت را در این مرحله دارا هستند، انتخاب می‌شوند تا داوران بار دیگر، از جنبه‌های مختلف کتاب را بررسی کنند. بررسی بیش از هجده هزار کتاب منتشر شده چاپ اول در کشور، برای بررسی و ارزیابی شرایط نشر کشور، از نظر کیفیت و محتوای اثر فرصتی طلایی را به کارشناسان این حوزه‌ها می‌دهد تا بتوانند از این کتاب‌ها به عنوان منبعی برای ارتقای سطح دانش در سراسر کشور استفاده کنند. دبیر علمی جایزه کتاب سال در این باره می‌گوید: «داوری صد درصد آثار منتشر شده در کشور، امری نشدنی است؛ ولی با توجه به روند صعودی داوری در جایزه کتاب فصل، می‌توانیم اعلام کنیم که کتاب ارزشمندی از گردونه داوری‌ها، بازمانده است که یکی از دلایل آن، احاطه کامل داوران در رشته‌های تخصصی خود است.» در این شماره با چند تن از داوران این دوره و دوره پیش، به گفت‌وگو نشستیم تا نظرشان را درباره جایزه کتاب سال، تاثیر آن بر ارتقای سطح فرهنگی جامعه، اهمیت داوری‌ها و میزان سطح کیفی آثار مرتبط با حوزه‌های تخصصی آنان، جویا شویم.

گفت و گو با داوران بخش‌های مختلف جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

داوری بدون نگاه به نام نویسنده

حسین فتاحی:

سطح آثار تالیفی کتاب‌های کودک افزایش داشته است

را کنار می‌گذاریم و هیچ معیاری را براساس ارزشمندی و حسن شهرت نویسنده برای داوری‌ها لحاظ نمی‌کنیم. مهم‌ترین راهکار شما برای افزایش تاثیر جایزه کتاب سال در ارتقای سطح ادبی کشور چیست و آیا اصولاً قائل به این تاثیرگذاری هستید؟ نویسنده اثری را می‌آفریند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هزینه می‌کند تا این آثار بررسی شوند که تا اینجا قدم بزرگی به شمار می‌آید اما این کاری نیمه‌تمام است باید کامل شود. این یعنی ما تا مرحله میوه چینی پیش رفته‌ایم و نیاز داریم تا این میوه را به مصرف برسانیم که این بخش، دچار ضعف و مشکل است.

باید با استفاده از رسانه‌ها و دیگر وسایل ارتباط جمعی پس از معرفی جایزه کتاب سال، آن را در سراسر ایران معرفی کنیم. این که اثری را پس از برگزیده شدن رها کنیم، اتفاق مبارکی نیست که در این سال‌ها رخ داده است. باید شرایطی را فراهم آوریم تا همه مخاطبان بتوانند از این فرصت استفاده کنند و با کتاب برگزیده و برتر آشنا شوند.

شما به عنوان یکی از داوران بخش داستان کودک و نوجوان در حوزه تالیف، وضعیت این حوزه را در آثار این دوره، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در حوزه تالیف شاهد انتشار آثار قابل توجهی بودیم و دوره مطلوبی را پشت سر گذاشتیم. در واقع باید گفت که مشکل چند سال اخیر ادبیات داستانی کودک ما، سطح پایین آثار منتشر شده و البته تعداد پایین آن به شمار می‌آید؛ به این معنی که شرایط بالقوه‌ای در این حوزه وجود داشت که فعال نمی‌شد و از آن بهره کافی به دست نمی‌آمد؛ ولی در سال‌های اخیر و مخصوصاً دوره بیست و هفتم کتاب سال، این شرایط بهتر از گذشته شده و در مرحله نهایی، با چند اثر که از نظر کمی و کیفی در سطح و اندازه‌های بالایی‌اند، روبه‌رویم. در داوری آثار نام و سابقه نویسنده چقدر بر روند قضاوت و امتیازدهی داوران تاثیر داشته؟

در داوری جایزه کتاب سال، به هیچ وجه به نام نویسنده توجه نداشته‌ایم. بلکه این خود اثر است که محور داوری‌ها و بررسی‌های ما در مراحل مختلف قرار گرفته است. در واقع باید گفت تمامی سوابق ارزشمند یا ضعیف نویسنده

احمد شاکری:

جایزه کتاب سال باید جریان‌سازی ادبی کند

از نظر شما در آسیب‌شناسی جایزه کتاب سال چه مسأله‌ای باید مورد نظر قرار گیرد؟

جوایز معمولاً ماهیت خود را روشن می‌کنند و برخی جوایز به لحاظ هدفی که دارند، جزو جایزه‌های باسابقه به شمار می‌آیند؛ اما نبود رویه ثابت در برخی جوایز موجب شده تا شناسنامه کافی نداشته باشند، که البته تنها به جوایز ادبی اختصاص ندارد.

این مسأله به بحث شکلی جایزه کتاب سال بازمی‌گردد. اما مشکل ماهوی مادر در حوزه ادبیات داستانی چیست؟

مادر بخش ادبیات داستانی نظریه پردازی نکرده‌ایم. اگر دولت در کنار جایزه کتاب سال به تاسیس کرسی‌های نظریه پردازی نیز اقدام کند به این جایزه شأن بیشتری داده است و موجب افزایش سطح کیفی آن خواهد شد.

مهم‌ترین تاثیر جایزه کتاب سال از نظر شما چیست؟ در حوزه داستان، چون داستان نتیجه تجربه مستقیم نویسنده در زندگی است، اگر جریان‌سازی مناسب از سوی جشنواره‌های ادبی صورت نگیرد، نتیجه‌ای هم نخواهد داشت. مهم‌ترین تاثیر جایزه کتاب سال می‌تواند جریان‌سازی ادبی باشد و افزایش سطح تئوریک ادبیات داستانی چون نویسندگان حرفه‌ای براساس دریافت جایزه، کتابشان را منتشر نمی‌کنند و داستانی رانمی‌نگارند، چون این نوشتن مربوط به سلوک شخصی نویسنده می‌شود که آن را با هیچ جایزه‌ای نمی‌توان ارزیابی کرد. تاثیری که جریان‌سازی‌های ادبی با جایزه‌هایی چون کتاب سال دارند، موجب می‌شود نویسنده به این نتیجه برسد که حیات معنوی خود را آغاز کند.

حسین اسرافیلی مطرح کرد:

رونق جریان شعر در کشور

برگزاری جایزه کتاب سال تا چه اندازه در عرصه جریان شعری کشور موثر بوده است؟ برگزاری جایزه کتاب سال تاثیر شگرفی در عرصه کیفی جریان شعری کشور داشته و آن را رونق داده است. یعنی به لحاظ ماهوی، اقدامی ارزشمند و ارجمند است که همه آثار شعری منتشر شده در کشور، بررسی و اثر برگزیده معرفی شود اما به نظر من تاثیر آن در یک کلام است؛ رونق جریان شعری کشور. از سوی دیگر، اثری که توسط داوران پس از بررسی‌های لازم داوری شده است، مورد توجه جریان‌های شعری کشور قرار گرفته و مخاطبان بسیاری را به سمت خود جلب می‌کند و به عنوان الگویی در سراسر کشور معرفی می‌شود.

آیا برگزاری جایزه کتاب سال به خود شاعران نیز کمکی می‌کند؟

تقدیر و قدردانی از اهل قلم باید انجام شود، البته این در برابر توجهی که مثلاً به حوزه ورزش می‌شود، بسیار اندک و ناچیز است. توجه به ورزش مثال خوبی است. ورزش عمر کوتاهی دارد اما در حوزه‌های فرهنگی تاثیر آثار جاودانه‌اند و در جامعه‌ای که به شعر اهمیت می‌دهد و به دیوان شعر حافظ و سعدی تعلق می‌زند و آثار ادبی را به عنوان برگزیده معرفی می‌کند، شاعر احساس امنیت کرده و با توجه به خرید بخشی از آثارش توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هم به جامعه معرفی می‌شود، هم ناشر و مولف سود می‌برند.

در این دوره آثار حوزه شعر را چگونه دیدید؟

در این دوره، مخصوصاً در حوزه شعر جوانان، آثار مطلوب و خوبی را شاهد بودیم. هر چند در مرحله نهایی نام بسیاری از بزرگان وجود دارد اما این نتیجه کار جوانان را ضایع نخواهد کرد.

محمود حاج حکیمی:

نویسندگان برای برنده شدن در جایزه کتاب سال تلاش می‌کنند

به نظر شما جایزه کتاب سال تاثیر قابل توجهی در نویسندگان داشته است؟ از زمان بررسی آثار شاهد بوده‌ام که بسیاری از نویسندگان و شاعران همه تلاش خود را به کار برده‌اند که ضمن ارائه اثری خوب و قابل قبول، در رقابتی با دیگر نویسندگان حوزه تخصصی خود شرکت کنند و در سطح بالاتری نسبت به گذشته قرار گیرند. این تلاش موجب می‌شود که مخاطبان نیز برای یافتن و مطالعه این اثر تلاش کنند و همچنین نشان می‌دهد که برگزاری این جایزه تا اکنون که بیست و هفتمین دوره خود را پشت سر می‌گذارد، بسیار مفید، تاثیرگذار و مثبت بوده است.

مهم‌ترین انتقاد شما از نظر ساختار شکلی به جایزه کتاب سال چیست؟

مسأله‌ای که در این چند دوره با آن مواجه بوده‌ایم و به نظر بسیاری از نویسندگان و داوران نیز رسیده است عدم آگاهی برخی از اهالی قلم از چنین

علی اوجبی، داور بخش فلسفه و دبیر علمی جایزه کتاب سال:

در داوری‌ها، تنها اثر مورد توجه است

در داوری جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، داوران تنها به محتوا و کیفیت آثار منتشر شده براساس ملاک‌ها و معیارهای مشخص می‌پردازند و نظرات شخصی و شهرت و نام پدیدآورنده اثر را در داوری‌های خود لحاظ نمی‌کنند.

آیا دبیری علمی توأمان جایزه‌های کتاب سال، فصل و جلال را صحیح می‌دانید و آیا باید فقط یک نفر کار هماهنگی داوران و نظارت را انجام دهد؟

معتقدم برای دبیری هر یک از این جایزه‌ها یک شخص مستقل نیاز است. چون دبیری جایزه کتاب سال امری مهم است که دبیر باید تمام وقت خود را صرف آن کرده و به کار دیگری مشغول نباشد. در غیر این صورت ممکن است بر داوری‌ها و نظارت بر آن تاثیر منفی داشته باشد.

آیا آیین‌نامه داوری کتاب سال را کامل می‌دانید؟ اگر این گونه نیست، برنامه‌ای برای تغییر آن دارید؟

بله، طبیعی است که پس از بیست و هفت دوره، تمام بخش‌های آیین‌نامه نیاز به تغییر دارند که در این دوره نیز قرار است با حضور ۲۵۰ داور بخش‌های مختلف، بررسی این آیین‌نامه را انجام و در دیداری مشترک با وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، آن را ارائه دهیم.

آیا داوری نود درصد آثار منتشر شده در کشور، ملاک‌های داوری‌ها را نیز افزایش داده است؟ در این چند دوره، ملاک‌های داوری سختگیرانه‌تر از دوره‌های گذشته بوده‌اند و در هر دوره نیز تلاش کرده‌ایم تا با آسیب‌شناسی این جایزه، به بهبود برگزاری جایزه کتاب فصل، یاری رسانیم.

مراسمی است که باید بیش از گذشته در این زمینه اطلاع‌رسانی شود تا نتیجه بهتری را از برگزاری این جایزه شاهد باشیم.

در کنار این انتقاد باید به اتفاق مهمی نیز اشاره کنیم که تاثیر بسیار زیادی در داوری جایزه کتاب سال گذاشته است و آن برگزاری جایزه کتاب فصل است.

در حوزه ادبیات دینی وضعیت آثار این دوره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، آثار بسیار خوبی در این حوزه عرضه شده‌اند که نشان از تحقیق و تلاش در این عرصه دارد؛ اما در برخی از آثار دینی، چه در زمینه ادبیات بزرگسال و چه کودک و نوجوان، می‌بینیم که برخی از نویسندگان هنگام نوشتن داستان، به مسائل تاریخی اهمیت نمی‌دهند. وقتی نویسنده‌ای درباره حدیثی داستانی را می‌نگارد، باید حدیث شناسی را نیز به خوبی بشناسد.

چیستا یثربی:

کتاب سال، تلنگری به همه نویسندگان است

به عنوان نویسنده‌ای که اثرات آن در مرحله دوم داوری‌ها در رشته نمایشنامه حضور دارد، مهم‌ترین تاثیر جایزه کتاب سال را در چه زمینه‌هایی می‌دانید؟

قطعاً برای این که نمایشنامه فرصت خواندن و داوری را پیدا کند، جایزه کتاب سال مهم‌ترین زمان است که در طول سال نصیب این عرصه هنری و ادبی می‌شود. چون نمایشنامه‌ها به شکل طبیعی در کشور ما کمتر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند و همین که یک نمایشنامه این فرصت را دارد تا در حوزه داوری قرار بگیرد، برای اهالی نمایش ما و ادبیات نمایشی گران بها باشد. وقتی عده‌ای کارشناس و متخصص حوزه ادبیات نمایشی، اثری را مورد مطالعه قرار می‌دهند، در روند آگاه‌سازی مردم و علاقه‌مندان تاثیر بیشتری بسزا دارد و بسیار مفید است.

در حوزه نمایش در سال جاری وضعیت آثار منتشر شده را چگونه بررسی می‌کنید؟

به اعتقاد من کشوری از نظر فرهنگی غنی تر خواهد بود که نمایشنامه‌هایش قوی تر و قدرتمندتر باشند. متأسفانه در چند سال اخیر کمتر به موضوع نمایشنامه به عنوان یک ژانر مستقل ادبی پرداخته شده و کمتر زمینه بررسی آن به وجود آمده است و برگزاری جایزه کتاب سال و داوری همه نمایشنامه‌های منتشر شده، در سال زمینه آشنایی با روند نگارش در نمایشنامه را در کشور فراهم می‌سازد. باید گفت برگزاری جایزه کتاب سال زمان مناسبی است تا با بررسی آثاری که در این حوزه منتشر شده‌اند، به میزان کیفیت و تکنیک نمایشنامه‌نویسان کشور پی ببریم.

به جریان‌سازی جایزه کتاب سال معتقدید؟

معتقد به جریان‌سازی توسط هیچ جایزه‌ای نیستم. اما این نکته به این معنا نیست که هیچ اتفاقی در حوزه‌های مختلف به واسطه برگزاری این جایزه رخ ندهد. جایزه کتاب سال در واقع یک خانه‌تکانی برای اهالی فرهنگ و قلم است و فرصتی مطلوب برای یک بازنگری درباره اثر هر حوزه. این بازنگری و موشکافی دوباره قدرت نقادپذیری را در کشور بالاتر برده و فرصتی را فراهم آورده تا همه نویسندگان بتوانند درباره سبک و تکنیک‌های حوزه‌های خود گفت و گو کنند.

رسول جعفریان:

در علوم انسانی تکلیف ما روشن نیست

می‌آورند و دیگر نویسندگان را نیز تشویق به کوشش بیشتر می‌کنند.

اما در حوزه‌های علمی پیشرفت زیاد محسوس نیست و این طبیعی است که تاثیرگذاری این گونه جایزه‌ها نیاز به زمان بیشتری از چند سال خواهد داشت تا بتواند به هدف فرهنگ‌سازی خود نزدیک شود.

در رشته‌های علوم انسانی و تاریخ که شما در آنها تخصص دارید، تاثیرگذاری جایزه کتاب سال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در علوم انسانی تکلیف ما نامشخص است و البته سراسر جهان چنین وضعیتی دارد. طبیعی است که ما فرهنگ مستقلی داریم و می‌خواهیم این فرهنگ در همه زمینه‌ها بتواند تاثیرگذار نیز باشد، بنابراین نباید دچار افراط و تفریط در حوزه‌هایی چون علوم انسانی شویم.

برای جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایگاه جریان‌سازی قائل هستید؟

پس از برگزیده شدن کتاب من در جایزه جلال و

به اعتقاد شما به عنوان برگزیده بخش جنبی جایزه جلال که برگزیده جایزه کتاب سال این دوره نیز محسوب می‌شوید، جایزه کتاب سال تا چه اندازه توانسته در حوزه‌های مختلف تاثیرگذار باشد؟

در تمام دنیا این بحث وجود دارد که جایزه‌های مختلف، با معرفی آثار برتر زمینه تشویق و دلگرمی نویسندگان را فراهم می‌آورند و این امری پذیرفته شده در همه عرصه‌هاست. این اتفاق‌ها و جوایز، در واقع کمکی بزرگ به پیشرفت علم هستند و برگزاری آنها به رونق فضای علمی کشور خواهد انجامید.

البته برخی جوایز به شکل تخصصی در حوزه‌هایی خاص برگزار می‌شوند و این فرصت را به افراد مختلف جامعه می‌دهند که بتوانند در زمینه تخصصی خود به کار بیشتر بپردازند و انگیزه مضاعفی را ایجاد کنند.

طبیعی است که این جایزه و هر جایزه دیگر، تاثیر خاص خود را در دلگرمی و ترغیب آثار برگزیده و نویسندگان برای فعالیت و تلاش بیشتر به وجود

محمد بهشتی:

جایزه کتاب سال انگیزه ایجاد می‌کند

به اعتقاد شما اصولاً برگزاری سالیانه جایزه کتاب سال تاثیری در جامعه فرهنگی کشور داشته است؟

در هر صورت این جایزه خود موضوعی ارزشمند است. انسان به گونه‌ای خلق شده که از نظر روحی و روانی و در هر سنی می‌تواند با تشویق و ترغیب و با اهدای چنین جوایزی تاثیرپذیر باشد.

در واقع این جایزه به هر کسی که داده می‌شود می‌تواند افتخاری را نصیب وی کند و طبیعی است وقتی شخص می‌بیند تلاشی که کرده نتیجه داده و دیده شده، با همت و قوت بیشتری از پیش تلاش می‌کند.

کشمو ما، جامعه‌ای است که با رقابت در آن سبب می‌شود تا فعالیت‌های فرهنگی بهتر از قبل به حرکت‌شان ادامه دهند و اهدای جایزه کتاب سال می‌تواند عنوان رقابتی نیز به خود بگیرد و این در نویسنده اثری که بررسی می‌شود نیز تاثیر مضاعفی دارد.

فکر می‌کنید جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی می‌تواند به جریان‌سازی فرهنگی نیز کمک کند؟

وقتی گروهی نویسنده ببیند که پژوهش و تحقیق و تلاش‌شان در طول سال یا سال‌ها به نتیجه رسیده و موفق شده‌اند تا به هدفشان برسند و این همت و تلاش می‌تواند مورد تقدیر و تشویق قرار گیرد، طبیعی است که می‌تواند به جریانی تبدیل شود تا همه نویسندگان به امید این به ثمر نشستن، فعالیت‌های

خود را در عرصه‌های مختلف بیشتر کنند.

ایجاد انگیزه در مجموعه مطالعاتی کشور، به ایجاد نهضت نرم‌افزاری نیز کمک بسیار خواهد کرد.

برای بهتر برگزار شدن جایزه کتاب سال چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟
اصل برگزاری جایزه کتاب سال به خودی خود اتفاقی مبارک است. بالاخره همین که فرصت معرفی چندین نفر از اهالی قلم و فرهنگ کشور فراهم می‌شود، رویدادی بزرگ در عرصه فرهنگ کشور به شمار می‌آید؛ اما باید زمینه‌ای را ایجاد کرد تا علاقه‌مندان به هر حوزه‌ای بتوانند از فرصت بهره‌مندی این آثار نهایت استفاده را ببرند.

یعنی کتابشان را در سطح گسترده در اختیار دستاران کتاب قرار داد. از سوی دیگر علاوه بر اثر باید به معرفی نویسنده نیز همت‌گذار تا محرکی برای ادامه فعالیت‌های بعدی وی باشد. رسانه‌ها نیز باید به این آثار نهایت توجه را داشته باشند و در معرفی کتاب‌های برگزیده جایزه کتاب سال از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

گفته‌های دکتر محسن پرویز درباره انتخاب کتاب برگزیده می‌تواند نشان دهد که این اهالی قلم در تشخیص تاثیرگذاری جایزه کتاب سال چندان به بیراه نرفته‌اند و درست اندیشیده‌اند.

دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در آستانه برگزاری مراسم اختتامیه جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، با تاکید دوباره بر امتیازدهی به محتوای اثر گفت که در همه حوزه‌های جایزه کتاب سال، ملاک ارزش‌گذاری، محتوای اثر و متن کتاب است و طبیعی است که به شخصیت افراد جایزه داده نمی‌شود.

نیاز بزرگسالان به ادبیات کودک، بیش از خود کودکان است

ادامه از صفحه ۱۷

این درست که ادبیات کودک در آن سال‌ها به فضا‌های اشاره شده نزدیک شد، اما این پاسخی بود به یک تحول اجتماعی بسیار عمیق که در نتیجه جنگ، رخ داده بود. از این گذشته، حتی شعرها و داستان‌هایی که به شعر دادن و ارائه پیام‌های مستقیم می‌پرداختند، از نظر مضمون و محتوا تازگی داشتند. چرا که تاکنون ادبیات کودک در شرایط جنگی قرار نگرفته بود. نکته ظریف در این میان این است که نویسنده و شاعر کودک، در آن شرایط به دنبال این نبود که نوجوانان را برای رفتن به جبهه جنگ تهییج و تحریک کند. مقصود این بود که مخاطبان، با جنبه‌های انسانی ایثار و شهادت و مفهوم دفاع ملی و سرزمینی آشنا شوند. این کمترین، یا به تعبیری، بزرگ‌ترین توفعی است که می‌توان در این شرایط از ادبیات کودک و نوجوان داشت.

شما معتقدید ادبیات کودک بارها به ورطه تکرار افتاده است، چرا اینگونه شد؟

کدام نویسنده و شاعری را سراغ دارید که در بازه زمانی سی ساله، به ورطه تکرار نیفتاده باشد؟ ویژگی‌های بیولوژیک و روانی انسان، به او اجازه نمی‌دهد که سالیان سال در اوچ بماند. هر انسان، ناگزیر پیر می‌شود،

سلول‌های انسانی فرسوده می‌شوند. انرژی روحی و روانی آدمی تجدیدنظیر است و خواه ناخواه، روزی فروکش می‌کند. اما با بالا رفتن سن، نوعی عقلانیت و منطق‌گرایی، به مرور، جایگزین حس‌های ناب و دریافت‌های خالص و کشف و شهودهای بدیع می‌شود. شاید به همین دلیل است که زیباترین داستان‌ها و رمان‌ها، در دهه چهل یا پنجاه عمر نویسندگان، خلق شده‌اند. فارغ از این نکته‌ها، پدیده تکرار در ادبیات کودک، دلایل دیگری هم دارد. از جمله می‌توان به معیشت نویسندگان اشاره داشت. یک نویسنده و شاعر کودک و نوجوان، از قدرت تکثیر بالا برخوردار است و به خاطر حجم کم آثار کودکانه، می‌تواند در طول سال، ده‌ها کتاب تولید کند. از سوی دیگر، به دلیل جوان بودن جمعیت کشور و حجم انبوه مخاطبان، کتاب‌های کودکان از تیراژ مناسبی - در مقایسه با آثار بزرگسالانه - برخوردارند.

این دو عامل، به اضافه برخی سیاست‌های فرهنگی خاص، مبتنی بر انتشار آثار سفارشی، از جمله دلایل ظهور پدیده تکرار در عرصه ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌روند. البته به تمام این‌ها، وضعیت نامتعادل اقتصادی را نیز می‌توانید اضافه کنید.

از شما به عنوان نویسنده و شاعری که در جریان

ادبیات نوجوان امروز جایگاه مطلوبی یافته و موفق بوده یاد می‌شود. به نظر شما ادبیات نوجوانان چه ویژگی‌های دارد که آن را با ادبیات بزرگسال یا کودک متفاوت می‌کند؟

کودکانگی و نوجوانانگی در وجود تمام انسان‌ها حضور دارد. خیلی‌ها به کنترل یا سرکوب این احساسات ناب می‌پردازند. برخی نیز به آن، مجال بروز می‌دهند تا در زندگی احساس خوشبختی کنند. نویسنده کودک و نوجوان، کسی است که این احساسات را روی کاغذ می‌آورد و متناسب با سن مخاطب، آنها را به اشتراک می‌گذارد؛ چرا؟ برای این که این حس‌ها و عواطف در وجود کودکان و نوجوانان نهادینه شود و متناسب با آن، شخصیت‌شان شکل بگیرد تا در سال‌های بزرگسالی، احساس بدبختی نکنند. احساسات و عواطف و لحظات و حالات یادشده، چیزی است که هیچ چیز دیگر نمی‌تواند جای آنها را پر کند. نه پول، نه شهرت و نه موفقیت‌های اجتماعی. از این منظر، ادبیات کودک و نوجوان، عبارت است از فن و هنر به اشتراک گذاشتن حس‌ها و عواطف کودکان و نوجوانان. البته صادقانه باید گفت که بزرگسالان، خود به مراتب

به این ادبیات بیشتر نیاز دارند. از این رو، به نظرم شعر و داستان‌ناب کودکان و نوجوانان باید تمامی گروه‌های سنی را هدف بگیرد و زیر پوشش قرار بدهد.

عده‌ای معتقدند که سفارشی‌نویسی آفت ادبیات کودک و نوجوان است و پس از انقلاب هم در برخی برهه‌ها ادبیات کودک به سمت این آفت کشیده شده. در این باره چه نظری دارید؟

بهترین آثار یک نویسنده، کتاب‌هایی‌اند که خود نویسنده به خود سفارش داده، نه کس دیگر. عجیب این که احتمال موفقیت نویسنده در تالیف کارهای سفارشی، بسیار پایین‌تر است و این رازی است که هیچ‌کس از آن سر در نمی‌آورد! با این حال، از آنجا که نویسنده نیز انسان است و خرج و مخارج زیادی دارد، کسی نباید او را به خاطر سفارشی‌نویسی سرزنش کند. اگر این کار باعث شود که چرخه زندگی یک نویسنده - البته واقعا نویسنده - هر چند کند و آرام، بچرخد تا شاید در پناه آرامش به وجود آمده، اثر دوست‌داشتنی خود را خلق کند، پس زنده باد سفارشی‌نویسی! اما اگر این کار به کسانی سپرده شود که از نوشتن چند خط نثر ساده به زبان مادری، عاجزند و تازه، کارهای دیگری نیز از آنها برمی‌آید، پس مرگ بر سفارشی‌نویسی!



یگانه وصالی

وقتی نخستین کتاب یودیت هرمان ۲۸ ساله، «خانه تابستانی باشد برای بعد» در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسید، منتقدان بسیاری به او لقب «دختر شگفتی آفرین» دادند، در حالی که او معتقد بود به هیچ وجه با او مثل یک شگفتی آفرین برخورد نشد. اما او از این لقب ناراضی هم نیست. حالا بعد از گذشت دوازده سال، او در مورد سومین اثر داستانی خود، «آلیس» می گوید که کتابی است مشتمل بر چند داستان کوتاه که از مرگ می گوید و نویسندگان در عصر اینترنت. او از چگونه نوشتنش گفته و اینکه چگونه با حوصله تمام، مدتی طولانی، به خلق یک اثر می پردازد. این گفت و گو حاصل مصاحبه داگمار گرزبرگ است که در نشریه «گوته» به چاپ رسیده است.

گفت و گو با یودیت هرمان

مرگ، زبان ندارد



در واقع به حس موسیقایی مورد نظرم برسم. خواندن و نوشتن هرگز جدایی پذیر نیستند. کلا هم از ضبط داستان هایم لذت می برم، حتی اگر بعد از ضبط تحمل آنچه خود خوانده ام را هم نداشته باشم!

از کتاب بعدی تان چه انتظاراتی دارید؟

هیچ انتظار خاصی ندارم. هنوز هیچ چیز راجع به کتاب بعدی ام نمی دانم و برنامه خاصی هم برای آن ندارم. گاهی با خودم فکر می کنم که احتمالا نوشتن اثر بعدی ام آسان تر است. اما بی شک این گونه نخواهد بود، بلکه به شیوه ای متفاوت از نوشتن «خانه تابستانی باشد برای بعد»، «هیچ چیز مگر ارواح» و حالا هم که «آلیس»، مشکل تر خواهد بود. به هر حال، اثر بعدی اهمیت خاص خود را خواهد داشت. خود من هم بی صبرانه در انتظار نخستین جرقه های موضوع آن هستم.

در مورد رسانه ها چطور؟ شما همیشه از جار و جنجال به دور بوده اید. آیا فکر نمی کنید که برای مطرح شدن در رسانه ها نیاز به حضور در آنها دارید؟ در واقع به نوعی به سوال اول برمی گردیم و از جار شما از مصاحبه کردن.

بله، البته برای مطرح شدن ناگزیر به مصاحبه و از این قبیل امور هستیم. اما از سوی دیگر، خودم را تا حدی سرزنش می کنم که چرا مصاحبه کردن را می پذیرم و به قولی خودم را در این فضای دشوار بین خواننده و کتاب قرار می دهم، در حالی که می دانم نباید تن به آن دهم.

در واقع، من خودم و متنم را با نوشتن بیان می کنم، اما با جواب دادن به سوال های مطرح شده در یک مصاحبه، افق دید مخاطبم را محدود می کنم. منظورم این است که خواننده با خوانشی که از متن دارد باید خود به جواب سوالات مطرح شده در ذهنش برسد و نیازی به مرزبندی من در یک مصاحبه غیر ضروری ندارد. در نتیجه احساس ناخوشایندی به من دست می دهد.

به نظر می آید که در این مورد کمی احساس تعذب و ناراحتی می کنید.

من با این احساس ناراضی غریبه نیستم؛ حداقل به عنوان یک خواننده. دو سال قبل خواندن آثاری از فاکتر را شروع کردم و حس کردم به فاکتر علاقه مند. بنابراین تصمیم گرفتم زندگینامه اش را هم بخوانم. اما هنوز هم که هنوز است نتوانسته ام آن را بخوانم. دیدن عکس او روی جلد، برای شناختش بسنده می کرد. شاید حتی پیش از حد کافی بود. دیدن عکس او برای من مثل دیدن فیلمی در مورد او بود، خیلی بهتر از خواندن زندگینامه اش. شاید این که فقط می خواهم در دنیای داستان غرق شوم را بتوان نوعی عذاب خودخواسته تلقی کرد که فقط باید خواند. اما من واقعا دوست دارم که بخوانم.

خوشحال می شوم اگر آن را این طور هم برداشت کنید. اما در مورد داستان ها باید بگویم که آنها تماما در مورد مرگ نیستند، بلکه اگر از زاویه ای دیگر به آنها نگاه کنید، در مورد زندگی و بقا هم هستند.

چرا؟ آیا به نظر شما در مورد مرگ نوشتن تابو است؟

نه، فکر نمی کنم بتوان نام آن را تابو گذاشت. اما آنچه که ما در «آلیس» با آن سروکار داریم مسأله مرگ نیست، به عقیده من، مرگ زبان ندارد که بتوان از آن داستانی ساخت. البته این، نظر شخصی من است. مردن موضوعی است سخت غریبه که نمی توان هر لحظه با آن ارتباط برقرار کرد. موضوعی که ما گاهی فکر می کنیم با نادیده گرفتنش، آن را انکار کرده ایم. همه ما بی میلی شدیدی نسبت به آن داریم و سعی می کنیم زیاد به آن فکر نکنیم، این طور نیست؟

دوست داشتیم کمی بیشتر در مورد آن توضیح دهید.

در واقع من از بعضی عکس العمل ها نسبت به کتابم کاملا متعجب شدم. اینکه بعضی افراد داستان های کتابم را به سادگی آزار دهنده و اضافی خوانده بودند و اینکه گفته بودند که می شد فقط سه داستان در مورد مرگ گذاشت و دو داستان در مورد موضوع های دیگر. در حالی که در نمایه داستان های من فقط مرگ نبوده اند، بلکه اشاره ای به زندگی و زنده ماندن داشتند. البته مرگ هم بخشی از آن بود. انگار که بخواهند مرگ را موضوعی ممنوعه جلوه دهند که نباید زیاد در مورد آن حرف زد. اما واقعا در «آلیس» این طور نیست. اصلا به اعتقاد من مرگ و زندگی در کنار هم معنا می یابند و اندیشیدن به یکی، مستلزم اندیشیدن به دیگری هم هست. تنها تفاوت آنها این است که زبان زندگی برای ما آشناست و ما هر روز با آن سرو کار داریم؛ همین.

درست است، اما موقع خواندن آن سوال دیگری هم پیش می آید و آن این است که چرا در داستان های شما اثری از مرگ زنان نیست؟

این همان سوالی است که بعد از اتمام کتاب، من هم از خودم پرسیدم! فکر هم می کردم که بالاخره این سوال را پرسید. اما در واقع پاسخی برای آن ندارم. گاهی اوقات من به شدت دیدگاهی یکجانبه نسبت به همه چیز پیدا می کنم. گاهی خیلی ضعیفم و گاهی خیلی قدرتمند. شاید برای رعایت توازن، باید به شخصیت های زن داستانم هم می پرداختم. شما اخیرا کتاب «آلیس» را با صدای خودتان ضبط کرده اید. می شود کمی هم درباره خوانش صوتی این اثر و این که چه احساسی را در شما برمی انگیزد، صحبت کنید؟

اینکه هنگام نوشتن، اثرات را با صدای بلند برای خودتان بخوانید، بسیار حائز اهمیت است. من معمولا نوشته هایم را چندین و چند بار برای خودم می خوانم تا به ریتم مورد نظرم و همین طور واژگان دلخواهم و

هر قدر هم بخواهم برای نوشتن و بیرون دادن آثارم شتاب به خرج دهم نمی شود، من ذاتا کند هستم. خودم هم عجله ای ندارم.

سعی می کنید در آثارتان بیشتر انتظارات خودتان را برآورده کنید یا انتظارات دیگران را؟

اگر هنگام نوشتن ببینم که دارم به برآورده شدن انتظارات دیگران فکر می کنم، فورادست از کار می کشم. برآورده شدن انتظارات دیگران نباید هیچ تاثیری بر کار شما به عنوان یک نویسنده داشته باشد. ولی از خودم بسیار متوقع ام. در حقیقت، انتظارات خودم از کارم خیلی ناخودآگاه در من ظهور پیدا می کند. شاید به این دلیل که من می دانم چه می خواهم بنویسم، بنابراین نباید در آن به بیراهه بروم. دانستن اینکه چه کاری می خواهی انجام بدهی، مهم ترین عنصر نوشتن است که از طرفی انتظارات را هم برآورده می کند.

کتاب سوم شما مجموعه ای داستانی به نام «آلیس» است که در آخرین ماه های سال ۲۰۰۹ روانه بازار نشر شد. چه شد که به فرم داستان کوتاه مند شدید؟

به قول «کاتجا لانگ مولر» کوتاهی یا بلندی یک متن را نویسنده تعیین نمی کند، بلکه این خود متن است که ذاتا کوتاه است یا بلند. به نظر من دقیقا همین طور است. من خواندن داستان کوتاه را دوست دارم و به عنوان یک نویسنده، نوشتن داستان کوتاه هم قاعدتا برایم جذابیت خاص خود را دارد.

در کتاب «آلیس» موضوعات کلی دیده نمی شود. آیا از همان ابتدا هم قصد نداشتید آن را به صورت یک رمان بنویسید؟

بله. موضوعاتی کاملا جدا از هم. در واقع اگر قصدم نوشتن یک رمان بود از ابتدا نباید این گونه می نوشتم. چرا که به گمانم در نوشتن یک رمان همه چیز باید با هم جور باشد. راوی داستان هم باید در بیان داستان ها موازی پیش برود.

نوشتن یک رمان، تفاوت های بسیاری با داستان کوتاه دارد. حتی اگر داستان های کوتاه به صورت پیوسته هم باشند، این ادعای واهی است که رمان گونه شده اند. از طرفی، هم من در نوشتن رمان سلیقه خاص خودم را دارم، هم سختگیری های خاص خودم را. مثلا دوست دارم زمانی که می نویسم دارای پایانی باز باشد و به این معنقدم. دوست دارم بیشتر رمان های این گونه را بخوانم.

آیا می توان به نوعی گفت که کتاب شما، تا حدودی درونمایه مذهبی دارد؟ به خاطر موضوعش که مرگ است، این را پرسیدم.

گاهی اوقات من به شدت دیدگاهی یکجانبه نسبت به همه چیز پیدا می کنم. گاهی خیلی ضعیفم و گاهی خیلی قدرتمند. شاید برای رعایت توازن، باید به شخصیت های زن داستانم هم می پرداختم

می دانم که برخلاف میلان، اخیرا مصاحبه های زیادی انجام داده اید. نباید دیگر احساس بدی به آن داشته باشید.

بله، اما همچنان موقع مصاحبه عصبی و مضطرب می شوم.

بگذارید از جایی شروع کنیم که کمتر شما را دچار استرس کند، آیا این لقب «دختر شگفتی آفرین» حس مطلوبی به شما می دهد؟

نه زیاد. اما اذیت هم نمی کند. به نظرم این لقب امروز دیگر از مد افتاده است و من هم تجربیات زیادی در نوشتن به دست آورده ام و دیگر دختر شگفتی آفرین نیستم. در حقیقت آن قدر بزرگ شده ام که گاهی احساس می کنم هیچ کار بزرگ و خارق العاده ای انجام نمی دهم و هیچ از سن ام جلوتر نرفته ام.

آیا این تقدیر این طور بود که در آن زمان با شما به عنوان یک شگفتی برخورد شود؟

هیچ وقت با من مثل یک پدیده شگفتی آفرین برخورد نشد. نکته در اینجا است که این لقب موهن و تا حدی تحقیرآمیز است. من آن زمان هم دختر بچه کم سن و سالی نبودم که شگفتی آور باشم. فکر کردن به این موضوع چیزی جز اتلاف وقت نیست. بهتر است این طور بگویم که عوامل گوناگونی دست به دست هم دادند تا آن سال کتاب «خانه تابستانی باشد برای بعد» را چاپ کنم؛ احساسات ترد و شکننده من، سال های اوج سانتیمانتالیسم در دهه نود، سال های بی ثباتی ام در برلین، شرق زدگی ام و خیلی چیزهای دیگر. به هر حال می توان گفت که خیلی خوش شانس بودم. حالا اگر می خواهید اسمش را تقدیر بگذارید، من مشکلی ندارم.

دوست داشتیم از شما بپرسم که آیا نوشتن نوعی تسکین برای شماست و اینکه چرا و چگونه آغاز به نوشتن کردید؟

من پیش از اینکه شروع به نوشتن کنم، کتابخوان قهاری بودم. همان کتاب ها دریچه هایی را رو به من گشودند و وسعت زندگی را نشانم دادند؛ زندگی هر روزه و احساساتم را. از همان جا بود که احساس کردم دوست دارم بنویسم و در گسترده زندگی غوطه ور شوم.

معمولا وقته ای پنج یا شش ساله بین چاپ آثارتان وجود دارد. آیا مواجه شدن با این سوال که کتاب بعدی تان کی بیرون می آید؟ برایتان آزاردهنده نیست؟

هم بله و هم خیر. اگر کسی راجع به کتاب بعدی ام نپرسد، این طور برداشت خواهم کرد که هیچ کس به کارهای من علاقه ای ندارد. بنابراین، روبرو شدن با این سوال ها اصلا ناراحت نمی کند و برعکس به من اعتماد به نفس بیشتری هم برای نوشتن می دهد. ولی از آن طرف هم، من کلا نویسنده ای بسیار کند کار هستم و این کمی مشکل زا است، در ضمن خود نوشتن هم کار پرهزحمت و طاقت فرسای است. تصور کن که در طول پنج، شش سال مدام از تو بپرسند «کار بعدی تان کی بیرون می آید؟» قسمت سختش اینجا است.

بنابراین زمان بندی خاصی برای بیرون دادن آثارتان وجود ندارد؟

قطعا نه. چرا که اصلا در اختیار من نیست که به عنوان مثال چقدر زمان برای نوشتن یک کار خاص احتیاج دارم. من سریع تر از این نمی توانم بنویسم.

مروری بر رمان «آلیس» آخرین اثر یودیت هرمان

دختر اعجوبه ادبیات آلمان و عشق به داستان های کوتاه

آن طرف این رودخانه هستند. رودخانه ادر برای خواننده رمان هرمان شاید یادآور همان حرکت تند زندگی باشد که به شدت جریان دارد. رودخانه ادر خود زندگی است. کوبرلینگ تنها هم نیست. همسری مهربان و دوستی دیرینه دارد، اما آنقدر در تنهایی خود غرق شده که اینها را نمی بیند.

درباره نوشته ها و آثار هرمان می توان گفت که بی شک او تاثیر بسیار زیادی از نویسندگان آمریکایی گرفته. تاثیری که لایه لایه کلمات و جملانش به راحتی می توان آنها را دید. فضای داستان هایش سرد است. نبود اتفاق عجیب و تکان دهنده از شاخصه های اصلی داستان های هرمان است. اما راکد بودن نوشته هایش هیچ گاه به انزجار خوانندگان منتهی نمی شود. هرمان آنقدر ماهرانه این فضای بی روح را تجربه می کند که هرگاه حس کند خواننده اش خسته شده، تنها با چیدن چند کلمه در کنار هم و ساختن جملاتی موزون انگیزه خاصی به مخاطبش می بخشد.

یودیت تحصیلاتش را در ادبیات آلمانی و فلسفه تکمیل کرد و در مدرسه ژورنالیسم مدتی به آموختن فن روزنامه نگاری پرداخت. همان زمان بود که به نوشتن داستان های کوتاه علاقه مند شد. خود در این باره می گوید: «هنگامی که به عنوان کارآموز بخش ادبی در روزنامه ای در نیویورک کار می کردم متوجه شدم که داستان کوتاه سبک من است و روزنامه نگاری چنگی به دل نخواهد زد. شاید اگر آن دوره روزنامه نگاری را نگذرانده بودم هیچ گاه نوشتن داستان های کوتاه این گونه مرا مسخ نمی کرد.»

او هنگامی که به برلین بازگشت به عنوان روزنامه نگار آزاد شروع به فعالیت کرد. در سال ۱۹۹۸ اولین رمان خود با نام «خانه تابستانی، بعدا» را منتشر کرد. زمانی که نقدهای بارز روی آن نوشته شد. «خانه تابستانی، بعدا» سبب شد که یودیت هرمان در ابتدای ۲۸ سالگی اش لقب «دخترک اعجوبه» را در دنیای نویسندگی از آن خود کند. آثار دیگر او که زیاد هم نیستند طی این سال ها یکی پس از دیگری منتشر شده اند و گاه جوایز ارزنده ای را از آن آورده اند.

آشنایی آثار یودیت هرمان و خوانندگان ایرانی توسط محمود حسینی زاد شکل گرفت که در سال های اخیر تعدادی از داستان های این نویسنده را ترجمه و منتشر کرده است. وی اولین بار با چاپ مجموعه «گذران روز» که به معرفی چند نویسنده آلمانی پرداخته بود، یودیت هرمان را به ایران آورد.



نسخه فروش کرد. «آلیس» نه تنها توانست توجه هیأت داوران جایزه «فردریش هلدلرلین» را از نظر شیوه قصه گویی به خود جلب کند، بلکه موفق شد جایزه ۲۰ هزار یورویی این جایزه ادبی را نیز از آن خود کند.

یودیت هرمان خود درباره این که ترجیح داده این کتاب جای این که به رمان تبدیل شود، به صورت داستان های کوتاه منتشر شود، این گونه می گوید: «کاتیا مولر (نویسنده داستان های کوتاه آلمانی تبار) در جایی داستان کوتاه را خوب نقد می کند. او می گوید انتخاب حجم داستان به عهده نویسنده نیست. به عهده داستان است. من هم عاشق داستان های کوتاه هستم. قصه هایی که کوتاه نوشته می شوند آنقدر به من نزدیک اند که با آنها روزهای خود را شب می کنم. شاید داستان کوتاه اهمیتش از داستان های بلند بیشتر باشد. داستان های من حتی اگر بلند هم باشند آن قدر فشارشان می دهم که کوتاه و تبدیل به فرمی شوند که من با آن راحتم.»

در ایران رمان «این سوی رودخانه ادر» از یودیت با ترجمه حسینی زاد منتشر شده است. این کتاب از جمله داستان های مشهور وی به حساب می آید. این رمان که مجموعه ای است از دو اثر «خانه تابستانی، بعدا» و «هیچ چیز به جز ارواح» در این مجموعه آدم های قصه های هرمان طرفدار تنهایی شان هستند. در این داستان هرمان از رودخانه ادر می نویسد که کوبرلینگ (شخصیت اصلی داستان) در سمتی از آن زندگی می کند. بقیه آدم ها

و کراحت آن را همزمان یادآور می شود لایه لایه صفحات رمان هرمان جای دارد. در بخشی از کتاب هرمان این گونه نوشته: «میشا اما نمرد. نه دوشنبه شب مرد و نه سه شنبه شب. بعید نبود چهارشنبه عصر بمیرد یا حتی شب پنجشنبه. انگار آلیس زمانی شنیده بود که می گفتند بیشتر آدم هادر شب می میرند. حالا دیگر دکترها هم ابراز عقیده نمی کنند. تنها شانه هایشان را بالا می اندازند و کف دست هایشان را که خالی است و ضد عفونی شده نشان می دهند. کاری نمی شود کرد متاسفیم.»

در هر بخش از این کتاب شخصی می میرد و دیگران مجبورند حقیقت نیستی اش را بپذیرند. اسامی هر پنج مردی که در طول پنج داستان می میرند را به راحتی می توان در ابتدای هر داستان مشاهده کرد. بخش های داستان با این که مجزا از هم نیستند، گاه از نظر زمانی همپوشانی می کنند. این قصه شامل فصل هایی از مرگ و فقدان زندگی است که از لحاظ زبان شناسی با ریتمی زنده و خشن بازگو می شوند و فصل هایی از اتفاق های ناگهانی و انطباق زمان هایی که به نظر راکد و بی حرکت مانده اند. تمام این بخش هادقیق و بدون ملاحظه واقعه مرگ را توصیف می کنند و به راحتی می گویند که زندگی در همان لحظه ای که شاید دوباره آغاز شود، چگونه خاتمه می یابد.

حکم نهایی داستان های کوتاه هرمان در این رمان رفتار آدمی است. این رمان که اثر سوم این نویسنده آلمانی تبار است در ابتدایی ترین چاپ خود ۱۰۰ هزار

هنگامی که کسی رادوست داری، کسی که به تو نزدیک است، می میرد و نیست می شود، همه چیز را دگرگون می کند. چه بخوای، چه نخواهی، تنها کتاب ها هستند که باقی می ماند. نامه ها و عکس ها، خاطره و اندوهی اجتناب ناپذیر، آن هم در گوشه و کناری، خیابانی، کسی را اشتباهی جای عزیزی که مرده می گیری و بی اختیار به دنبالش راه می افی.» یودیت هرمان، نویسنده آلمانی، با صدایی محکم و ملموس این بار از مرگ می نویسد و چگونگی تغییر مسیر در زندگی را که منجر به تغییرات اساسی در انسان می شود، گوشزد می کند و نتیجه نوشته هایش کتابی است با پنج داستان کوتاه: کتاب «آلیس».

هرمان در برلین غربی متولد شد. او که اکنون ۳۹ ساله است تا میانه دهه ۹۰ میلادی در زادگاه خود ماند و سپس به برلین شرقی نقل مکان کرد. منتقدان، وی را از دسته نویسندگانی می دانند که در دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی، جزو نسل جدید نویسندگان آلمان به حساب می آمدند. نویسندگانی چون یولیا فرانک و اینگو شولتز این نویسندگان نیز مانند تمام نویسندگان عصر نو با تکنولوژی و کم رنگ شدن ارتباطات به سبک قدیم درگیر هستند و شکوه و شکایت شان را با لحنی افسرده در آثارشان بازتاب می دهند.

هرمان برخلاف گوئتر گراس، برنده آلمانی نوبل ادبیات، کاری به دنیای سیاست و مشکلات اجتماعی ندارد و فقط و فقط به انسان می پردازد؛ انسان امروزی در چارچوب هایی که با دست خود ساخته تنها مانده و هر روز افسرده تر می شود.

«آلیس» آخرین اثر یودیت هرمان در ایران توسط محمود حسینی زاد ترجمه شده است. این نویسنده آلمانی در هر داستان از روایتگری مشابه (آلیس) استفاده می کند. برای آلیس، مردن مردهای اطرافش به سادگی مرگ حشره های کوچک است! یک دوست، همسری که با سرطان دست و پنجه نرم می کند و مرگ عشقی دیرینه و شریک سابقش. تنها مالت از این قانون گریخته، او که عموی آلیس است دو ماه قبل از به دنیا آمدن آلیس خود را می کشد و با مرگ خود ریتمی آرام به تاریخ داستان های هرمان می بخشد و هر بار که مرگی پیش می آید سایه سکوتی را بر صفحات رمان می اندازد که در عین سنگینی دلچسب است.

«آلیس» نقش هر وین را برای این پنج داستان کوتاه بازی می کند! شخصیت های «آلیس» جاافتاده و عاقل هستند. منشوری احساسی از زندگی که زیبایی

یودیت هرمان از زبان خودش

پیوند کند دو نسل در زمانه سرعت

یودیت هرمان، نویسنده ۳۹ ساله آلمانی که منتقدان پس از انتشار رمان «خانه تابستانی»، وی را «دخترک اعجوبه» نامیدند، خود را نویسنده ای کند می داند! او می گوید: «کندتر از من نویسنده ای نیست». در نظر او قسمت و شانس در ابتدایی ترین مرحله، وی را به سمت جلو هل می دهند و به او کمک می کنند که از میان متن های عادی به کناری رود و اثری متفاوت خلق کند. هنگامی که در سن ۲۸ سالگی او را «دخترک اعجوبه» خواندند، وی ابتدا این گونه که خود می گوید با این لقب بسیار شادمان بود: «احساس می کردم که با دیگران متفاوتم و با توجه به سن پایی که دارم، قادر به انجام کاری شده ام که دیگران از انجام آن ناتوانند. ولی اینک چندین سال گذشته و بر تمام القابی که به من دادند گرد فراموشی نشسته است.» او خود از این که «یودیت اعجوبه» از ذهن ها پاک شده ناراحت نیست، حتی بسیار امیدوار است

حس هویتی مشترک را در این دو نسل با توجه به تمام تفاوت های فاحشی که دارند، زنده کنم». او خود در ادامه این صحبت به بررسی این موضوع پرداخته و می گوید: «شاید دلیل فروش آثارم هم بین جوانان و نوجوانان، همین علت است.»

هرمان خود را شفته داستان های کوتاه می داند. در نظر او اینک که در دنیای سرعت زندگی می کنیم، زمان آن گذشته که وقت خود را برای خواندن رمان های قطور بگذاریم. به عقیده او داستان های کوتاه برای این قرن ساخته شده اند. در زمانی کوتاه با موضوعی روبه رو می شویم و باید با آن دست و پنجه نرم کنیم. یودیت هرمان مهارت نویسندگان داستان های کوتاه را بس بیشتر می داند و می گوید: «این نویسندگان توانایی جدا از رمان نویسان دیگر دارند. آنان باید در صفحاتی کوچک تر و با کلماتی محدودتر تاثیر رمانی قطور را بر مخاطب بگذارند.»

هرمان رمز موفقیت خود را جدا دانستن خویش از «هرمان نویسنده» می داند و می گوید: «هنگامی که چند صفحه ای می نویسم، آن را با صدای بلند می خوانم و با این کار خود را جای مخاطب می گذارم. بعد متوجه می شوم که جملاتم تا چه حد تاثیر گذار بوده اند.»

که در آینده نه چندان دور بتواند قدم های بلندترین بردارد و نام خود را ماندگارتر کند.

داستان های یودیت هرمان، گاهی تاثیر گرفته از داستان های آمریکایی اند. او این تاثیر پذیری را از موسیقی و هنر مردمی آمریکا می داند. در لایه لایه داستان هایش همیشه نام ترانه سرایان به نام و صاحب سبک آمریکایی وجود دارد و می توان به راحتی رد پای عمیق موسیقی آمریکایی و ایتالیایی را در آثارش دید. خود در این باره می گوید: «به نوعی، جهانی شدن را، همیشه با درک موسیقی همگام و همسو می دیدم.»

قصه های هرمان معمولا با اصطلاحات خالص کوچه و خیابان پیش می رود. او در جایی دیگر درباره برقراری ارتباط با نسل جوان می نویسد: «در آثارم سعی کرده ام با استفاده از زبان مخفی جوانان و نوع موسیقی ای که گوش می دهند و شاید از نظر بسیاری از ما قابل درک نباشد، به رفتارهای اجتماعی آنها بها دهم و برای خصلت های خاصشان احترام قائل شوم. من حتی گاه با بازتاب جزئیات سریال های تلویزیونی یا فیلم های سینمایی که مخاطبان نسل جوانند، سعی دارم

شعر؛ صدای بلند انقلاب

شعر معترض پیش از انقلاب شاخه های بسیار داشت. این شاخه ها، گاه به سمت مسائل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی درون کشور نشانه رفته بود و گاه به مسائلی از همین سنخ، اما در آن سوی مرزها و حتی در قاره های دیگر. از این بین، آنچه معطوف به جریانات مختلف داخل کشور بود، خود به زیرشاخه های دیگر تقسیم می شد. برای مثال، بخشی مهم از این شاخه اصلی بر محور باورهای دینی و مذهبی شکل گرفته بود و بخشی دیگر، بر لولای باورهای مارکسیستی می چرخید. در کنار آنها، اعتراض های عمومی مردمی هم جای خود را داشت که گاه به شکل شعارهای کوتاهی در طول یک سطر یا بیت و گاه به شکل ترانه هایی که لزوماً ساخت شعری منسجمی هم بر خوردار نبودند، تجلی می کرد.

سابقه این نوع اخیر، که می توان آن را «اعتراض منظوم مردمی» نامید، بیش از آن است که بتوان در یک مجال کوتاه به آن پرداخت. به هر حال، یکی از نمونه های متاخرتر آن، اعتراض هایی است که مردم نقاط مختلف کشور در دوره قاجار نسبت به رجال دولتی و حتی شخص شاه، یا نمایندگان دولت های خارجی و خانواده آنها به نظم می کشیدند و نمونه هایی از آن، در فصل پایانی کتاب «مکتب بازگشت» شمس لنگرودی ذکر شده اند.

با این حال، این اعتراض ها، اصولاً ریشه در ذات معترض بشر دارد که چند نمونه مکتوبش از همان اوان شکل گیری ادب فارسی، امروز هم در دست است. اعتراض هایی که یکی از آخرین نمونه های آن را می توان در ادب مردمی انقلاب جست و جو کرد. زمانی که مردم، خود، به صورت ناشناس و گمنام، ترانه هایی بر ضد «شاه» یا آخرین گماشته او، بختیار، شعراوار در راهپیمایی ها می خواندند. اما آن بخش از شعر معترض پیش از انقلاب که به جریانات جهانی معطوف بود، گاه آثاری به راستی ماندگار بر جای گذاشت. نمونه اش، سرود «بهاران خجسته باد» است که دکتر عبدالله بهزادی در واکنش به قتل پاتریس لومومبا رهبر جنبش ملی کنگو به دست موسی چومبه سرود و به همسر لومومبا تقدیم کرد.

سرایش این شعر به اسفندماه سال ۱۳۳۹ بازمی گردد. اسفندیار منفردزاده برای آن ملودی ساخت و بعدها، در اوان انقلاب، با هم صدایی همسرش و یکی از دوستان او، آن را اجرا و ضبط کرد. این سرود که پس از انقلاب بارها از تلویزیون پخش شده و می شود، تنها واکنش شاعران کشور به قتل پاتریس لومومبا نبود. فریدون مشیری هم در قطعه ای به نام «اشکی بر گذرگاه تاریخ» را به همین مناسبت سروده است؛ از همان روزی که دست حضرت قایل/گشت آلوده به خون حضرت هابیل/از همان روزی که فرزندان آدم/زهر تلخ دشمنی در خون شان جوشید/آدمیت مرد/گرچه آدم زنده بود/ قرن ماروزگار مرگ انسانیت است/سینه دنیا ز خوبی ها تهی است/صحبت از آزادی، پایی، مروت ابلهی ست/ صحبت از موسی و عیسی و محمد نابجاست/ قرن «موسی چومبه» هاست/

«بهاران خجسته باد» پس از انقلاب به عنوان یکی از نمادهای پیروزی مردم بر شاه و تقریباً همراه با سرود «دیو چو بیرون رود فرشته در آید» و در همان حال و هوا و با همان تأثیر و فضا، در حافظه تاریخی مردم ایران ثبت شد.

از سوی دیگر، همان طور که ذکر شد، بخش مهم دیگری از شعرهای معترض پیش از انقلاب، در واکنش به جریانات داخلی کشور نضج یافت. نمونه آن، قطعه معروف دکتر حسین گل گلاب است که اگرچه امروز کمتر ایرانی ای می توان یافت که آن را در حافظه نداشته باشد، ولی نه نامی از شاعرش در بین است و نه آهنگساز و نه نخستین خواننده اش. «ای ایران ای مرز پرگهر»،



که یکی از ویژگی هایش به کاربردن واژگان زبان فارسی در تمام شعر است نیز، پس از انقلاب به عنوان نماد دیگری از پیروزی مردمی جاودانه شد.

اصل این قطعه در ۱۳۲۳ و هنگام اشغال ایران توسط ارتش متفقین سروده شده. گویا دکتر گل گلاب در خیابان با برخورد خشن یک نظامی ارتش متفقین با مردم (بایکی از افسران ایرانی) مواجه می شود - احتمالاً نظامی ارتش متفقین سیلی به افسر ایرانی زده است. گل گلاب، بسیار متاثر، همان موقع سطرهای آغازین قطعه بر زبانش جاری می شود، روح اله خالق آهنگش را می سازد و بنان می خواند.

قصه از این اطاله کلام این است که تأکیدی شود بر ضرورت توجه به اصل و منشا سروده های ماندگار انقلاب. اگرچه بخش بسیار مهمی از این سرودها نیز کمی پیش یا پس از انقلاب یا همزمان با آن سروده شده اند.

در دهه ۵۰ بازار شعر مذهبی معترض و شعر سیاسی معترض بسیار داغ بود. جدا از همه تأکیدی که بر اهمیت رسانه ای شعر در فلات ایران می شود - و درست هم هست - نباید از خاطر برد که نقش شعر به ویژه در به بار نشستن انقلاب و روحیه بخشی به مبارزان گروه های مختلف سیاسی دهه های ۴۰ و ۵۰، بسیار تعیین کننده بوده. «سفر پنجم» طاهره صفارزاده در سال ۵۶، در طول ۲ ماه به ۳ چاپ در شمارگان ۳۰ هزار نسخه رسید. «ظل الله» رضا برهنی هم تیراژی ۵۰ هزار نسخه ای را پشت سر گذاشت.

«سفر پنجم» صفارزاده، به واقع چرخشی در روند شاعری او بود. او در این کتاب مضامینی مذهبی و درعین حال معترض پرورد که به زودی یکی از نمونه های شعر متعهد در آغاز انقلاب شناخته شد. سال ۵۶، ضمناً، همان سالی است که صفارزاده «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» را که گفته می شود سنگ پایه «حوزه هنری» امروز است، با کمک جمعی از بزرگان انقلاب راه اندازی کرد. کمی پیش از آن هم، در شب شعر اعتراضی انستیتو گوته، صفارزاده و علی موسوی گرمارودی، تنها شاعرانی بودند که شعر مذهبی خواندند.

از دیگر شاعران شاخه مذهبی - سیاسی در سال های پیش از انقلاب که بسیاری از آنها پس از انقلاب هم به کار خود ادامه دادند، می توان به جواد محدثی، م. ح. زورق، سینا واحد، بهجتی شفق، طه حجاری، حمید سبزواری، سپیده کاشانی، م. آرم، مشفق کاشانی و نصرالله مردانی اشاره کرد. نمونه ای از آثار این شاعران در پیش از انقلاب، قطعه «خمینی ای امام» اثر حمید سبزواری است که آن را هنگام سفر امام از نجف به

پاریس نوشته است. به گفته سبزواری در کتاب «حال اهل درد»، آخرین ضبط نوار این سرود همزمان با بازگشت امام از پاریس به تهران بوده، با آهنگ سازی حمید شاهنکیان.

نمونه دیگر، قطعه «الله الله الله» است، سروده افشین سرفراز با آهنگ سازی و تنظیم فریدون خشنود و صدای رضا رویگری. گفته می شود که این قطعه با الهام از الله اکبرهای مردم در آخرین روزهای پیش از انقلاب سروده شده. در میانه سرود، آیه ۳۰ سوره سجده، به فارسی (با صدای مهران دوستی) و عربی (با صدای بشیر جزایری) گنجانده شده است. نمونه های دیگر، سرود «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» ساخته احمدعلی راغب و «این بانگ آزادی» سروده حمید سبزواری است.

اما در معنایی که ما امروز به کار می بریم، شعر انقلاب به این «سرود»ها محدود نمی شود. در واقع، سرنوشت شعر انقلاب هم بی شباهت با سینمای انقلاب نیست. هر دو اینها، با آغاز جنگ به سرعت جای خود را به شعر جنگ و سینمای جنگ سپردند. اگرچه خود این حکم، به هیچ وجه دقیق نیست. شعر از خود شخصیت مختار ندارد که بتواند برود یا بماند. شاعران انقلاب، با شروع جنگ، بهتر دیدند درباره جنگ بنویسند. آنها جنگ را امتحان دیگری می دانستند برای باورهایشان. در این دوره و در این حوزه، علاوه بر شاعرانی که نام بردیم، شاعرانی داریم چون مرحومان سیدحسین حسینی، سلمان هراتی، قیصر امین پور، محمدعلی مردانی، محمود شاهرخی و نیز علی معلم دامغانی، جواد محقق، پرویز بیگی حبیب آبادی، محمدرضا محمدی نیکو، محمدرضا روزه، ساعد باقری، حسین اسرافیلی، عباسعلی براتی پور، سیمین دخت وحیدی و فاطمه راکعی، که پس از انقلاب به سرودن قطعات مرتبط با جنگ پرداختند.

این گونه بود که شعر انقلاب، اطلاق شد به قطعات پس از انقلاب در سه حوزه انقلاب، جنگ و مضامین مذهبی که گاه، هر سه باهم مورد توجه قرار می گرفت. چون اصولاً شاعران شعر انقلاب، همان طور که گفته شد، هر سه اینها را در یک راستا و تقویت کننده هم می دیدند. مثلاً عباس باقری - به روایتی - نخستین شعر جنگ را هنگام شنیدن خبر بمباران تهران توسط میگ های بعثی در بازار زابل سرود. او تا امروز در زادگاهش، زابل، همچنان به سرودن در سه حوزه انقلاب، جنگ و مذهب مشغول است و از خوش قریحه ترین شاعران این حوزه ها نیز محسوب می شود که قالب های مختلف از کلاسیک تا نیمایی و آزاد را تجربه کرده است.

آنچه در این مجال کوتاه می توان گفت، نه مرور همه یا حتی بخش کوچکی از تاریخچه شعر انقلاب، که صرفاً پایدی است از آنچه از گذشته های دور تا امروز، بوده و پس از انقلاب، بخشی از آن، نام شعر انقلاب گرفته است.

برخی از شاعران انقلاب، از جمله قیصر امین پور، محمدرضا روزه و سید حسن حسینی و ...، با توجه بسیار به ادب کلاسیک فارسی، ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی تا سطح دکترا و تأکید بر تکنیک های استخراج شده از اسلوب شعر هندی، توانستند جایگاهی خاص در بین دیگر شاعران انقلاب بیابند.

دنیای امروز، سرعت غریبی دارد. اگر شاعران انقلاب برای شعر انقلاب حرمت قائلند، باید از اسوه هایی چون امین پور و حسینی درس بگیرند و در پی صیقل دادن مداوم ابزارهای شاعری خود باشند. این ابزار کار از هر جایی می تواند به دست آید، چه سبک خراسانی، چه سبک هندی، چه نثر کهن، چه عهد عتیق و جدید، چه نقد ادبی غرب. ابزارها را باید صیقل داد و از ابزار تازه، با جسارت بهره گرفت.



ادب مقاومت؛ از حکومت غزنوی تا حکومت پهلوی



ادب مقاومت در ایران، مقوله ای دیرپاست. در سراسر ادبیات منظوم ایران، شاعران در مقابل ظالمان ایستادگی کرده اند. این پدیده از دوره غزنویان آغاز شده و تاکنون ادامه پیدا کرده

است و شاعران همیشه در کنار مردم و زبان گویای اعتراضات و خواسته های آنان بوده اند. این موج در دوران مشروطه قوی تر شد و شاعرانی بزرگ، با تحمل شکنجه ها، زندان ها و محدودیت ها، در مقابل استبداد و برای رسیدن به مشروطیت، مقاومت کردند و طبع خود را برای رفع ظلم و استقرار عدالت به کار گرفتند.

شاعران دوران قبل از انقلاب اسلامی نیز با ویژگی مردمی بودن و با تکیه بر صبغه ایران دوستی و باور به ارزش های دینی، از نفوذ بیگانگان در امور داخلی ایران انتقاد می کردند.

در آن زمان مجموعه اشعار شاعران معاصر مانند خسرو گل سرخی، سیاوش کسری، جعفر کوش آبادی و نعمت الله میرزازاده در قالب کتاب های جلد سفید، در بین مردم دست به دست می چرخیدند. به همین دلیل می توان گفت که انقلاب اسلامی ۵۷ ایران، از میان طبقات اندیشه ور برخاست و اهالی قلم در کنار مردم، به مبارزه پرداختند. بسیاری از خطابه ها و سخنرانی ها برای سال های ۵۶ و ۵۷ توأم با آثار این شاعران به مردم عرضه می شدند. به همین سبب، زبان شعر در شکل گیری انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی داشته است.

پدیده انقلاب، تحولی همه جانبه است. پس چگونه می توان از تأثیر شعر بر آن چشم پوشی کرد؟ شاعران در شب شعرهای زیرزمینی و اجتماعات و اصناف مختلف باعث تهییج مردم می شدند و به بازنمایی کاستی ها و ضعف های حکومت پهلوی می پرداختند. این شب شعرها توسط هسته های مبارز دانشجویی در انجمن های ادبی، دانشگاه ها و مدارس عالی تشکیل می شدند و در پرورش شاعران جوان هم نقش پررنگی داشتند.

البته این شعرخوانی ها در سال های پایانی حکومت پهلوی، آشکارا صورت می گرفت. شاعران دو دسته فعالیت می کردند. گروهی از آنان، وابسته به گروه ها و احزاب مختلف بودند و گروه دوم نیز شاعران مسلمان بودند که طبع آنان، ریشه در قرآن و نهج البلاغه داشت و در حسینیه ارشاد و مسجد قبا و دیگر مساجد سراسر کشور حضور داشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی «شاعران انقلاب» چون طاهره صفارزاده بیشتر شناخته شدند. این گروه بعدها با آغاز جنگ تحمیلی، عموماً به نام «شاعران دفاع مقدس» معروف شدند. این شاعران هدایت کننده شاعران نسل سوم انقلاب بودند و فعالیت پررنگ شاعران جوان در عرصه شعر انقلاب و به ویژه دفاع مقدس، نشانگر به ثمر نشستن تلاش های آگاهانه آنهاست. پس می توان گفت که بخشی از شعر ایران، همیشه شعر اعتراض و مبارزه بوده و مقاومت و پایداری را در دل خود حفظ کرده است.



برداشت هایی از قرآن و هنر خوشنویسی اسلامی

تورنلی ربا ترجمه حیدر امینی هرسینی را منتشر کرده است که به معرفی نخستین کسانی می پردازد که موفق به اختراع وسیله ای شده اند که در تغییر و تحول جهان تاثیر فراوانی بخشید. از گوتنبرگ و دستگاه چاپ گرفته تا دوربین عکسبرداری و موتور جت.

«همه باید زندگی کنند» مجموعه ای از داستان های کوتاه نویسندگان مشهور فرانسوی است که به انتخاب و ترجمه قاسم صنعوی از سوی نشر لحن نو چاپ و منتشر شده است. در این مجموعه داستان هایی از نویسندگانی چون ژول و سولز بری، مارسل بریون، مارسل پانیول، امه، یورسونار، ویان، وروکر و... وجود دارد.

«میوه های زمین» رمانی از کنوت هامسون، نویسنده نروژی است که در سال ۱۹۲۱ به خاطر نوشتن همین رمان جایزه نوبل ادبیات را به کشورش برد. رمان «میوه های زمین» که با نام «بیداری خاک» در جهان منتشر شده بود، ماکسیم گورکی و رومن رولان را چنان تحت تاثیر قرار داده بود که در نامه هایشان از این رمان به نیکی یاد کرده اند.

«عروسک چوبی» رمانی از ازوواکاساتی مودینانی با ترجمه لیلیا صدری از سوی نشر البرز منتشر شده است. از این نویسنده ایتالیایی پیش از این رمان «وانیل و شکلات» به فارسی ترجمه شده بود که با اقبال مخاطبان ایرانی روبه رو شد.

نشر البرز رمان «مردان قلعه یوسف» نوشته ابوالقاسم پزشکی را هم منتشر کرده است که رمانی تاریخی محسوب می شود. پزشکی چندی پیش رمان «رباخواران» را توسط نشر البرز راهی بازار کرده بود.

احمدی علی آبادی از سوی موسسه انتشارات نگاه چاپ و منتشر شده است. مولف این کتاب دارای دکترای فلسفه و مردم شناسی از آمریکا و عضو هیأت علمی دانشگاه آبروین، به خاطر پژوهش ها و مقالاتی که در حوزه فلسفه و هنر بدوی نوشته، مورد تقدیر قرار گرفته و در سمینارها و کنفرانس های بین المللی حضور یافته و به ارائه دیدگاه ها و نظریات خود در زمینه فلسفه هنر پرداخته است. وی در این اثر ابعاد جدید فلسفه هنر را که عمدتاً مغفول مانده بود برای مخاطبان آشکار و تبیین می کند.

«ساختمان واژه و مقوله دستوری: تشخیص مقوله دستوری واژه ها، بر اساس ملاک های حرفی» پژوهش و نگارش دکتر علاءالدین طباطبایی است که از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است. پژوهش حاضر برای نشان دادن ملاک های صرفی برای تشخیص مقوله های دستوری واژه ها است. این پژوهش بر مبنای پیکره ای مرکب از حدود ۳۲ هزار واژه بسیط و پیچیده صورت گرفته است.

«مکتب هنرهای تجسمی» مجموعه ای دو جلدی به قلم پروفسور م. ن. الکسیچ با ترجمه میترا نظریان است که از سوی انتشارات گوتنبرگ منتشر می شود. این مجموعه که در زمینه آموزش طراحی، نقاشی، مجسمه سازی، آناتومی پلاستیکی فراهم آمده، از ابتدای سال تا هفته گذشته از جلد اول تا جلد هفتم به بازار آمده و جلد ششم همراه با سه جلد آخر نیز در آستانه چاپ قرار دارند.

انتشارات گوتنبرگ کتاب «آفرینندگان» اثر جی. سی.

آیات قرآنی و بر کاشی های مساجد نشان داده شده است. در فصل دوم نیز به کاربرد های مختلف خط در هنر های اسلامی و سنتی پرداخته می شود. در دوران معاصر بخشی از کاربرد خط و خوشنویسی میراث و سرمایه تاپیوگرافی شد. تاپیوگرافی بخشی از نقش این هنر را در مراسلات و ارتباط بصری به عهده دارد. بنابراین فصل سوم کتاب با هدف کاربرد نوشتار در دوران معاصر به بحث کاربرد تاپیوگرافی در هنر مدرن پرداخته می شود. فصل چهارم به جست و جوی جایگاه خط به عنوان یک بیان هنری در دوران مدرن و پست مدرن پرداخته و کاربرد خط در نقاشی مطرح شده است. این کتاب به شکل مصور، رنگی با کاغذ گلاسه و در قطع خشتی بزرگ به بازار عرضه شده است.

«ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم» مجموعه مقالاتی سیاسی و تاریخی به قلم گروهی از صاحب نظران چون علیرضا صوفی، ابوالفضل حسن آبادی، الهه محبوب، شادی معرفتی، عباس قدم، شهرام فرحناکی و فاطمه پیرا، است که به اهتمام منیر قادری زیر نظر داریوش رحمانیان از سوی موسسه خانه کتاب چاپ و منتشر شده است.

مقالات این کتاب مربوط به همایشی است که به مناسبت یکصدمین سال انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی با هدف بازخوانی رویداد های مربوط به آن روزگار و فهم اوضاع و احوال ایران در سیاست جهانی اوایل سده بیستم در اسفند سال ۸۶ به همت خانه کتاب برگزار شده بود.

«رفتار ها و آفریده های فرهنگی و هنری» اثر دکتر کاوه

«کوش» عنوان کتابی دو جلدی به قلم دکتر عبدالرحیم گواهی است که از سوی نشر علم با همکاری مرکز پژوهش ادیان جهان چاپ و منتشر شده است. عنوان فرعی این کتاب «برداشت هایی از قرآن کریم» است که روی جلد نقش بسته است. اما نویسنده در مقدمه کتاب می نویسد: «یادداشت های قرآنی حاضر، حاصل حدود سی و پنج سال درس تفسیر شب های جمعه صاحب این قلم است.» این کتاب دو جلدی کمک شایانی برای جلب و جذب نسل جوان و قشر دانشجویان و علاقه مندان علوم قرآنی خواهد بود، چرا که در طول تاریخ اسلام تفاسیر گرانسنگی از قرآن مجید توسط محققان و دانشمندان جهان اسلام تالیف و منتشر شده که اکثر این تفاسیر، تخصصی، بسیار پر حجم و عموماً به زبان عربی است. دکتر عبدالرحیم گواهی در این مجموعه تفسیری، زبانی ساده و روان، غیر تخصصی و فارسی شیوایی را برگزیده که مطالعه آن را برای افراد در هر سطحی از سواد، شیرین و جذاب می کند.

«از خوشنویسی تا تاپیوگرافی» کتابی به قلم عفت السادات افضل طوسی است که از سوی نشر هیرمند منتشر شده است. میان هنر خوشنویسی، اسلام، ایران و هنر مند ایرانی ارتباط ناگسسته وجود دارد که در این کتاب کوشش شده تا نقاط اوج و قوت این هنر مطرح شود و بیان تطور تاریخی یا تکنیکی منظور نیست. تاثیر و قدرت خطوط در هنر اسلامی و هنر های ایران و تاثیر آن بر غرب و در دوران معاصر به عنوان یک زبان بصری، فرهنگی روز از اهداف این بررسی است. از این رو در فصل اول این کتاب به تاریخچه انواع خطوط پرداخته شده و نمونه هایی از آن در تحریر

گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با پنجاه و هشت عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ علی ذوالفقاری با پنج عنوان پرکارترین مولف؛ و صادق خورشیا با شانزده عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و بر اساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۸/۱۱/۳ تا چهارشنبه ۸۸/۱۱/۷، ۱۶۲۸ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع آموزشی و کمک درسی و سپس کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، دین، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۲۹	۲۳	۶	۱۲	۱۷	۲۸	۱	۲۲۵۹	۳۱۱
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۲	۲۴	۲۸	۲۱	۳۱	۴۱	۱۱	۲۱۶۷	۲۶۳
۳	دین	۲۰۴	۱۷۰	۳۴	۱۱۵	۸۹	۹۹	۱۰۵	۳۲۸۲	۲۸۶
۴	علوم اجتماعی	۱۱۶	۹۴	۲۲	۶۴	۵۲	۱۰۱	۱۵	۲۲۳۷	۲۷۷
۵	زبان	۴۹	۴۸	۱	۳۰	۱۹	۴۶	۳	۲۸۹۹	۲۳۱
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۳۹	۳۶	۳	۲۹	۱۰	۳۶	۳	۲۱۵۹	۲۹۲
۷	علوم عملی	۲۱۸	۱۶۶	۵۲	۱۳۳	۸۵	۲۰۰	۱۸	۱۹۷۱	۲۵۹
۸	هنر	۴۷	۲۹	۱۸	۲۳	۲۴	۴۶	۱	۲۰۷۰	۲۱۵
۹	ادبیات	۱۰۶	۹۳	۱۳	۷۳	۳۳	۷۹	۲۷	۲۱۳۴	۲۱۶
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۷۴	۴۷	۲۷	۴۹	۲۵	۶۱	۱۳	۲۱۲۰	۳۳۶
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۴۴۳	۴۴۰	۳	۸۹	۳۵۴	۴۳۴	۹	۳۱۸۹	۱۶۷
۱۲	کودک و نوجوان	۲۵۱	۱۸۵	۶۶	۸۵	۱۶۶	۲۳۵	۱۶	۶۳۷۲	۴۳
	جمع بندی	۱۶۲۸	۱۳۵۵	۲۷۳	۷۲۳	۹۰۵	۱۴۰۶	۲۲۲	۲۷۳۸	۲۴۱

* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گزارشگر کتاب و بیشترین صفحه	۱۷۰۰۰۰ ریال و ۳۴۴ صفحه	Sara Wernham, Jolly dictionary, ناشر: قطره، چاپ ۳، ۳۴۴ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۶ مرتبه	چراهای شگفت انگیز: علم و تجربه؛ پاسخ به سوال های کودکان و نوجوانان؛ باربارا تیلور؛ رویا خونی؛ ناشر: محراب قلم؛ کتابهای مهتاب؛ ۳۲ صفحه؛ ۳۳۰۰ نسخه؛ ۱۸۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۴۰۰۰ نسخه	آوی نور؛ ویژه ی پیش دبستانی؛ کتاب نوآموز؛ ناشر: رشد اندیشه؛ چاپ ۲؛ ۸۰ صفحه؛ ۸۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	خرس کوچولوها در باغ وحش؛ ناشر: آینه نما؛ چاپ ۱؛ ۸ صفحه؛ ۹۵۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۱۲۵۰ ریال	۲۱۰ گل از گلستان غرورالحکم؛ حضرت امیرالمؤمنین (ع)؛ ناشر: لولو و مرجان؛ چاپ ۱؛ ۲۲ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه
گزارشگر کتاب	۸۹۰۰۰۰ ریال	زنتیک پزشکی امری - کانر - تامپسون؛ ناشر: کتاب میر؛ چاپ ۱؛ ۳۶۰ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۸ مرتبه	دا؛ خاطرات سیده زهرا حسینی؛ ناشر: سوره مهر؛ ۸۱۶ صفحه؛ ۲۵۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	مفاتیح الجنان؛ با ترجمه فارسی و علامت وقف؛ عباس قمی؛ محمدباقر کمره ای؛ ناشر: نبوی؛ چاپ ۳؛ ۱۳۵۴ صفحه؛ ۷۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	دیوان مخرمقلی فراغی؛ ناشر: مخرمقلی فراغی؛ چاپ ۱؛ ۵۷۴ صفحه؛ ۸۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۳۱۲ صفحه	فرهنگ معین (یک جلدی فارسی)؛ محمد معین؛ ناشر: زرین؛ چاپ ۴؛ ۱۸۱۸ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ ۲۰۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۲ صفحه	وقتی دختر کوچکی بودم و مادرم مرا نمی خواست (نمایشنامه)؛ جویس کرول اوتس؛ حمید امجد؛ ناشر: نیلا؛ چاپ ۱؛ ۲۲۰۰ نسخه؛ ۵۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۹۰۰۰ ریال	برسش های امتحانی طبقه بندی شده حرفه و فن (سال اول راهنمایی) همراه با پاسخ تشریحی؛ امیرحسین دلخواه؛ ناشر: منشور دانش؛ چاپ ۱؛ ۶۴ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه
گزارشگر کتاب	۲۰۰۰۰۰ ریال	خلاصه مباحث اساسی آزمون ورودی دکترای تخصصی (Ph.D)؛ حقوق بین الملل (حقوق بین الملل خصوصی)؛ ناشر: پردازش؛ چاپ ۱؛ ۷۴ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۵۰ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش قلم چی؛ کاظم قلم چی؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ ۱۸۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۵۰۰۰ نسخه	دروس طلایی اول دبیرستان؛ مصطفی آزاده؛ ناشر: کانون گسترش علوم؛ چاپ ۲۲؛ ۲۲۲ صفحه؛ ۵۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	مجموعه آزمون های ۱۰ سال کنکور ارشد؛ کلیات مسائل ادبی ادبیات فارسی آزمون های سراسری و آزاد؛ تریا پرستار؛ ناشر: ارشد؛ چاپ ۱؛ ۲۷۶ صفحه؛ ۵۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتاب های افست
	مؤلف*		مترجم		
۴۸۸	مرد	زن	مرد	زن	۲۶
	۲۰۱	۹۴۷	۴۶	۲۰۶	

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم.



روایت اول شخص

جمهوری شعری دستاورد انقلاب ۵۷

حمیدرضا شکار سری - شاعر



وقوع انقلاب اسلامی که همه شئون زندگی را در ایران اعم از شئون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ادبی تحت تاثیر قرار داد، به نظر می رسد در روند حرکتی شعر تأثیری توأم با وقفه ایجاد کرد که یکی از دلایل آن شاید این باشد که ماهیت انقلاب اسلامی باعث احیای مجدد قالب های سنتی در شعر ایران شد. چنانکه برخی منتقدان حوزه ادبیات، این را یک حرکت رو به عقب محسوب و آن را با دوره بازگشت در شعر فارسی مقایسه می کنند، اما من فکر می کنم این حرکت، حرکتی بود که موفق شد ظرفیت های نامشکوف سنت شعر فارسی را برای مارو کند و شعر ما با دانشی عمیق و پشتوانه غنی تری از سنت شعر فارسی به سمت نوآوری برود که حاصل آن را در نوآوری ها و حرکت های تازه شعری در دهه ۷۰ می بینیم.

به نظر من، اگر حرکت متأثر از وقوع انقلاب در شعر ایران وجود نداشت قطعاً ما نوآوری های تازه شعری را در دهه ۷۰ نداشتیم، به این دلیل که برخی از نوآوری های شاعران ایرانی در سال های پیش از انقلاب، بیش از آن که بر سنت ادب فارسی تکیه داشته باشند، برآمده از نوعی نیاز به تجدید و رویگردانی از سنت بود؛ اما این نیاز بعد از انقلاب، یک نیاز طبیعی بود چراکه شاعر احساس می کرد برای بداعت و نوآوری، ابتدا باید بداند از چه چیزی فاصله می گیرد. بنابراین، شناسایی سنت برای فرآوری از سنت لازم بود که با وقوع انقلاب این امکان فراهم شد. از این رو، من حرکت هایی را که طی سه دهه گذشته در جهت خلاقیت و نوآوری انجام شده به نوعی ملیون حرکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم در سال ۵۷ می دانم که اول باعث رویکرد جماعت به اصطلاح «غیور و شنفکر» به ادبیات شد و نوعی جمهوری شعری در ایران به وجود آورد و دوم، با به وجود آوردن فضایی بازتر در ایران، برخورد نخله های مختلف شعری را با هم، در دهه ۷۰ امکان پذیر کرد که از راه دیالوگ این نخله ها ما به شعر دهه ۸۰ رسیدیم. تعادلی که در دهه ۵۰ و ۶۰ به شدت به نفع محتوا متمایل بود و در دهه ۷۰ به سمت فرم؛ در نهایت، این تجربه ها باعث شد که در دهه ۸۰ ما به یک تعادل بین فرم و محتوا بیندیشیم.

دگرگونی قضاوت تاریخی

دکتر حسین زمانی - پژوهشگر تاریخ

پس از انقلاب آثار منتشر شده در حوزه تاریخ، از نظر کمی رشد روزافزونی داشته و از نظر محتوا نیز در این آثار، نگاه به مسائل و دلمشغولی های مردم در ادوار مختلف، بیش از قبل از انقلاب بود. یعنی بیشتر به مسائل اجتماعی، فرهنگی - و نه صرفاً سیاسی - پرداخته شده است، حال آن که قبل از انقلاب وجه مشخصه آثار عمدتاً مسائل سیاسی بود. هرچند از بدو انقلاب تا امروز نوساناتی در این زمینه وجود داشته، اما اساساً بعد از انقلاب موضوع برای تاریخ و از جمله تاریخ معاصر و همچنین نگاه متفاوت نسبت به تاریخ دوران های دیگر بسیار زیاد بود. در آثار تاریخی مربوط به تاریخ معاصر، با توجه به این که بعد از انقلاب تجربه های تازه ای حاصل شد، نوع قضاوت هایی که در گذشته راجع به تاریخ معاصر، درباره مشروطیت

و همچنین درباره خود پهلوی وجود داشت دگرگون شد. همچنین با توجه به مباحث نظری جدیدی که در حوزه تاریخ مطرح شد نوع نگاه به نسبت گذشته متفاوت بود. از سویی دیگر به خاطر فترتی که در حوزه های پژوهشی، علمی و دانشگاهی در ایران و به طور کلی در غرب ایجاد شده بود، مدتی زمان برد تا این مباحث در کانون های علمی ما هم جا بیفتد و در ادامه از آنها برای تبیین مسائل تاریخی در اعصار مختلف استفاده کنند.

خروج ادبیات کودک و نوجوان از محاق

مهدی کاموس - نویسنده کودک و نوجوان



پس از انقلاب اسلامی ایران، ادبیات کودک و نوجوان به عنوان یکی از زیربنایی ترین و مهم ترین مولفه های ادبیات، متحول شد. ادبیات کودک و نوجوان که آغاز شکوفایی آن را در ادبیات پس از مشروطه می بینیم در دهه های ۴۰ و ۵۰ با تاسیس مراکزی مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نهادینه شد و در دهه ۶۰ و ۷۰ به بار نشست و گل داد، بدین معنا که بعد از انقلاب توانست اول تبدیل به یک ادبیات ملی و ادبیات غالب شود و در گام بعد، توانست از گستره مرزها فراتر رفته و جهانی شود، همان کاری که متأسفانه ادبیات بزرگسال نتوانست انجام دهد.

از دیگر ویژگی های این حوزه از ادبیات پس از انقلاب، این بود که با شکستن سانسور شدیدی که قبل از انقلاب وجود داشت، بسیاری از کتاب های کودک و نوجوان از پرده محاق بیرون آمدند و منتشر شدند و از سوی دیگر، از آنجا که انقلاب می خواست نسل جوان با اندیشه های انقلابی تربیت کند، بسیاری از نویسندگان به حوزه داستان و شعر کودک و نوجوان گرایش پیدا کردند و در نتیجه این حوزه از ادبیات رشد کمی پیدا کرد و به تبع آن نیز ناشران تخصصی در این زمینه پدید آمدند. در ادامه، مطبوعات و منتقدان حوزه کودک و نوجوان نیز رشد کمی و کیفی پیدا کردند. غلبه تالیف بر ترجمه در حوزه کودک و نوجوان از دیگر دستاوردهای انقلاب بود، چراکه میزان آثار تالیفی در گذشته بسیار اندک و همان تعداد اندک نیز غالباً گرته برداری و تقلید از آثار غربی بودند. رمان محور شدن ادبیات کودک و نوجوان؛ تربیت و پیدایش نویسندگان تخصصی در این حوزه، ظهور گونه های جدید در ادبیات کودک و نوجوان نظیر ادبیات دینی و ادبیات جنگ و ورود ادبیات داستانی و شعر کودک و نوجوان به تلویزیون و سینما، از دیگر تحولات رخ داده در این عرصه بود.

رویکرد انتقادی به عرصه ترجمه

دکتر اکبر جباری - مترجم و پژوهشگر فلسفه

پس از انقلاب در حوزه ترجمه در دو سطح کیفی و کمی شاهد تحولاتی بودیم. البته در این سطوح همیشه روند رو به بهبودی وجود نداشته، برای مثال آثار ترجمه ای پیش از انقلاب گرچه به لحاظ کمی پایین بودند اما مترجمان خوب و قابلی وجود داشتند. در حوزه فلسفه کسی مثل دکتر مهدوی از پیشکسوتان ترجمه آثار فلسفی را داشتیم. بعد از انقلاب تعداد مترجمان در حوزه فلسفه زیاد شد و به مرور باز هم مترجمان خوبی، هم در سطح مراکز دانشگاهی و هم در حوزه های علمیه و از میان روحانیان ظهور کردند. نکته قابل توجه این که در میان روحانیان حوزه های علمیه پیش از انقلاب کسانی که به آثار غربی بپردازند، نداشتیم اما بحمدالله بعد از انقلاب شاهد بودیم که بسیاری از روحانیان به ترجمه آثار غربی و نقد و بررسی آنها روی آوردند.

اما در دانشگاه ها، همچنان که مترجمان زیاد شدند، کیفیت آثار ترجمه ای نیز پایین آمد. به ویژه آن که ورود آثار ترجمه ای همراه بود با نوعی خودباختگی و

غریزدگی که این غریزدگی اثر وضعی خود را در زبان هم می گذاشت و نشان می داد مترجمانی که به نحوی دلباخته غرب بودند، به ترجمه آثار غربی روی آورده اند. به تبع، آن تفکر انتقادی نیز در مواجهه با ظهور آثار غربی کم و بیش ضعیف شد ولی از طرفی مترجمان خوبی هم ظهور کردند که هم نگاه انتقادی به آثار ترجمه ای داشتند و در عین حال به خود ترجمه هم اهتمام جدی داشتند.

در مجموع، یکی از مشکلاتی که ما امروزه - مخصوصاً در یکی دو دهه اخیر - در حوزه ترجمه شاهدیم که پیش از انقلاب به واسطه کم بودن تعداد آثار، این مشکل وجود نداشت - این است که یک اثر ممکن است همزمان توسط چند نفر ترجمه شود بی آن که هیچ یک از آنها بدانند کس دیگری هم مشغول ترجمه همان اثر است و این نشان می دهد حوزه اطلاع رسانی ما بعد از انقلاب به موازات رواج کار ترجمه، پیش نرفته است.

به نظر می رسد یکی از ضرورت هایی که پس از گذشت سه دهه از انقلاب باید در عرصه ترجمه بدان اهتمام داشت، موضوع اطلاع رسانی در این حوزه است.

تولد روان شناسی با انقلاب

فرید براتی سده - نویسنده



قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، روان شناسی رشته ای نوپا و تازه تاسیس بود که کم کم می خواست شکل بگیرد. عمده کتاب هایی هم که در این زمینه وجود داشتند غالباً کتاب های علمی و آکادمیک بودند. برای مثال، ما حداکثر دو کتاب در حوزه روان شناسی بالینی و یکی - دو کتاب در حوزه روان شناسی مشاوره و چند کتاب هم در زمینه روان شناسی عمومی داشتیم که عمدتاً هم کاربردی بودند نه تئوریک و مبنایی. این، همه بضاعت حوزه روان شناسی بود.

در حوزه کتاب های غیر درسی هم چند اثر معدود ترجمه ای وجود داشتند مثل آثار «کارن هورنای» و «دیل کارنگی» که تعداد اینها هم بسیار محدود بود و نوعاً کتاب هایی بودند که از یک آبشخور تغذیه و مباحثی بسیار کلی را مطرح می کردند، یعنی گرایش های مختلف روان شناسی اصلاً در کشور ما مطرح نبود.

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از یک دوره فترت در حوزه علوم انسانی و علوم رفتاری و از جمله روان شناسی، این حوزه بنا به نیاز جامعه و به ویژه بعد از جنگ تحمیلی، رشد فراینده ای پیدا کرد تا جایی که امروزه به جرئت می توانیم بگویم خوشبختانه مردم در زندگی شان و مسوولان در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های شان یک ذهنیت روان شناختی دارند.

یعنی سعی می کنند مسائل و توجیحات روان شناختی هر بحث و هر برنامه ای را دریابند و این امر دقیقاً حاصل شرایط بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است و به همین سبب هم رشد روان شناسی بعد از انقلاب در مقایسه با قبل از انقلاب، بی نظیر است. ما امروز گرایش های گوناگون روان شناسی را با منابع و کتاب های مختلف در کشورمان داریم. کتاب هایی که در حال حاضر در بازار نشر وجود دارند در مقایسه با قبل، هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ آثار عام، بسیار گسترده تر و وسیع تر شده است.

در حوزه آثار ترجمه ای نیز آنچنان اهمیتی وجود دارد که گاه می بینیم یک کتاب که توسط نویسنده ای در کشوری دیگر به چاپ می رسد بلافاصله در اینجا هم ترجمه می شود. از نظر سبک نگارش، واژه گزینی و گزیده نویسی هم خوشبختانه پیشرفت خیلی خوبی داشتیم. امروزه منابع ما به لحاظ انتخاب واژه ها به نسبت قبل خیلی گسترده تر است یعنی بعد از انقلاب خزانة لغات روان شناسی و خزانة کلمات تخصصی ما پیشرفت چشمگیری داشته است. خلاصه سخن این که؛ آثار ما در حوزه روان شناسی، قبل از انقلاب در دوره جنبی به سر می برد و پس از انقلاب متولد شد و به بلوغ و پختگی نسبی رسید.

یادداشت

احمد بیگلری



جای خالی بزرگان و وظیفه نسل امروز



قبل از انقلاب، ادبیات به طور مشخص به دو دسته تقسیم می شد، بخش عظیمی از آن را نویسندگان و مترجمانی پدید می آوردند که نسبت به مردم متعهد و نسبت به دستگاه حاکم بدبین بودند. یعنی حساب خودشان را از دستگاه حاکم کاملاً جدا کرده بودند. از این رو، این گروه ناگزیر بودند آنچه را می نویسند یا برای ترجمه انتخاب می کنند به نوعی سازگار با مرام و اندیشه و نوع تفکرشان باشد یعنی در بطن ماجرا، مبارزه با ظلم و اختناق و مبارزه با سانسور در آن مستقر باشد و نشان بدهد که با آن نظام و با آن شکل حکومت ها سازگاری ندارند.

این یک بخش از ادبیات قبل از انقلاب بود. بخش دیگر هم مربوط می شد به کسانی مثل شجاع الدین شفا، محمد حجازی، علی دشتی و کسانی نظیر اینها که به نظام وابسته بودند و کاری هم به مردم نداشتند و کار خودشان را می کردند و نشان را می خوردند؛ آثارشان هم به راحتی و بدون دردسر با جلد های زرکوب چاپ می شد و مورد توجه قرار می گرفت و فروش فراوانی هم داشت. چراکه خود نظام وقت از آنها حمایت می کرد.

این دسته بندی قبل از انقلاب، در مطبوعات نیز قابل مشاهده بود. برای مثال، کیهان قبل از انقلاب در مقایسه با اطلاعات به مردم خیلی نزدیک تر بود یا نشریات مثل فردوسی، خوشه و کتاب هفته بسیار مردمی تر از نشریات ادبی وابسته به نظام بودند. بعد از انقلاب، تحول عظیمی رخ داد یا به عبارتی بهتر، انتظار تحول عظیمی می رفت که این تحول خودش را در عرصه سینما و موسیقی بسیار خوب و تند و بارزتر از سایر رشته های هنری نشان داد و این امر، از سویی توقع خوانندگان و از طرف دیگر، خاستگاه نویسندگان و هنرمندان ایرانی را بالا برد.

نخستین نشانه های تحول عظیمی که در هنر سرزمین ما رخ داد، ابتدا در سینما و بعد در عرصه موسیقی بود. اما در زمینه ادبیات اتفاقی به آن معنا که در سینما و موسیقی شاهد بودیم، نیفتاد. علت این امر شاید جنگ بود زیرا همیولای جنگ بلافاصله بعد از انقلاب سروکله خودش را نشان داد و وارد خصوصی ترین بخش زندگی مردم شد. ما با جنگی روبه رو شدیم که یک قدرت نظامی بسیار بزرگ حامی آن بود و آرامشی را که ما برای سامان دادن به انقلاب نیاز داشتیم از ما گرفت و نگذاشت برای آینده برنامه ریزی کنیم. جنگ به ما فرصت نداد که از موهبت انقلاب آنچنان که باید بهره مند شویم، اما با این همه می توان گفت بعد از انقلاب، نسل جوان معاصر ما از نیروی شگرفی برای ایجاد یک تحول عظیم در ادبیات برخوردار شده است، نسلی پر از انرژی که به هیچ وجه قابل مقایسه با نسل جوان پیش از انقلاب نیست.

نویسندگان جوان معاصر ما سرشار از استعداد، خلاقیت، نوآوری و آفرینش های بدیع و بسیار قابل تحلیل و قابل توجه اند. این نسل را باید گرامی داشت و به آن بها داد. خوشبختانه نسل جوان معاصر از پشتوانه بسیار خوبی برخوردار است اما با همه اینها یادمان باشد زمانی که نیما مرد، هنوز شاعرانی وجود داشتند که کار او را ادامه دهند.

حالا هر روز شاهدیم کسانی نظیر اسماعیل فصیح، محمد ایوبی و ... از میان ما می روند و شاید کسی به این زودی ها، قادر نباشد جای آنها را پر کند. خلأهایی پدیدار شده اند که برای پر کردنشان زمان بسیار زیادی لازم است و این، نسل معاصر است که باید کاری در این مورد انجام دهد.